





## درخواست ناشران

### ان رئیس جمهوری

**گروه خبر کتاب هفته** فعالیت‌های نشران و کتابفروشان تهران با ارسال نامه‌ای به رئیس جمهوری خواستار تصویب و اجرایی لایحه معافیت مالیاتی ناشران و کتابفروشان شد.

در متن این نامه آمده‌است:حدود شش سال از آماده شدن لایحه معافیت مالیاتی مؤسسات نشرانی و کتابفروشان ایرناخت حاصلت مورخ ۷۳/۳/۲۵ توسط دولت جنابعالی تقدیم مجلس شورای اسلامی شد.می گذرد.

این معافیت مالیاتی به اذعان اکثر همکاران ناشر و کتابفروش ما و دیگر دست‌اندرکاران حوزه فرهنگ یکی از بهترین سیاست‌های حمایتی دولت در ۲۵ساله گذشته بود که به دلیل عدم بودن و همه شمول بودن امکان کوچک‌ترین فسادی نیز در آن وجود نداشت. متأسفانه این تاریخ وزارت امور اقتصاد و دارایی به دلایل راهی از تحقق این معافیت مالیاتی «با وجود سه بار تصویب آن در صحن مجلس» سرپای می‌زند و در این ایام که پایان دوره مالی سال ۸۳ است بیشترین فشار را بر همکاران کتابفروش ما وارد می‌کند تا آنها را مجبور به پرداخت مالیات کند. در پایان این نامه درباره انتظار و خواسته ناشران از رئیس جمهوری نوشته شده است.جناب آقای رئیس جمهور،انتظار ما از شما وفاقی به قول و عهد شمسات که در این مورد خواهمشدمید با عدالت مستقیم و سریع خود دستور روشنی به وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و نیز فرهنگ و ارشاد اسلامی بدهد تا نسبت به تحقق معافیت مالیاتی کتابفروشان اقدام عاجل به عمل آورند.

**گروه خبر کتاب هفته** فعالیت‌های هفته کتاب شکل ثابت به خود گرفته و جایگاه مشخصی را در جامعه یافته است.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، احمد مسجدجامعی که در میان اعضای ستاد برگزاری دوازدهمین دوره هفته کتاب سخن می‌گفت ضمن بیان مطلب فوق گفت: ضروری است بر پایه فعالیت‌ها و برنامه‌های هفته کتاب به منظور پایداری بدون منترش شود تا این جریان فرهنگی بصورت تکاملی در جامعه نهادم یابد. وی افزود: کتاب باید به سبهر اندیشه تبدیل شود چرا که از طریق کتاب می‌توان به بسیاری از حوزه‌ها همانند هنر، سینما، صنعت و اقتصاد وارد شد. وی سپس ضمن تقدیر از همکاری و مشارکت وزارتخانه‌ها، نهادها و تشکلهای دولتی و خصوصی در برگزاری هفته کتاب، اظهار داشت: هفته کتاب نهادی است برای توجه ویژه اقشار مختلف جامعه به کتاب و همچنین فرصتی است تا کارنامه و دستاوردهای یکسال گذشته حوزه نشر، نهادهای مختلف و همه

#### عیادت از مرگ آزاد

**گروه خبر کتاب هفته**، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از م آزاد عیادت کرد. محمود مشرف‌آزادتهران‌ئی شاعر سرشناس که در میمانستان طالقانی تهران بستری شده بود به تازگی کت تحت عمل جراحی قرار گرفت. احمد مسجدجامعی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در عیادت از م آزاد برای وی آرزوی بهبودی هر چه سریع‌تر کرد و ابراز امیدواری کرد که وی دوباره در جایگاه خود به عنوان شاعری پر تلاش بر غنای ادب فارسی بیفزاید. م آزاد تاکنون کتاب‌های متعددی به بازار نشر راه یافته که می‌توان از میان آنان به مواردی چون «آینه‌ها نمی‌است»، قصیده بلند باد و پریشادخت شعر فارسی که بیشتر طرف توجه علاقه‌مندان شعر نشر گردفته، اشاره کرد.

## ۳۰ میلیارد ریال اعتبار برای کتابخانه‌ها

**اطلاعات:** برای خرید کتاب و تجهیز کتابخانه‌های عمومی اسال، ۳۰ میلیارد

ریال اعتبار در نظر گرفته شده است.

دبیر کل هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور دیروز در هفته گذشته با اعلام این خبر گفت: ۲۵ میلیارد ریال از این اعتبار برای خرید کتاب و میلیونارد ریال دیگر برای تجهیز کتابخانه‌های عمومی به رایانه چاپگر و دیگر تجهیزات جانبی هزینه می‌شود.

## همایش کتابداران سازمان

### کتابداری

**گروه خبر کتاب هفته**، همایش کتابداران و اطلاع‌رسانیان مراکز و مؤسسات نامه سازمان تحقیقات و آموزش کتابداری، مهم تیرماه به همت مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشوروزی برگزار شد.

برنامه مفت سخنرانی این همایش یک روزه به شرح زیر ارائه شد:
علی ابراهیمو با موضوع تعیین وظایف و نقش نهادهای اطلاع‌رسانی مراکز و مؤسسات در نظام اطلاع‌رسانی کشوروزی، طیبه شهیرزادی درباره تهیه و تحویل مدرک، احمد یوسفی درباره سازماندهی اطلاعات، مهدی ابراهیمی درباره مرکز اطلاعات و مدارک علمی کشوروزی، عباس گیلواری با موضوع بررسی و شناسایی راهکارهای برقراری ارتباط دوسویه بین مرکز و مراکز و مؤسسات تابعه سازمان و فرین کرولیان درباره آموزش و پژوهش در کتابداری و اطلاع‌رسانی بخش کشوروزی.

در میانه این مراسم، شرکت کنندگان از کتابخانه همایش گزارت شد. در این قطعه‌ها بر تقویت تعاملات و فعالیت‌های اطلاع‌رسانی در سطح سازمان تقویت بنه علمی مراکز، انجام پژوهش‌های کاربردی اطلاع‌رسانی و ارائه نتایج پژوهش‌های انجام شده مورد تأکید قرار گرفت. همچنین در این قطعه‌ها برگزاری دوره‌های آموزش الکترونیکی، ارائه خدمات CCAS و CC در محققان و همکاران با سازمان‌های تخصصی بین‌المللی مانند لیکراد... در عنوان برنامه‌های آینده سازمان اشاره‌شد.

کسانی که در زمینه کتاب فعالیت دارند، طراحی و موردبازنگری و بررسی قرار گیرد. مسجدجامعی تصریح کرد: خوشبختانه در طی دوره‌های گذشته هفته کتاب فعالیت‌های ارزشمند و ماندگاری در وزارتخانه‌ها، سازمان‌ها و بخش‌های مختلف جامعه انجام شده که لازم است همه وزارتخانه‌ها،م از وزارت آموزش و پرورش، سازمان تبلیغات اسلامی، وزارت صنایع و معادن، وزارت علوم، تحقیقات و فن اوری، صداوسیما، کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، هیات امنای کتابخانه‌های عمومی کشور و... گزارش عملکرد فعالیت‌های چندساله خود را تدوین و منتشر کنند تا سبای اقدامات بعدی گردد. وی از انتخاب کتاب سال دانشجویی به عنوان

تجربه موفق دیگری در هفته کتاب یاد کرد و گفت: برنامه کتاب سال دانشجویی هر سال پیشرفت داشته است و اسامیل نیز پانزدهمین دوره آن برگزار می‌شود که این نشان می‌دهد دانشجویان کشور توجه و اهمیت ویژه‌ای برای کتاب قایل هستند. این مطلب است جهاد دانشگاهی کارنامه ده ساله کتاب دانشجویی را



تدوین کرده و ارائه نماید تا دانشجویان برگزیده دوره‌های گذشته به جامعه معرفی شوند.

مسجدجامعی

همکاری مستمر و

تأثیرگذار وزارت

آموزش و پرورش در

برگزاری نمایشگاههای کتاب در مدارس را از دیگر برنامه‌های مهم هفته کتاب دانست و اذعان کرد در وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های ارزشمندی نظیر نمایشگاههای اساتذی، معرفی دانش‌آموزان نوکم، جشنواره‌ها و مسابقات کتابخوانی شکل گرفته که بهتر است گزارش این فعالیت‌ها در قالب مجموعه‌ای تدوین و به جامعه فرهنگی عرضه شود و بتوان این تجربیات را در مجامع بین‌المللی مطرح ارائه کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در ادامه تأکید کرد: لازم است طرح‌هایی که طی سالهای گذشته در هفته

کتاب اجرا نشده مورد بررسی قرار گیرد و به اجرا درآید.

وی در پایان ضمن اشاره به فعالیت‌ها و مشارکت وزارتخانه‌های صنایع و معادن و کار و امور اجتماعی در حوزه نشر، خواستار برگزاری جشنواره کتاب، صنعت، کارگر در هفته کتاب توسط این وزارتخانه‌ها شد. دوازدهمین دوره هفته کتاب توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و با همکاری وزارتخانه‌ها، نهادهای دولتی، سازمان‌ها، تشکلهای صنفی حوزه نشر و پدیدارندگان کتاب از اراض این‌امام در سراسر کشور برگزار خواهد شد.

### قیمت کاغذ افزایش نمی‌یابد

**گروه خبر کتاب هفته**، کاغذ مورد نیاز ناشران و روزنامه‌ها افزایش نمی‌یابد و با همان نرخ سال گذشته عرضه می‌شود.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، در شورای اقتصاد مصوب شد به منظور حمایت نشر و مطبوعات کاغذ ناشران و روزنامه‌ها در سال جاری هیچگونه افزایش قیمتی نسبت به سال گذشته نداشته باشد.

### مجموع ۲۲۲ عنوان کتاب صادر شد

**گروه خبر کتاب هفته**، مجموعاً ۲۲۲ عنوان کتاب در هفته منتهی به دهم تیرماه صادر شد که آمار مفصّلی آنها به شرح زیر است:
اف بیات (۷۲ عنوان)، دانشگاهی (۶۹ عنوان)، تک‌درس و آموزشی (۲۵۳ عنوان) و فلسفه (۱۱ عنوان)
علوم اجتماعی (۱۵ عنوان)
تاریخ و جغرافیا (۴ عنوان)
علوم سیاسی (۸ عنوان)
فلسفه (۴ عنوان)
در این هفته همچنین ۲۵۲ عنوان کتاب چاپ اول و تجدید چاپ به دبیرخانه هیات نظارت بر اجرایی ضوابط نشر کتاب اعلام وصول شده.

## نخست فرهنگی تابستان بیش از ۲۰۰۰ برنامه دارد

تربیتی و هنری است.

وی در بخش دیگری از سخنانش وعده داد:اندازه فرهنگی‌رسانستی، ۲۲ خنده فرهنگ و کتابخانه سیار و ۶۳۲ مرکز فعالیت تابستانی را در تابستان اسامیل تأیید کرد.

همچنین در حوزه فعالیت‌های فرهنگی، هنری و تربیتی از راه‌اندازی سایت اطلاع‌رسانی، انتشار نشریه فرهنگی تابستانه و نمایشگاههای کتاب و محصولات فرهنگی خبر داد.

رئیس سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران درباره فعالیت‌های محور علمی فنی و حرفه‌ای برنامه‌های تابستانی گفت: برنامه‌هایی هم چون بزرگداشت معارف و شیخان علمه‌های تهران، انجام پژوهش‌های علمی با محوریت شهروندی و تجهیز و تقویت بین‌المللی مانند لیکراد... در عنوان برنامه‌های فرهنگی، تعیین شده، اولویت برنامه‌های نهضت تابستانی با برنامه‌های فرهنگی،



### تغییر اساتنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی

**گروه خبر کتاب هفته** اساتنامه فرهنگستان زبان و ادب فارسی تغییر کرد.

شورای عالی انقلاب فرهنگی به پیشنهاد فرهنگستان زبان و ادب فارسی در جلسه ۲۹ اردیبهشت‌ماه، اصلاح اساتنامه این فرهنگستان را تصویب کرد. این تغییرات به شرح زیر می باشد.

از این به بعد فرهنگستان شورایی خواهد داشت که مدت عضویت وابسته را تعیین می کند و مدت عضویت پیوسته و افتخاری در فرهنگستان مادام‌العمری است. همچنین این شورای می تواند از بین محققان و صاحبانظران ایرانی و غیر ایرانی زبان و ادب فارسی و سایر رشته‌های وابسته، اعضای وابسته یا افتخاری انتخاب کند.

### جنب و جوش در خانه داستان

خانه داستان ایران در راستای برنامه های نهفت فرهنگی تابستان ۸۳، برنامه های متنوعی را برگزار می کند؛

**کالیگرافی آثار برگزیده**، این برنامه با هدف شناسایی و معرفی آثار برگزیده ادبیات داستانی، یک بار در ماه برگزار می شود. از آثاری که قرار است در این برنامه مورد نقد و بررسی قرار بگیرند می توان به «نیمه غایب» حسین سلوی، «پرنده من» فریا وفی، «هنوایی شبانه ارکستر چوب ها» اثر رضا قاسمی اشاره کرد.

**سخن ماه** به بررسی ادبیات با رویکردی علمی و فلسفی می پردازد. در آخرین جلسه سخن ماه که ۱۶ خردادماه با موضوع «تعامل بین ادبیات و فلسفه» برگزار می شود، دکتر مددیور استاد دانشگاه حضور خواهد داشت.

**یک کتاب، یک نویسنده** در این جلسات که با هدف آشنایی و ارتباط نزدیک خوانندگان با نویسندگان ادبیات داستانی ایران برگزار می شود، یک کتاب با حضور نویسنده نقد و بررسی می شود.

**سینمایی ادبی**، عنوان برنامه ای است که در هر فصل یکی از آثار ادبی مورد استفاده سینماگران را با حضور کارشناسان ادبی و سینمایی بررسی می شود. جلسه آینده این برنامه به بررسی داستان «همهان مامان» نوشته هوشنگ مرادی کرمانی دارد.

**یکی بود یکی نبود**، این جشنواره داستانی جهت انتخاب کتاب برتر سال کودک در اواخر تابستان برگزار می شود.

**گروه خبر کتاب هفته**، اعضای کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی در نشست تشکیل کمیته های فرعی کمیسیون فرهنگی اعضای کمیته ها و سازمان های تحت پوشش هر یک را تعیین کردند.

کمیته های پنجگانه کمیسیون فرهنگی مجلس شورای اسلامی عبارتند از: فرهنگ، هنر و رسانه ها، ارشاد و تبلیغات اسلامی، جوانان و تربیت بدنی، زنان و خانواده و رسانه های گروهی و ارتباطات جمعی.

در کمیته فرهنگ، هنر و رسانه ها محمد هادی ربانی، حسن عباسی، رضا آشتیانی، سعید ابوظلب و محمدتقی رهبر عضو هستند که معاونت سینمایی، فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، اوقاف و امور خیریه را پوشش می دهد.
در کمیته ارشاد و تبلیغات اسلامی محمود حسین دولت آبادی، علیرضا عادی، عباسعلی اختری، محمدباقر میرباچ لادین و علانرضامیرزایی را در خود جای داده است و سازمان تبلیغات اسلامی، سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی، سازمان حج و زیارت و دفتر تبلیغات اسلامی حوزه قم از نهادهای تحت پوشش آنهاست.

#### کمیته های کمیسیون فرهنگی مجلس مشخص شدند

امیررضا خادم، پرویز سروری، لاله افتخاری و یونان بت کلیا از اعضای کمیته جوانان و تربیت بدنی هستند که سازمان ملی جوانان و تربیت بدنی را تحت پوشش دارد.

در کمیته زنان و خانواده نیز جلال الدین یحیی زاده، محمود حسین دولت آبادی و فاطمه آلیا عضویت و مرکز مشارکت امور زنان را تحت پوشش دارند.

حسین علی قاسم زاده، عباد افروغ، فاطمه رهبر، جواد آزین منش و غنث شریفی به عنوان اعضای کمیته رسانه های گروهی و ارتباطات جمعی انتخاب شدند.

سازمان صدا وسیما معاونت مطوعاتی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و خیرگزاری جمهوری اسلامی نیز از نهادهای تحت پوشش کمیته رسانه های گروهی و ارتباطات جمعی است.

محمدهادی ربانی، عضو کمیسیون فرهنگی مجلس پیگیری سیاستگذاری ها در حوزه کتاب را از وظایف کمیته فرهنگ، هنر و رسانه برشمرده و با توجه به زکود در بازار کتاب و کتابخانه گفت: رویا و ایجاد مختلفی در حوزه کتاب وجود دارد که در آینده با دعوت از وزیر فرهنگ به آنها خواهیم پرداخت.

#### مسعود کیمیایی در مراسم روز قلم

امن نویسنده نیتسم اما نویسم، شاعر نیتسم اما شمرم نویسم، غیر از این هم نمی توانم باشم، جسدهای شیبه ای را نمی توانم داشته باشم و نویسم؛

به گزارش ایسنا، مسعود کیمیایی در مراسم بزرگداشتی که از سوی خانه پیشکوتان هنر برای وی برپا شده بود، با اعلام این مطلب گفت: لطف جوانان بود که در عرض ۲ سال کتاب به ۶ چاپ رسید.

در این مراسم که به مناسبت روز قلم، برگزار شد، جواد طوسی، منتقد سینما درباره آثار کیمیایی گفت: کیمیایی در آثارش امضای خود را به اثر می دهد و فکر خودش را به اصل داستان سنجاق می کشد؛ پایان مراسم، لوح تقدیری از طرف خانه پیشکوتان هنر توسط «جعفر بزرگی» به «مسعود کیمیایی» اهدا شد.

#### ششمین نمایشگاه تصویرگران کتاب کودک

می شود.

علی اکبر صادقی، متولد ۱۳۱۶ شمسی، تحصیلات نقاشی خود را در دانشکده هنرهای زیادهائشگاه تهران گذرانده و در زمینه هایی چون: گرافیک تبلیغاتی، جلد کتاب، جعبه سازی و ساختن آفیش فیلم کار کرده است.

### جلد های بعدی دایرة المعارف سازهای ایرانی در راه است

**گروه خبر کتاب هفته**، جلد دوم و سوم دایرةالمعارف سازهای ایرانی در آفرماه سال جاری در یک مجلد توسط انتشارات ماهور منتشر می شود.

محمدرضا درویشی، پژوهشگر موسیقی ایران، مؤلف این دایرةالمعارف ضمن بیان فوق درباره موضوع این کتاب گفت: جلد دوم درباره سازهای کوبه ای بدون پوست و جلد سوم درباره سازهای کوبه ای دارای پوست است. وی از برنامه ریزی برای تدوین جلدهای بعدی نیز خبر داد و اظهار کرد: در جلد چهارم، سازهای بادی نواخی مختلف ایران و جلد پنجم سازهای موده استفاده در موسیقی دستگاهی ایران معرفی می شوند که زمان چاپ و انتشار آنها مشخص نیست.

وی با اشاره به آغاز ارجاعات از جلد ششم بیان کرد: جلد ششم به ارجاعات تصویری شامل نقش و حجم و کنده کاری اختصاصی دارد.

وی افزود: پس این کار، ارجاعات به متونی چون دیوان شعر فارسی، لغتنامه های عمده، رسالات موسیقی قدیمی و سفرنامه ها آغاز می شود که به دلیل حجم زیاد، معلوم نیست در چند جلد سازماندهی خواهد شد.



### نویسندگان عرب در نمایشگاه فرانکفورت

**پایگاه اینترنتی کتاب چهار عرب**، پیش از ۱۵۰ نویسنده از ۲۲ کشور عربی در نمایشگاه فرانکفورت حضور خواهند داشت. نمایشگاه فرانکفورت آلمان که هر سال با تکیه بر یک موضوع تعالیمی می کند، امسال از ۱۹ تا ۱۹ مهماه با موضوع ادبیات عرب برگزار می شود.

این نمایشگاه می تواند فرصتی برای آشنایی ناشران عرب و ناشران اروپایی و آمریکایی باشد؛ شناختی که در حالت عادی به سختی به دست می آید. چراکه نویسندگان، مؤلفان، مترجمان و ناشران عربی همراه کتاب هایشان در این نمایشگاه شرکت می کنند.

به گزارش پایگاه اینترنتی «کتاب جهان عرب» کتاب های عربی که به دیگر زبان ها ترجمه شده همراه با اصل کتاب در این نمایشگاه ارائه می شوند که این موضوع برای ناشران اروپایی و آمریکایی جذاب است.

در نمایشگاه امسال فرانکفورت نویسندگان عرب را می توان به دو دسته ملون و کلاسیک تقسیم کرد. از نویسندگان مدرن خودمیرا-ال مطاهاوی، امسوا باکره و ابراهیم عادل مگوبده، قطعی است.

از دیگر مهمانان نمایشگاه فرانکفورت می توان به آذونیس شاعر سوروی، حدود دویشت شاعر فلسطینی، جبار آسبه جبار نویسنده الجزایری که شهرت جهانی دارند اشاره کرد.

ادبیات عرب، ۴۰۰ ریزاستار در ۳۳ زبان دارد که موجب شده رشد زیادی در ترجمه و آشنایی با ادبیات جهان داشته باشد. گننتی است با مساحت ۴۰۰۰ متر مربع در این نمایشگاه به کشورهای عربی اختصاص داده شده که ۲۰۰ ناشر عربی از این فضا استفاده می کنند.

#### نمایشگاه کتاب مسکو

**گروه خبر کتاب هفته**، مضمین نمایشگاه بین المللی کتاب مسکو ۲۱۱ شهرپرومراه سال جاری برگزار می شود.

به گزارش روابط عمومی معاونت فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ناشران علاقه مند به شرکت در این نمایشگاه می توانند حداکثر تا نیشتم تیرماه در حوزه کارشناسی نمایشگاههای بین المللی کتاب واقع در خیابان قائم مقام، خیابان فجر، شماره ۹ مراجعه و ثبت نام نمایند.



دولت‌داری

مناور تیری نواده

گروه خیر کتاب هفته برگزیدگان قلم زرین در روز چهاردهم تیرماه مصادف با روز قلم معرفی شدند.

در این همایش که به صورت دولتی و به همت انجمن قلم ایران برگزار می‌شود، دکتر غلامعلی حداد عادل از اعضای انجمن قلم و دکتر علی لاریجانی حضور داشتند.

در ابتدای مراسم، دکتر علی لاریجانی به سخنرانی پرداخت و حمایت و تقدیر از کارهای ادبی را از کارهای شایسته دانست و با تأکید بر اهمیت کتاب گفت: کتاب در معرفی فرهنگ جامعه بسیار مؤثر است و ارجح و قرب فرهنگ، علم و دانش را در بین جوامع نشان می‌دهد.

وی افزود: در دین اسلام نیز کتاب مقوله رکنی است و کتاب بودن مجری پیامبر نشان دهنده نحوه تفکر اسلام درباره کتاب است.

لاریجانی با اشاره به دیدگاههای متفاوت

## قلم زرین برندگان خود را شناخت

و علم حصولی باشد، سعادت جامعه را تأمین می‌کند. علم حصولی حقیقت‌نما، هم از غوغا شهادت و هم از علم حضوری که فردگراست، افضل است. وی افزود: در جامعه ما همه شعب از علم لایق تا حقیقت‌نما وجود دارد و شاید این زمینه کشور تعادل محروست. ولی در کشور یکی از مسائل مهم نقد است زیرا اگر نقد به طور صحیح انجام گیرد، پالایش در آن حوزه به همراه خواهد داشت. لاریجانی، کار انجمن قلم را نوعی نقد دانست و اظهار کرد: نقد، دآوری آرام ما را به سمت حقیقت منطبق می‌کشد.

وی در پایان دست‌اندرکاران انجمن قلم را به برگزاری هر ساله این جایزه ترغیب کرد و گفت: این امر باعث بازاری استفاده‌ها و رویش جوانه‌های جدید در حوزه ادبیات می‌شود.

غلامعلی حداد عادل از اعضای انجمن قلم در ابتدا از نصرالله مردانی یاد کرد و سپس در باب عرصه نشده بودند.



شرافت قلم سخن گفت و اذعان کرد: در فرهنگ معنوی گذشته، قلم صاحب یک شرافت ذاتی برشمرده و نوشتن یک امر معنوی و بلندمرتبه تلقی می‌شده است. گویند قلم بیانگر فکر و اندیشه بوده و کتابت یک امر روحانی در نظر گرفته می‌شده است.

وی تصریح کرد: نوعی قداست با نویسندگی همراه بود، قلم‌کلید گنجینه حکمت و حقیقت است و در ادب اسلامی هم، قلم امری است که خداوند به آن قسم یاد کرده و این معنویت و حرمت

نسبت به کتاب اظهار کرده، سالکان و مزاران از کتاب به عنوان حجاب اکبر نام می‌برند و در برخی تفصیص اصل را بر کتاب یعنی علم حصولی قرار می‌دهند. آنچه به قلم می‌آید علم حصولی است. نگاه دیگر این است که نوعی علم حصولی از خون شهدا بالاتر است در حالی که مقام شهدا عین حصول است.

لاریجانی درباره ارزش کتاب و قلم در مکتب اسلام گفت: جامعه اسلام مسؤولیت شناس و جمع‌گراست. لذا اگر علمی به منافع جامعه بیندیشد



دولت‌داری

ممنی اله سلیبی

عصر روز یکشنبه ۱۲ تیرماه ۸۳ دهمین دوره ادعای قلم زرین انجمن قلم ایران برگزار شد. در این مراسم حاضران شامل اهل علم، معلق گرفت. لازم به یادآوری است در این بخش کتابهای داستانی طنز و قلندره نیزه آرسن، «بلند تلخ»، محمدعلی گودینی «حیات خلوت»، فرهاد حسن‌زاده، «رود راوی»، ایوباب خسروی، «پلنگهای کوهستان»، امین تقی‌زهی به همراه کتاب پارامی به مرحله نهایی راه یافته بودند که در نهایت قلم زرین به محمدرضا باقری معلق گرفت. بعد از پایان مراسم گفت و گویی با محمدرضا پارامی انجام دادیم که با هم می‌خوانیم:

آقای پارامی ضمن تبریک موفقیت کتاب «پل معلق» می‌خواستیم بدانیم تا چه اندازه به احتمال برنده شدن این کتاب افتخار داشتید؟

از اظهار لطف شما متشکر می‌کنم، اما در مورد احتمال، خودم نسبت به کتاب اهل معلق، باید بگویم اصولاً زیاد به این نوع موارد فکر نمی‌کنم البته این مورد تقریباً فرق می‌کند. یعنی می‌شود گفت یک مقداری احتمال می‌دادم.

یعنی شما می‌دانستید این کتاب برنده قلم زرین می‌شود؟ نه به این صراحت، البته طبیعی است که هیچ کس نتواند نتایج این نوع انتخاب‌ها را از قبل تشخیص

## قلم زرین برندگان خود را شناخت

در فرهنگ کهن ما و در تمدن اسلامی ما گسترده بود.

حداد عادل در ادامه به مقایسه وضعیت کتاب و نگارش در گذشته و حال پرداخت و گفت: در گذشته کتاب‌های مبتذل و مستهجن بسیار نادر بود و صاحبان قلم یا دانشند که امور مستهجن را بر صفحه کاغذ بنگارند و کتاب جزو میراث شفاهی بود ولی در روزگار ما، حاکمیت رایانه و شبکه اینترنتی حرمت و قداست قلم را مخدوش کرده. اکنون حرمت قلم شکسته شده است.

وی با توجه به از بین رفتن حرمت قلم، انجمن قلم و تلاش‌های آن را ضروری دانست و افزود: زیرا ادبیات سخت در معرض خطر است.

رئیس مجلس شورای اسلامی در بخش دیگری از سخنانش درباره نصرالله مردانی، شاعر، گفت: مردانی در روزهای شعر خود را به کمک انقلاب آورد که بسیاری از شاعران نامدار امروز وارد عرصه نشده بودند.

وی افزود: مردانی، مرد و مردانه یا به میان گذاشت و سپسی وار در همه عرصه‌های انقلاب حضور یافت. مردانی، شاعری توانا، محب اهل بیت و دوستان انقلاب بود.

در بخش آفرین ووشان مراسم اهدای جوایز قلم زرین که به نگرداشت بزرگان ادب اختصاص دارد، هدیه‌ای به خانواده نصرالله مردانی اهدا شد و سپس دختر وی، راضیه مردانی شعری را که در سطر پسر سروده بود، خواند.

در ادامه راضیه تجار، دبیر ستونواره پیاپی انجمن قلم را قرائت کرد و از برگزاری سالانه این جایزه خبر داد. سپس برگزیدگان در سه حوزه داستان، شعر و پژوهش معرفی شدند. در حوزه داستان ۱۰۰۳ کتاب مورد معامله هیأت داوران قرار گرفته بود که از میان آنها «شب و قلندره» نوشته منیره آرمین، «بلند تلخ» اثر محمدعلی گودینی، «حیات خلوت»، نوشته فرهاد حسن‌زاده، «رود راوی» اثر ایوباب خسروی، «پلنگ‌های کوهستان» اثر امین تقی‌زهی و «پل معلق»

## گفت و گو با محمدرضا باقری نویسنده رمان «پل معلق»

## حرف‌های برنده جایزه قلم زرین



کرده‌ام. حوادث آن قسمت هم در فضای فعلی کتاب رخ می‌دهد؟ نه، کتاب دوم در فضای کرمانشاه به وقوع می‌پیوندد و فضای جلد سوم برمی‌گردد به جبهه جنوب و به حال و هوای هفت روز آخر یادداشت‌های شخصی‌ام از جنگ اختصاص دارد. طرح کلی این مجموعه سه جلدی پیرامون موضوع بله، در یک سیر خطی از زندگی به سوی مرگ حرکت می‌کند و بالکنک.

ظاهر واقعی از انتشار جلدهای بعدی این مجموعه به وجود آمده در این فاصله تنها چند مترشده است (پل معلق) به چاپ چندم رسیده؟ من خودم تا چاپ پنجم را ندیدم، دیگر خبر ندارم همین آخری است یا جاهای دیگری هم خواهد بود.

حالا که این کتاب جایزه قلم زرین را کسب کرده به نظرتان چه تأثیری بر روی کلیت مجموعه می‌گذارد؟ فکر نمی‌کنم تأثیر خاصی داشته باشد. اصولاً جوایز ما برده نداریم انجام هم فکر نمی‌کنم اتفاق خاصی افتاده باشد.

به آن دلسته بودم، کم‌کم رویش کار کردم، بادم می‌آید بارها آن را باز نویسی کردم تا بالاخره توانستم خودم را قطع کنم که کار تمام شده است.

پس از نظر شما این کار تمام شده است؟ از نظر استقلال فرقی بله، کار تمام شده است ولی ذهنیتی که در این رمان بازتاب داده شده هنوز به سرانجام نرسیده.

یعنی داستان این رمان ادامه دارد؟ بله این کتاب هم از جنس کتابهای سه گانه من است که فعلاً همین جلش منتشر شده.

جلدهای دیگر آن در چه مرحله‌ای هستند؟ جلد دوم آن الان پیش خودم است که قبلاً کار



### گزارش

**گروه غیر کتاب هفته**، حرف می‌بارد، برف می‌بارد به روی خاور خاراستگ، کوهها خاموش در ماه تلنگ، راهها چشم انتظار کاروانی با صدای رنگه جشن تیرگان با این عازرات آغاز شد.

و کیگوسن پایکده با صدای آهنگیش تا پایان آرش کندلگر سیاهوش کسرای با او خولده در همه در سگوت با او همراهی کردند.

جشن تیرگان که روزی پربار نیز توسط آرش کمانگیر، روز پیروزی قرشته باران پر دیو خشکی و روز نوسنده در ایران باستان است، پس از آن سال، این بار توسط مؤسسه فرهنگی جبری کاروان و ماهنامه جشن کتاب روز شنبه ۱۳ تیر برگزار شد.

محمد محمدعلی، نویسنده تیربخشی از داستان مشی و مشیانه اش را که بزودی از سوی انتشارات کاروان منتشر می‌شود، خواند.

مجموعی نیز همسنگی درماننده به حرکت در آمدیم، روزها و ماهها پیش رفتیم، سال بعد نگاه عشق بالاترین ودعه اهواز بودیم به مشی و مشیانه.

محمدعلی سپس از زبان رمز، واژه، استعاره و سبیل سخن گفت و آرشیه زبان کتاب‌های مقدس دانست و گفت: پراساس اسطوره آرشیه‌ها جهان آفریده‌ای به نام اهواز و در مقابل اهواز اهریمن را دارد که زمان بین این دو تقسیم شده است، اهواز و اهریمن جهان سیاهی و سپیدی هستند.

محمدعلی باز بخشهایی از کتاب «هستی و مشیانه» را خواند و در پایان از کیومرث به عنوان اولین انسان یاد کرد که در ۳۰۰۰ سال آخر مهلت اهواز به زمین می‌آید.

پس از محمدعلی نوبت به فرانسه کریم‌پور رسید. تیربخشی از دعوت بااست منگارش آخرین داستان چاپ میرمیر با موهایی سپید آشفته، رویه همنان‌ها کرد و با صدای گرفته و گریه گفت: ما دنیا را به گونه‌ای دیگر می‌بینیم، از منظر یک دیوانه.

کریم‌پور، همه حرف‌هایش را در داستانش گفته بود و دیگر حرفی برای گفتن نداشت، ولی محمد

## جشن تیرگان



فانجان ادبیات گاه نامدار هستند و یاد و نامشان در ذهن ما باقیست و گاه فراموش شدند مانند نویسنده‌گان گنام هراز و یکشنب.

وی در پایان با اشاره به گسترده‌گی مرزهای جغرافیایی ادبیات فارسی بیان کرد: آهنگ زبان فارسی در همه این کشورها آهنگ زیبایی است.

آرش حجازی، مدیر انتشارات کاروان و مدیر مسئول ماهنامه جشن کتاب سخنانش را با خواندن بخشی از تکیه داریوش در نقش رستم آغاز کرد.

وی بزرگترین آفرینش در تفکر ایرانی را شادی دانست و با اشاره به ریشه اوستایی واژه جشن گفت: جشن به معنای نیایش و ستایش است و قلم ما بزرگترین نیایش را جشن می‌دانیم و به همین دلیل ما اسم جشن کتاب را برای ماهنامه خود انتخاب کردیم.

وی سپس بخشهایی از کتاب مشاهدهت سرزمین ابدیت، آخرین رمانش را که چاپ سوم آن هم منتشر شده است، خواند.

کیگوسن پایکده، شاعر نیز وقتی پشت تریبون آمد، سه سروده خود را خواند.

دهای پاتر خواب دیدم در کوجه‌ها

رازه‌ایم را می‌فروشند...

آخرین سخنران و پایان بخش مراسم، محمد علی سیاللو، سردبیر ماهنامه جشن کتاب بود.

وی در ابتدای سخنانش خود گفت: وظیفه ادبیات و هنر مبارزه با فراموشی است زیرا فراموشی، سامان زندگی فرهنگی را از بین می‌برد. سیاللو سپس گزارش جشن تیرگان ۹ ساله پیش را که در تشریح کردن به چاپ رسیده بود، خواند و از سیاللو از نویسندگان و شاعرانی که دیگر در میان ما نیستند یاد کرد.

در اینجا بخش رسمی مراسم بیان یافت ولی در اهرار و بیرون تالار بهیون خانه مردمان، جمعیت کثیری نایساده بود تا فال کوزه، عکس یادگاری با نویسندگان و شاعران محویشان یا عضا بگیرند.

### اخبار وین الملل

#### پرفروش ترین ها

**نیویورکر**، کتاب ایرادر و خواهر نوشته «جونانا تروپوب» از پرفروش ترین کتاب‌های هفته گذشته آمریکا بود.

این کتاب که توسط انتشارات بلومزبری منتشر شده است، تصویری از روابط خانوادگی و لایه‌های پیچیده این نهاد اجتماعی است.

دیگر کتاب پرفروش هفته گذشته، انظم نوین جهانی» نوشته «آن ماری اسلاتر»، استاد دانشگاه پرینستون است. اسلاتر در این کتاب به قدرت زیرمجموعه‌های تشکیل دهنده یک نظام توجه می‌کند و توانایی اجزای یک مجموعه را برابر با همیری مجموعه می‌داند.

این کتاب را انتشارات دانشگاه پرینستون منتشر کرده است.

کتاب ارفیصدین یا کویا، نوشته «آلماگیر مویریه» نو که توسط نشر کتاب‌های پانتون به چاپ رسیده است از دیگر کتاب‌های پرفروش هفته گذشته است. آلماگیر مویریه، نو، روزنامه نگار مکزیک، در این کتاب زندگی کاری خود را بازگو کرده، اما قسمت بیشتر کتاب مربوط به خاطرات او از جنگ کویاست. وی اکنون در مؤسسه ادبی «گابریل گارسیا مارکز» گزارشگری تدریس می‌کند.

#### طرحی برای دانش آموزان فرانسوی

**جام جم آنلاین:** انتشارات دیوبسی فرانسه طرحی برای برگردن اوقات فراغت دانش آموزان و مدرستری آنها به کتاب‌های ایزان قیمت اجرا کرده است.

این انتشارات از اول ماه ژوئیه به فرا رسیدن فصل تابستان، یک میلیون و ۲۰۰ هزار جلد کتاب مصور به بازار عرضه کرده که قیمت هر جلد آن ۲ یورو است. قیمت هر جلد از این کتاب‌ها در ایام عادی ۱۲۵۹ یورو است.

#### کتاب ماه کودک و نوجوان برگزار می کند



#### ترجمه شش دفتر مثنوی معنوی مولانا جلال الدین رومی برای اولین بار به زبان آلمانی

و خاتم ulvike Meyer در کار تصحیح آن همکاری داشته اند. این ترجمه به نثر بوده و سعی در وفادار ماندن به متن اصلی داشته و همانگونه که خواست مولانا نیز بوده سعی در پرداختن به معنا شده تا رنگ و لعاب‌های مترجمانه، تا جایی که حتی برای کلمات هجو نیز تلاش در بسته بندی لیک نهموده و به همان گونه که می‌باید ترجمه شده اند. به همین دلایل این کتاب جای خود را در محافل ادبی و مولاناشناس و اساتید دانشگاهی باز نموده. در شماره تابستان ۲۰۰۲ مجله Spuren در سوئیس منتشر می‌شود مقاله‌ای از آقای Peter Cunz در معرفی این کتاب به چاپ رسیده و در سپتامبر ۲۰۰۳ روزنامه Allgemeine Frankfurter در صفر معرفی کتاب خود مقاله‌ای از Hobein utsch ضمن معرفی شخصیت مولانا به روش ترجمه و موفقیت این کتاب اشاره داشت.

این کتاب هم اکنون در اکثر مجامع ادبی و دانشگاهی آلمان و اتریش و قسمتی از سوئیس مورد استفاده قرار گرفته و از آن استقبال شده است.

#### یادداشت



ترجمه متن کامل شش دفتر مثنوی معنوی مولانا جلال‌الدین رومی نخستین بار به زبان آلمانی انتشار یافت. این اثر در سه جلد که هر جلد شامل دو دفتر مثنوی است در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت. ترجمه آلمانی مستقیماً از متن فارسی مثنوی تیکلسون انجام شده و پایان هر کتاب حاوی فهرست امکن و اشخاص و همین طرز آیات واحادیث است. با توجه به متن انگلیسی از تیکلسون و متن فرانسوی از Mortozavi Meyrovitch و Mortozavi Evadevray کتب مرجعی که در حل پیچیدگی‌ها و دشواری‌های متن، مدد دهنده بودند، نثر و شرح کتله خاور موسی تری، شرح مثنوی شریف واحادیث مثنوی استاد فروزانفر، شرح مثنوی آقای دکتر محمد استعلامی، شرح مثنوی آقای کریم زمامی و فرهنگ لغات و تعبیرات مثنوی آقای دکتر سید صادق گوهرین.

این کتاب شامل دو مقدمه جامع است که توسط کاوه دلیر آذر نگاشته شد. این کتاب توسط زیلا سهرابی، کاوه دلیر آذر و کاوه دلیر آذر هستند. آقای Dr Anel Monte

	<b>روزبه مشکینیون</b> ۶۱۰۰۰ ریال	<b>تاریخ عالم آرای امینی</b> ۵۹۰۰۰ ریال
<b>روزبه مشکینیون</b> انتشارات روزبه مشکینیون	تهران - خیابان انقلاب اسلامی - بین خیابان لوریمیلان و دانشگاه - ساختمان فروردین - طبقه دوم کد پستی: ۱۴۱۵۹۳۵۱۹ - صندوق پستی: ۵۶۹ - تلفن: ۱۳۱۸۵ - ۶۴۹ - ۶۱۲۳۰ - ۶۴۹ - دورنگار: ۶۴۰۴۲۵۸	تاریخ انتشار: آذر ماه ۱۳۸۵ نویسنده: علی امینی مترجم: روزبه مشکینیون ناشر: انتشارات روزبه مشکینیون شابک: ۹۶۴-۶۱۰۰۰-۰۰۰-۰۰۰
تهران - خیابان انقلاب اسلامی - بین خیابان لوریمیلان و دانشگاه - ساختمان فروردین - طبقه دوم کد پستی: ۱۴۱۵۹۳۵۱۹ - صندوق پستی: ۵۶۹ - تلفن: ۱۳۱۸۵ - ۶۴۹ - ۶۱۲۳۰ - ۶۴۹ - دورنگار: ۶۴۰۴۲۵۸ www.ruzbehmeshkini.com info@ruzbehmeshkini.com		



**کتابخانه**

آرزاد عشق، نورآبادی

من در یک جادر سیاه به دنیا آمدم. زندگانی را در جادر با تیر، تفنگ و شیشه آسب آغاز کردم... و مدرسه و فرزندان این مرز و بوم است. پس از سه دهه از زمان بازنشستگی اش هنوز محور کلام و بیان او خواندن و نوشتن و تربیت نیروهای فعال برای ساختن جامعه است.

راه پیغمت و گدایی کنتم. مأموران نهبیانی – رضاخان مراقب بودند که گدایی هم نکنیم... به می کردم شاگرد اول می شدم. نجیدی ها، مأموران شهریانی و آشتیایان کوچک و خبیان به پدرم تیرک می گفتند. و از آینده درخشام برایش خیال ها می یافتند. سرانجام تصدیق گرفتم. یکی از آن تصدیق های پر رنگ و رونق روز. نجیدی ها، مأموران افتادم و با دانشنامه قضایی حقوق به سراغ دادگستری رفتم تا قاضی شوم و درخت پیدار را از بیخ و بن براندازم... دلم گرفت و از ترقی عدلیه چشم پوشیدم... در ایل جادر داشتم. در شهر خانه نداشتم. در ایل اسب سواری داشتم. در شهر ماشین نداشتم. در ایل حرمت و آسایش و کس و کار داشتم. در شهر آرام و قرار و عشقوار و آندوه گسار نداشتم... نامه ای از برادرم رسید... بوی جوی مولیان مدهوش کرد. ترقی را رها کردم... تهران را پشت سر گذاشتم و به سوی بخارا بال و پر گشودم. بخاری من ایل من بود...

اینها بخشی از زندگی بزرگ مردی است که رسول کتاب در حجاز ایل بود و هست و برای همیشه در حافظه مردم عشایری و روستایی ایران زمین خواهد بود. استاد محمد بهمن بیگی به دست جوان و نوجوان عشایری و روستایی به جای چوب ششایی که پسر به رسم پدر فقط ششایی کند و بس، کتاب داد و بر این قاعده کهنه خط بطلان کشید و نهفتت عظیمی را در مبارزه با جهل و بی سواد ی آغاز کرد. میرزا، میدان فصرالذلت، خبیان کوچک خان جنگلی، کوجه دروازه هست. مردی برصنالی نقش دار هنر قلیچه ایلپانی آرمیده است. خبیان کوچک خان جنگلی نداهای کنده مردمی که خود یک میرزا کوچک خان جنگلی نه در عرصه سیاست بلکه در عرصه فرهنگ و علم است.

محمد بهمن بیگی هشتاد و چهارمین بهار از زندگی خود را سپری می کند. اما همچنان استوار و معتقد از کتاب و مدرسه و بچه های روستایی سخن می راند. دکت در چشمانم حلقه زده بود. به فکر فرو رفتم که آقای کی تا ماهها پیش مدیر گل بود و پس از سه دهه فعالیت های فرهنگی و اهتمام به کتاب، بازنشستگی خود را با کار بساز و بفروش ساختمانی آغاز کرده است اما بهمن بیگی پس از

شصت سال از آغاز فعالیت هنوز در زیانش کتاب و مدرسه و فرزندان این مرز و بوم است. پس از سه دهه از زمان بازنشستگی اش هنوز محور کلام و بیان او خواندن و نوشتن و تربیت نیروهای فعال برای ساختن جامعه است.

**عرف و عادت**

زرق و برق زندگی و دنیای هزار رنگ و انسان های هزار چهره و هوس های جورواجور بهمن بیگی بیست و سه ساله را نفریفت. در آن سالهای دانشجویی آینده ایل و روستا دیدگانش را به فضای عمیقی سوق می داد که روستایی و عشایری با بیلابلی و قشلاق خود و ستیز در منازعات قومی و داخلی راهی به سوی اضمحلال می برد. حل مشکلات ایلات و مردم روستایی را در قیام علیه جهل یافت و برای زوددن سیمای فقر گرفته ناشی از فرهنگ و اقتصاد به پا خاست. وی دریافته بود که کتاب در جامعه عشایری و روستایی همچون جامعه شهری می تواند منشأ تحول اساسی و



**بهمن بیگی در آغاز کار**
**مکتبخانه دایر می کند**
**و سپس به سراغ**
**مدرسه می رود**

چشمگیر باشد. در کناری که نشستم آغاز فعالیت خود را با معرفی کتاب «عرف و عادت» خویش ادامه داد. این کتاب در سال ۱۳۳۴منتشر شده است. وی در این کتاب نتیجه گیری نموده است که باید جامعه روستایی و عشایری ایران بسواد شوند. در آن شرایط و با توجه به وضعیت فرهنگی و اجتماعی قریب به اتفاق مردم ایران که از اقتدار روستایی و عشایری بودند پرداختن به این رسالت مهم حرکت عظیمی به شمار می آمد.

بهمن بیگی در آغاز کار، مکتبخانه دایر می کند و سپس به سراغ مدرسه می رود. وی در خصوص آن زمان می گوید: «اعتقاد داشتم معلمان شهری نمی توانند مدارس عشایری و روستایی را اداره و تعلیم کنند. از عهده عشایر و روستایر نمی آیند. دولت را قانع کردم، هشت سال طول کشید تا به دولت وقت ثابت کردم که باید از خود مردم روستایی و عشایری معلم تربیت کرد و به معلمان روستایی جدید نیز گفتم خوب کار کنید تا نشان دهید بسواد هستید برای همگان ثابت شد که مدارس عشایری با فاصله بیشتری از مدارس شهری جلو افتاده اند.» محمد بهمن بیگی در ادامه می گوید: «ایمان داشتم برای رهایی جامعه عشایری و درگیر نکردن آنها با یکدیگر که موجب نزاع های خونین می شد باید کتاب را وارود زندگی آنها کنیم تا بسواد شوند.

فرزندان عشایری هیچ چیز به لحاظ استعداد از بچه های شهری کمتر نداشته اند و گفتیم که به آنجا نوب و نانگ نفرستید، معلم نفرستید. کتاب بفرستید.»

صحن مدرسه بهمن بیگی چتر و گیسوی درختان بلوط بود و زیر سقف چترها کلاس عشق و علم را دایر می کرد تا هزاران نوجوان دختر و پسر و پاره را برهنه را گرد آورده و کتاب دست آنها سپارد و راه آموختن را نشان دهد. بهمن بیگی در بند پرستیز و نشریقات اداری نبود، با یا با پای پیاده چه بسیار از کوهها و دشت ها را پیبود. در سری و گرمی، شب و روز، عشق و علاقه اش وقت بی وقت نمی شناخت. وقت اداری برای او بی معنی بود و زیانش همیشه و همه وقت خواندن و نوشتن بود. در جامعه روستایی و عشایری ایران خانه ای نبوده و نیست که فرزندان آن، نگاه عاشق و پرهمر معلمی بهمن بیگی را حس نکرده باشند و اوصاف کلاس پر محتوایش را شنیده یا گام های استوار وی را در این مجاهدت بی نظیر تعقیب نکرده باشند.

از سیستان گرفته تا کردستان و خوزستان، از فارس تا کهگیلویه و بویراحمد و از بو شهر تا چهار محال و اصفهان و گیلانغرب زیر طنین گام های استوار او، فرزندان عشایر و روستایی اش شتوی کتاب و آموختن را سروده اند. او در آثار سراسر نغز، روان و خاطره انگیزش که دریایی از معرفت را با خود دارد، فضای زیبایی از جامعه عشایری و روستایی آن روز را ترسیم می کند. کتاب «بخاری من، ایل من» که شش باره به زویوط آراسته شده است، سندی گویا از کارنامه وی است.

خدمات بهمن بیگی آنچنان گیراست که آوازه اش از ایران پا فراتر می گذارد و مرزها را درمی نوردد. به گونه ای که از سوی سازمان بین المللی یونسکو مراتب تقدیر و تشکر از وی به عمل می آید و لوح تقدیر به ایشان اهدا می شود. وقتی از وی سراغ لوح اهدایی یونسکو را می گیرم با روحیه ای جدی و محکم می گوید: «تقدیر یونسکو مهم نیست، شما خودتان یونسکو هستید.

من چه کسی هستم دستگامی که بتواند عده ای را در بیابان و مناطق صحت العیور پیدا کند، تربیت کند و به دانشگاه بفرستد. آن هم توسط کسانی که گنمام هستند و آنها را پرورش دهند مثل کتابشیر برهمن، آنها را بونسید. کارها را اینها کردند و من هم نوشته ام که این مملکت غیر از اینها تعلیم و تربیت راهی برای نجات ندارد و نشان داده ام که اگر ایمان، پشتکار و اعتقاد باشد می توان هر کاری کرد. داستان «آموزگار ایل» در کتاب «به اجاققت قسم» نوشته بنده همین رایبان می کند. آن وقت ها فکر می کردند من چند مدرسه دایر کرده ام و کاری انجام نمی شود. شاه وقت دانشگاه را موقوف کرد که این مساله برسمی شود. آنها پنج یا شش ماه تحقیق کردند و چندین مدرسه ممتاز تهران را دیدند و همه مدارس ما را هم دیدند و دیدند که ما کاری کرده ایم که آنها نکرده اند و کار ما عالی بود.»

از محمد بهمن بیگی کتاب های مدارس عشایری را سراغ می گیرم. وی کتاب تهنه کتاب های مدارس عشایری را آموزش و پرورش وقت با همان وزارت معارف ذکر می کند اما می گوید: «من مقرراتی راجع به آموزش بچه های عشایر کشور به تصویب رسانده بودم که آنها فقط در دو فصل زمستان و تابستان درس بخوانند. بنا به خواش عشایر



## الفبای ماندگار ایلیاتی

**دیدار با محمد بهمن بیگی ، بنیانگذار آموزش و پرورش عشایر ایران**

زمان کلاس ها با مدارس شهری تفاوت داشت. اصولاً برای من مدرک و تصدیق مهم نبود. اعتقاد داشتم دارم وقتی عشق باشد، درس و کتاب باشد با پنجم ابتدایی می توان دیدم ها و بالاترها را هم شکست داد و خانه نشین کرد. در مقاله ای به نام «آموزگار ایل» از کتاب به «اجاققت قسم» این کلمات و مسائل ریاضی را از بچه های عشایری می پرسیدم آنها به خوبی جواب می دادند. الا دیپلمه ها و حتی لیسانس های رامی بینم که بعضی از کلمات را نمی دانند با «ص» می یونسند یا با «س».

**کتابخانه سیار**

بهمن بیگی از ایجاد کتابخانه در ایل نیز غافل نبوده است. علاوه بر کتاب های درسی که توسط آموزش و پرورش وقت تهیه می شد با از کانون پرورش فکری، کتاب تحویل می گرفت و اقدام به راه اندازی کتابخانه های سیار در سطح روستا و عشایر نمود. وی می گوید: «ان موقع از کانون



پرورش فکری کودکان کتاب می گرفت و با کتابخانه های سیاری که داشتم چند کتابدار را انتخاب کردم تا کتابخانه ها را اداره کنند. فارغ از نشریقات کتابها را در روستاها و محیط های عشایری دست به دست می کردند. به معلمان می گفتم آزادانه کتاب بخوانند. مادا با پر خوردهایتان شما هم را از آنها بگیرید. اعتقاد داشتم و دارم که گرفتن شجاعت از نوجوانان و جوانان نمی تواند زمینه بروز استعداد آنها را فراهم کند. بنیه بدنی دانش آموزان را ممنوع کرده بودم. خانه به خانه می رفتم و کتاب دست بچه های دلم و به آنها می گفتم که من برای گدایی استعدادهای شما عزیزان آمدم. خواش می کردم، برو و شرف خود را گرو می گذاشت آنها را گرد آوردم. بین دانشتم نه این بچه های پشرفت و ترقی و آن نظر استعداد نه تنها چیزی که ندارند بلکه می توانند جلوتر هم باشند. بیست و هشت سال سخن می کشیدم. معلمان عشایری زیادی کتاب بچه ها خوش وارد میدان شده بودند. کتابداران کتب بچه ها توزیع می کردند. درس می دادند و درس می خوانستند.»

**مدرک و چکد بی محل**

بهمن بیگی از مزایج مدرک گرای در جامعه انتقاد می کند. وی با اشاره به قضیه ای که در زمان

مسئولیت‌های خودشان اتفاق افتاده است می‌گوید: در کتاب همه اجابت نسبه، نوشته که خیلی‌ها کتاب نمی‌خوانند، به درس توجه ندارند.نمونه می‌گیرند، من در خصوص برخورد با معلمی که مدرک صادر کرده بود به شدت قاطع بودم. اعتقاد دارم که مدرک خیلی مهم نیست، بر طبق تصدیق‌های بی‌محتوا فاضی شدن یا فلان مسئول شدن برای جامعه فایده است.

مثل جکی بی محل می‌ماند که فردمدرک دارد ولی پشتپاها و مسریابه علمی و فکری کافی را ندارد. یک دیپلمه باید زبان انگلیسی را خوب بلد باشد. آنقدر کتاب انگلیسی را که الاان ضرورت اجتناب‌ناپذیر دارد خوب بخواند که بتواند تکلم کند و مهمتر از همه ادبیات فارسی که زبان مادری اوست را خوب بفهمد و بلداند. همین طوری نمی‌شود. مدرک بدون محتوا یا کم محتوا صادر کرد. باید پرکردیم و آسیب نسبی کنیم. اگر در روند کار آموزشی ما اشتباهی هست حتماً تجدید نظر کنیم.

**وزیر آموزش و پرورش باید فیلسوف باشد**
نیتانگذار آموزش و پرورش عشایر کشور در بخشی دیگر از گفت‌وگوی خود با اشاره به سوابق حیاتی‌تعلیم و تربیت در کشور با توجه به سوابق طولانی در امر آموزش و پرورش اعتقاد دارد که باید دانشمندان و نخبگان راه امر مدیریت آموزش و پرورش و دانشت. از نظر وی وزیر آموزش و پرورش باید از خود بیفهمد و فیلسوفان برجسته کشور باشد تا عشق و ذریای آموزش و پرورش را بهتر بلدان و توان علمی برای کار کردن را داشته باشد. وی همچنین می‌گوید، مملکت نزاریست آدم‌های



بزرگی دارد. می‌شود کارهای خیلی بزرگی انجام داد.

## تغییرخط فارسی

استاد بهمن‌بیگی در ادامه صحبت‌های خود تغییر خط فارسی را در جامعه آن روز به پادمی آورد و به تلاش مؤثر خویش در مسکوت گذاشتن این برنامه اشاره دارد. وی می‌گوید: «قرنی‌های مملکت می‌گفتند که خط فارسی نمی‌گذارد که ما باسواد شویم. به استنادار وقت فارس گفتم عقب‌ماندگی ایران به خط فارسی نیست. شما مسوولان حکومت را دعوت کنید تا به این دانشرای عشایری بنایند. چرا می‌خواهند خط فارسی را از بین ببرند. یکی از همین قرنی‌ها می‌گفت خوب ما همه را داریم چرا باید این خط را از بین ببرند. ششده بودند که آناتورک به لاین رو آورده است می‌خواستند که خط فارسی را عوض کنند. شوروی را لادهدت میلادسیخ را از بین برد. اما آنها می‌خواستند فارسی نباشد. در فرودین همان سال که این بحث‌ها داغ بود، بچه‌ها را جمع کردم و اولیای حکومت آمدند و دیدند هر چه می‌گویند اینها که از اقوام ترک، لر و عرب بودند به راحتی می‌بوسند. فارسی را خوب بلد هستند. شاه سابق هم لغات بسیار سختی به بچه‌ها گفت. بچه‌ها به

زیبایی نوشتند و آنها در همان جلسه از طرح تغییر خط فارسی صرف نظر کردند.

## کتاب‌های خاص معلمان

استاد محمد بهمن‌بیگی ازموذگی و کاروانی معلمان و راه رسیدن به این کارایی را در مطالعه مستمر معلمان می‌داند. وی در خصوص مطالعه مداوم معلمان و اشراف آنها بر تدریس، نکاتی را برای تقویت توان علمی یادآوری می‌شود. به معلمان عشایری توصیه می‌کرد که حتماً آثار نویسندگان و شاعران کلاسیک ایران و جهان را مطالعه کنند. حتی آثار نویسندگان غربی را مد نظر قرار می‌داد. وی می‌گوید: «دیوان حافظ، بوستان و گلستان سعدی، پروین اعتصامی، دیوان رودکی، بنیویان ویکتور هوگو و… را با یا فشاری به معلمان می‌خوانستم مطالعه کنند تا ارتباط آنها با مطالعه قطع نشود.» وی کتابهای آموزشی را پر از مطالب سوزمند و غنی می‌داند. مطالعی که دانش آموزان را به راه و رسم زندگی درست دعوت می‌کرد. آنها را با تاریخ و ادبیات جامعه‌شان آشنا می‌ساخت و درس‌های اخلاقی مهمی را به‌دست می‌داد.

استاد محمد بهمن‌بیگی نیز مورد بی‌مهری و غرض بعضی‌ها نیز واقع می‌شد. اما نگاه افکار عمومی وی را چوپران استوری‌ها در تاریخ عشایر به نمایش می‌گذارد. چه بسیار از جوانان بین بیست تا سی ساله حالا که فقط خاطرات بهمن‌بیگی را شنیده‌اند و حتی نمی‌دانند اکنون وی در قید حیات است. علاوه ار اوقات شادبندی به وی دارند و راضی هستند که زمینه دیدار با وی برایشان فراهم شود. هر فردی از هر خط و خطوط سیاسی و با هر سببه دینی وی را می‌ستایند و مقام و منزلت وی را ارج می‌نهند.

## نویسنده‌گی

بهمن بیگی که خود استعداد سرشاری در نوشتن دارد در سال اول دانشکده حقوق مقدمه کتاب «الشک معنوق» اثر مشهور مهدی حمیدی را در صفحه اول کارنامه خویش دریا بنا به رسالت عظیمی که در سوادآموزی جامعه عشایر ایران به دوش گرفت. فرصت نوشتن از وی در این سه دهه سلب شد و در دهه اول انقلاب اسلامی پس از عویت به آمریکا‌های وطن آنگگ امان از جدایی را در دل وی آغازید.و به ایران بازگشت و دست به قلم پرود به ثبت بخشی از خاطرات پر افت و خیز دوران مسؤلیت خویش روی آورد. نگاه ژرف، بیان رسا و نکات بسیار آموزنده وی، کتاب‌های همچون بخاری من ایل من» «با نوبت چاپ ششم، «اگر قره قاج نیوده و به اجابت گسم» با دو سه نوبت چاپ ششم‌های شور و گرمی را در دل‌های مردم، بزرگان تاریخ و ادبیات و شاکردانش آفرید. زنده‌باد دکتر عبدالجسین زرین کوب نویسنده و محقق بزرگ ایرانی خطاب به بهمن‌بیگی می‌نویسد: «… خود شاد که بر کشتی و این کارها را نوشتی.» بزرگ علوی نویسنده، معاصر ایران راجع به بهمن‌بیگی می‌نویسد: «نوشته‌های شما ادبیات ایران را زغنی کرده است.» «دکتر عباس میلانی نیز درباره آثار بهمن‌بیگی در کتاب خود می‌نویسد: «… اثر محمد بهمن‌بیگی اثر کامیابی است. هم آموزنده از گذشته، گفت‌وگو درباره مهر و پیوندها، آداب‌ها و آیین‌ها و مشکلات و مسائل چادر نشین هاست.» «دکتر ایرج افشار در کتابی که راجع به مرحوم پدرش زنده‌باد دکتر محمود افشار می‌نگارد از نوشته‌های محمد بهمن‌بیگی مدعی می‌جود و از وی تمجید می‌کند.

## اگر نبود و لغت قره قاج

آری گل‌ها و سبزه‌ها می‌بزمزند و سنگ‌ها می‌سایند و خاک‌ها غبار می‌شوند. براهی کوهی به غارهای فراموشی می‌عزند. شاخک‌های پیر و خشکیده به دام طوفان و یاد به اسارت شکستگی می‌افتند. در لای درز شامه پیری که هنوز زانی نفس کشیدن دارد جوانه‌ای رویدان آغاز می‌کند. تیر

فنگ تلم می‌شود و کتاب تار تک‌نواز موسیقی علم جهانگیرخان شفقانی زمانه ما می‌شود و اگر نبود لغت قره‌قاج چه می‌شد. شاید هنوز تا هنوز غبار فقر و جهل دیدگان ایلیاتی را بسته بود. مردی با کت و شلوار آراسته، گراناسی خوش‌رنگ و پیچ پر لب اما حرف‌هایش، خنده‌هایش، گریه‌هایش، غصه‌هایش همه از جنس مردم ایلیاتی است. از ایل، در ایل و با ایل است. آلت‌های برمر و تیاروان او را چون تارهای عنکبوتی به خود تگرگت و قدرت نیز و شوکت ریاست بر او چیره نشد. گویند خوش‌پام آزادگی، شهامت و علم بر مقدار خویشی برگی از دانشی را در آسمان تیره از جهل ایلیاتی حمل می‌کرد. برگی که صاعقه‌ای خروشان آفرید. ایرهای تیره را در نورید و یاران علم را بر شاه‌نامه خسته کودکان معصوم ایلیاتی پاریدان داد.

کتاب متکا و الفبا جنوای شیشه و گاه سرد عاشقانه خردسالان و نوجوانان عشایر شد. همان بچه‌هایی که به پیش‌ازان می‌رفتند و خطاب به وی این چنین می‌سردند:
اوه چه خوب آمدی صفاکردی
چه خوب شد که یاد ما کردی

بی‌وفایی مگر چه عیبی داشت

که پشیمان شدی وفا کردی

شب مگر خواب ناز‌های دیدی

که سحر یاد آشنا کردی؛



## کلید مشکلات ما در لایه لای الفبا

عشایری به تصویر می‌کشد. وی که در سال ۱۳۵۰ این پیام را در دانشسرای عشایری قرائت کرده است به محوری دست یافته است که اصل آن کتاب و کتابخوانی است. در این پیام فوق‌العاده جذاب و تأمل‌انگیز چنین آمده است:

«… اشک بیش از آب چهره پدران و مادران ما را شسته است و خون بیش از شربت و شراب به کام نیکان، کسان و خوششان و عزیزان ما فرود ریخته است. گرسنگی یار دیرین و وفادار ما بوده است و برهنگی در کنار گرسنگی بگ دم نسل‌های ما را ترک نگفته است… چندی پیش از یک مدرسه عشایری دیدن می‌کردم. کودکی دستگاه گوارش را بر نخته سیاه کشید و از دهان و مری و معده سخن گفت که غذا چگونه از این مجاری می‌گذرد و تغیر و تبدیل می‌یابد. گفتم غذا چیست؟ گفت نان، گفتم فقط نان؟ گفت فقط نان… شکی ندارم که شما همه با هم شریک و موافقید که باید به باستاند و قیام کرد. تاریخ نشان داده است که گرسنگی ما در بسیاری از قیام‌های روی زمین بوده است. تاریخ ما نیز در جنوب ایران نشان می‌دهد که این محرک بزرگ بارها میل به قیام را در میان اقوام و قبایل ما آفریده و به وجود آورده است. لیکن ما به سبب بی‌سوادی هیچ‌گاه از قیام‌های خود سوزی نبرده‌ایم و سودها

را در دستی تقدیم کسانی کرده‌ایم که در غارت ما سهیم بوده‌اند.
کلیه مشکلات ما در لایه لای الفبا خفته است و من اینک شمارا به یک پیام جدید دعوت می‌کنم. پس از سال‌ها سیر و سیاحت، عبور و حملندوزی و دردمندی به این نتیجه فطری رسیدم‌ام و شما را به یک قیام مقدس دعوت می‌کنم. قیام برای اسواد کردن مردم ایلات، من به نام این مردم، با این چشم‌های بی‌فروغ، پوست‌های برپرسرک، لباس‌های زنده، شکم‌های گرسنه، با این لب‌های بی‌خنده و دل‌های پرغوغا… نام این مردم لب‌شما می‌خواهم که پایخیزید و روز و شب و گاه و بی‌گاه درس بدهید و درس بخوانید. درس بدهید و درس بخوانید.»

نیتانگذار آموزش و پرورش عشایر ایران می‌توانست وزیر و وکیل شود. در دانشگاه‌های معینر دنیا مدرک دکترای بگیرد. اما عشق به مردم پایرخته با روحیه سلحشوری او را از پایتخت به دامنه‌های زاگرس کشانید تا تفریک روزهای مسیبت بازل ای شود و پیغفرانل سرودن حدیث کتاب و مدرسه شود. وقتی به او فشار آوردند که مرکز آموزش و پرورش عشایر کشور باید در تهران باشد زیر بار نرفت. با حجاجت تمام بر مرکز شیراز پای فشرده تا نظر حاکمیت وقت را جلب کند و چنین هم شد. از چشمان این بره‌شاه و چهار ساله هنوز هم قلم می‌بارد. هنوز ترم یاران سواد و سوادآموزی در نگاه او جاری است.

او قبل از آنکه به بچه‌ها سواد بیاموزد شجاعت را می‌آموخت. می‌گوید: برآستر چادرها و دیوچه‌های سنگین مدارس عشایری گفته بودم این عبارت را بنویسند که اطالی‌ت شهامت را با سبم سواد بیادله تکبیم.»

وی می‌گوید: «دستگاهی دایر کردم که در سراسر عشایر ایران بچه‌های بی‌ضیاعت را گرد آورد و دست آنها کتاب و قلم دادم» چه بسیار از بچه‌های معصوم با چهره‌های گرد و غبار گرفته، لباس‌های کهنه و حتی محروم از نعمت پدر و مادر زیر چتر آموزش و تعلیم قرار گرفتند. بهمن‌بیگی نیز می‌گوید: «در بیست‌سال عشایری یک بچه پرانلارا کتاب ندادم. فقر را جا حادوم. بچه‌ها هفت سال مهمان دولت بودند و بعد دانشگاه می‌رفتند. نتیجه آن، صدها پزشک، مهندس، استاد دانشگاه و معلم فعلی که خیلی از آنها را شما می‌شناسید از همان مدارس عشایری بوده است. همین دکتر ملک حسینی معروف که شهرت جهانی دارد و فوق تخصص قلب است شاگرد همین مدرسه عشایری بوده است.»

بهمن‌بیگی دیگر کتابی نمی‌نویسد اما فکر و فکر کتاب هرگز از او جدا نمی‌شود. کافی است چند دقیقه با او هم‌نشین شوی، آنقدر مجذوب گفتارش می‌شوی که زمان کم می‌آورد. او همچنان با روحیه‌ای شاد و استوار زندگی می‌کند و بچه‌های قدیمی دیروز و مدیران و استادان امروز به دیدارش می‌روند. تنش به ناز طیبیان نیاز مباد.

## روحانیه

منزل بهمن‌بیگی در منطقه خوش آب و هوای قصرالدشت شیراز دیدنی است. در دیوار آن منزل بوی عشایر می‌داد. عسکن‌های قاب گرفته و میل‌های تزئین‌شده از هنر عشایر واقعاً جذاب بود.

در حین گفت‌وگو بارها عبارت خیلی زرنگی را تکرار می‌کرد و گاهی نیز جواب سؤالات تند می‌شد. سپس با خنده می‌گفت همسر اینجانب است که از شما دفاع کند.

حین گفت‌وگو تلفن مرتب زنگ می‌خورد و مراجعان وی زیاد بود. یکی از شاگردان وی و از معلمان بازنشسته عشایری سررسید و به بحث و گفت‌وگو روئق داد.

دکتر مهاجرانی وزیر سابق وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از علاقه‌مندان بهمن‌بیگی است.

بهمن‌بیگی می‌گوید: دکتر مهاجرانی همیشه به دیدنم می‌آید. گاهی با دستاوت و گاهی با سمسترش.

شماره ۱۸۵، شنبه ۲۰ تیر ۱۳۸۳



ریشه‌ها

ناشرین برافران

www.writing-world.com

شیوه‌های نوشتن: راه‌های خواندن



## بنویسید؛ اما کامل

### نوشتن

**نوشتن روزانه این فرصت را به شما می‌دهد تا تجربه‌ای**

**متفاوت داشته باشید**

پولیتزر نمی‌شود. این کار تنها تجربه‌ای برای نوشتن مطلب کامل است. در حقیقت کامل نوشتن مطلب به یکی دیگر از مزایای فوق‌ترجم می‌شود. آن این است که باعث می‌شود تا یاد کنید که می‌توانید یک مطلب کامل بنویسید و در نتیجه توانسته‌اید بر تهریهات غلبه کنید.

در انتها باید خاطر نشان کرد که روزانه نوشتن در کل باعث کمک به ایجاد نیروی خلاقه و مهارت‌های فردی می‌شود. همچنین باعث غلبه بر ترس ناشی از ضعف نوشتن می‌شود. (که این ترس ناشی از ضعف نوشتن در حقیقت تلف کردن وقت است) و مهم‌ترین مزیت این تمرین خودیوری نوشتن است.

هستید، بنویسید.

**۳) باعث می‌شود تا توانایی نوشتن خود را امتحان کنید.**

اغلب نویسندگان معمولاً تنها یک مدل از نوشتن را انتخاب می‌کنند؛ داستانی، غیرداستانی، مطلب کودکان، مطلب تجاری یا گونه‌های دیگر نوشتن. نوشتن روزانه این فرصت را به شما می‌دهد تا تجربه‌ای متفاوت داشته باشید. اگر زمان شما محدود است، سعی کنید یک شعر یا ترانه بنویسید. اگر معمولاً برای مجله‌ای مقاله می‌نویسید، سعی کنید چیز دیگری مثل داستانی کوتاه بنویسید که معمولاً نسبت به آنچه در گذشته می‌نوشتید به تحقیق کمتری نیاز دارد. اگر زمان می‌نویسید، مهارت‌های خود را در گونه‌های دیگر نوشتن مثل مقاله یا داستانی کوتاه امتحان کنید.

**۴) باعث می‌شود تا مطالب کاملی بنویسید.**

برای روزانه نوشتن، هر روز می‌توانید تنها زمان اندکی را به نوشتن اختصاص دهید. سپس انتظار نداشته باشید با این نوشتن‌های کوتاه، بهترین کار خود را ارائه دهید. از نوشتن‌های روزانه هیچ نوشته‌ای برنده جایزه

هر روز بنویسید. این نصیحتی رایج برای تمامی نویسندگان است. هنوز برخی از نویسندگان ممکن است فکر کنند که آیا هر روز نوشتن، واقعاً آموختنی مؤثر است یا خیر و آیا هر روز فرصتی برای نوشتن وجود دارد؟

عوامل مختلفی مانند برنامه‌های گنج‌کننده روزانه، ممکن است پیدا کردن زمانی برای نوشتن در هر روز را مشکل کنند، اما این تمرین مزایای مهم و مختلفی دارد، از جمله:

**۱) باعث بالا رفتن قدرت خلاقه شما می‌شود.** بعد از اینکه یک یا دو هفته بصورت مستمر و هر روز نوشتید، پی می‌برید که قدرت خلاقه شما در حال شکوفایی شدن است. عقایدتان بصورت ناگهانی بهتر خواهد شد. همه چیز از مقاله یک روزنامه تا یک عکس برای شما الهام بخش خواهد بود. این نیروی خلاق به شما اجازه خواهد داد تا نظریات جدیدی پیدا کنید، هر چند این نظریات کوچک یا مبهم باشند. اگر هر روز با نوشتن به این نیروی خلاقه تمرین دهید، این نیروی قوی‌تر از گذشته می‌شود.

**۲) اطمینان شما را افزایش می‌دهد.**

## کتاب‌های علمی و غیرداستانی هم بخوانید

**خواندن مطالب و نوشته‌های خوب و بد**

در جایی از کتابی خواندم که نوشته بود، شما باید فقط مطالب خوب، کارهای مشهور و تنها از این قبیل مطالب را بخوانید. در دانشگاه استادی داشته که با شوق بسیار می‌گفت: «شما باید مطالبی را که از لحاظ نوشتاری معیبت‌نکردن در کتاب نگاه کنید حقیقتاً می‌تواند کمک شایانی برای نوشتن بهتر به شما کند.» اگر شما به تأثیر مطالبی که از نظر نوشتاری قوی نیستند پی بریزید و متوجه شوید که این مطالب چگونه می‌توانند شما را به نویسنده بهتری تبدیل کنند مطمئناً متعجب نخواهید کرد. زیرا اساساً شما می‌توانید متوجه شوید که اشتباهات قیغه در چه مواردی بوده تا خودتان از انجام آنها اجتناب کنید. در بیان دیگر شما می‌توانید یاد بگیرید که چگونه برخی از مطالب را بنویسید که این موضوع نیز خود به همان اندازه نوشتن با اهمیت است.

**فواید خواندن مطالب غیرداستانی**

خواندن مطالب غیرداستانی برای نویسندگان بسیار مهم است زیرا اینجا جایی است که شما می‌توانید اطلاعات به دست آورید. ممکن است شما هیچ وقت نخواهید که خودتان مطلب غیرداستانی (علمی) بنویسید، شاید شما می‌خواهید که شعر و یا چیز دیگری بنویسید ولی همچنان باید مطالب غیرداستانی بخوانید. آن گفته قدیمی را که شما باید آنچه را که می‌دانید بنویسید به خاطر داشته باشید؛ خوب، به عنوان مثال شما می‌خواهید در مورد چیزی که از آن سرزشته‌ای نداری مطلب بنویسید به جای اینکه اجازه دهید کمبود اطلاعات، شما را از نوشتن بازدارد می‌توانید هر آنچه را که در ارتباط با موضوع کارتان می‌باشد، بیابید و بخوانید.

درباره آنچه که می‌دانید مطلب بنویسید و اگر درباره مطلبی اطلاعاتی ندارید یا می‌خواهید تعدادی علم و غیرداستانی بخوانید و ممکن است اگر شما به مکان درست مراجعه کنید تعداد زیادی کتاب‌های غیرداستانی بیاید که شاید خواندن آنها لذتی برابر با خواندن کتاب‌های داستانی داشته باشد. بنابراین تنها باید خواند، خواند و نیاز هم خواند؛ خواندن می‌تواند چگونگی بهتر نوشتن را به شما بیاموزد، می‌تواند به شما نظرات و موضوعاتی بدهد که خواند درباره آنها بنویسید، می‌تواند چگونگی نگارش و نکات علمی و حرفه‌ای برای استفاده و کار کردن روی آنها برای داستان و یا شعر شما بدهد. هرچه حقایق توکی‌تر و به‌وقت در اثر آن باشد خواندن کان بیشتر به شما و آثار آن اعتماد می‌کند، خواندن می‌تواند شما را با حقایق آشنا کند و حتی می‌تواند چگونگی کار کردن بر روی آن حقایق را در نوشته‌های شما نشان دهد. اما... همیشه اینجا یک اما وجود دارد. اگر شما واقعاً می‌خواهید بنویسید، اگر فکر می‌کنید که می‌خواهید رند گیتان را با نویسنده‌گی بسازید، باید به همان اندازه که می‌خواهید بنویسید، اگر تمام وقت خود را صرف خواندن کنید در چه زمانی می‌خواهید که بنویسید؟ تنها راه کارآمد، پیدا کردن یک تعادل بین خواندن و نوشتن است.

شماره ۱۸۵، خلیفه ۲۰ تیر ۱۳۸۳



## ... در مورد طنز نویسی

ریشه‌ها

www.writing-world.com

دستورالعمل‌هایی به او بدهید که بتوانید او را هدایت کنید. نوشتن طنز به اندازه نوشتن یک نمایشنامه، شعر، رمان یا فیلمنامه چالش‌انگیز، مشکل و در عین حال

آسان و قابل ستایش است. وقتی شما داستان طنز می‌نویسید باید همه چیز را خوب ببینید و بعد میان تمام چیزهایی که دیده‌اید، ارتباط برقرار کنید.

این کار باعث می‌شود تا شما بتوانید در ذهن نقاشی داستان حرفه‌ای تولید کنید. آنچه را که دیده‌اید، به تصویر بکشید.

نوشتن طنز مانند نوشتن هیچ یک از روش‌های دیگر نوشتن نیست، وقتی نویسنده‌ای شروع به نوشتن داستان طنز می‌کند، باید توانایی نگهداری در حکم منحصربه‌فرد و متقابل را در آن واحد در ذهن داشته باشد. این در حکم منحصربه‌فرد بیان اثر، نشان دادن و بیان نکردن و «میان کردن و بیان نشان» و شما حالا دو مخاطب دارید. نقاشی خواننده هر کدام از آنها نظرات متفاوتی را شما دارند. خواننده داستان شما تنها یک داستان خوب می‌خواهد ولی نقاشی به دستورالعمل‌هایی نیاز دارد که او را برای به تصویر کشیدن داستان راضی‌کننده کند.

نقاشی داستان‌ها نشان‌دهنده است که بتواند منظور شما را در داستان حدس بزند. نقاشی داستان شما همکار شماست. سعی کنید هیچ کدام از اطلاعات مربوط به داستان را از او مخفی کنید. داستان‌ها را واضح بنویسید تا نقاشی بتواند آن را به تصویر بکشد.

در سال‌های اخیر، داستانهایی طنز و در پی آن رمانهای معصوم، دوباره افغان عموم و آشنایان کرده‌اند. باید دانست که داستانهایی طنز فقط برای کودکان نیستند بلکه اکثر این داستانه‌ها فقط برای گروه‌های سنی بالاتر نیز مناسبند.

در ابتدا باید در مورد دو تصور غلط درباره طنز که خیلی رایج هستند، توضیح دهیم. اول اینکه نوشتن طنز آسان نیست. گذشته از آن با یک نگاه به صفحات کتابهای طنز در می‌یابیم که علت پرچسبه شدن کتابهای طنز، نقاشی‌هایی آن است.

نقار نیست که مثلاً بنویسید «جان در وسط میدان دوید» چون نقاش کتاب شما این کار «جان» را به روشنی به تصویر کشیده است. هم چنین تصور غلطی که سببه آن است که تمام نویسندگان داستانهایی طنز تنها کلماتی بیهوده می‌نویسند که به درود چون کلمات بی‌تفاوت است. هر دو فرض فوق کاملاً غلط است. به اضافه این فرض فوقاً آشوبه این است که بگوییم اگر یک اثر نویس و چیزی غیر از دیالوگ در کتابش نوشته باشد، یک داستان کامل نوشته است.

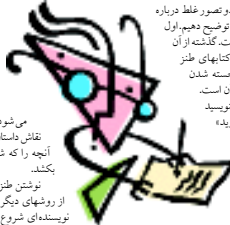
حقیقت این است که شما به عنوان یک طنز نویس، مسؤل و نام چیزهایی که می‌نویسید، هستید. هم‌طور که یک اثر نویس مسؤل نوشته‌هایش است. توجه داشته باشید که نقاشی داستان‌های شما همکار شماست نه چالش‌شما؛ به نوشتن کتاب طنز به عنوان یک کار مشترک با یک نویسنده دیگر فکر کنید که باید



ریشه‌ها

هائیه کریمی

www.About.com





نشرروژه آنقدر کتاب لَیْذ چاپ کرده‌است که نمی‌توان دوستش نداشت؛ پادان هست؟ کاپوس مینستیانی یا مثلاًسه جلد یاریاب حلقه‌ها. گویم آدم کاهی مجبور جلد برای خواندن عنان کتاب هایش کله معلق برنده چه اشکالی دارد؟ برای خودش توعی است. نایکی دیوِه آینه روزنه ۱۰ کتاب روانه بازار خواهد کرد.

**۱۰نام کتاب، فراوانی مطلق نویسنده، ساراایران پرنانک، ترجمه، فاطمه مصدقی، تعداد صفحات، ۷۵۰صیت، ۳۹۵۰ تومان تخلصی از مقدمه کتاب به قلم نویسنده‌اش می‌خوانیم:**

**پیش‌گفتار**

مردم، بیشتر وقت‌ها می‌گویند چیزهای بیشتری زندگی‌کنند، آنان سعی می‌کنند چیزهای بیشتری داشته باشند، یا پول بیشتری، یا تویالتند آنچه را برای بیشتر شاد بودن می‌خواهند به انجام رسانند. روش مؤثر، در واقع بر عکس است. ابتداء شادباید همان کسی باشد که حقیقاً هشتید و کاری را کنید که بایاد بکنید، آنچه می‌خواهید، داشته باشید. مارگارت پانگ

چند سال پیش، پی از آن که دو کتاب در تخیلی از زندگی خوادگی قرن نوزدهم نوشته بودم، می‌خواستم کتاب دیگری در زمینه جزئیات جزئیات ویکتوریایی شروع کنم، اما فکر یک سال تعمق بر روی چیزها و الاان‌ها قلبم را به درد آورد. آنچه من می‌خواستم، نوشتن کتابی بود که به من نشان دهد چگونه می‌توانم میان ژرف‌ترین آرزوهای معنوی، اصیل و اخلاق و مسؤلیت‌ترین که ظالیار دعداد و تقابل با یکدیگر قرار دارند آشتی دهد. چیزهای زیادی می‌خواستم: پول، موفقیت، شهرت، یابی اخلاق، و واقعی - اما هیچ نشانه‌ای در دست نداشتم که واقعاً به چه نیاز دارم. من زنی حسود و غصباتی بودم که همواره خود را با دیگران مقایسه می‌کردم و به خاطر آنچه به نظر می‌رسید در زندگی کم دارم نینجید خاطر و خوشبین می‌شدم، گرچه نمی‌توانستم به شما بگویم آن چیز چه بود.

پول موضوعی مهم و به لحاظ احساسی قدرتمند بود که شادی را اختیار داشت، زیرا من می‌آن به این اجازه را می‌دادم، پولم تپه‌راهی بود که من می‌توانستم میزان موفقیت و عزت تقسم را

با آن بنسجم، اگر با تکیه بر دستاورد هام امکان نوشتن چکی را نداشتم، آن دستاوردها در نزد وجود نداشند. برآشفته و ناتوان از درک این که چرا بعضی از زنان به نظر می‌رسد زندگی‌های رضایت‌بخش‌تری را در پیش گرفته‌اند من میان این احساس که ذره ذره در حال تپاه کردن زندگی‌ام هستم و این احساس که دارم زندگی‌را به دربی جاده‌طیلی‌های خود قربانی می‌کنم، در آمد و نشدیوم.

من زنی بودم با نیازی عاجزانه به فراوانی مطلق. اما پیش از آن که این کتاب یوادنودشته شود، من باید از آنچه در زندگی‌ام مؤثر بود و آنچه مؤثر

## خواندن کتاب زندگی‌ها را دگرگون می‌کند. همچنین نوشتن آن

نمود صورتی تهیه می‌کردم. شاید برای اولین بار مجبور شدم به نحوی بی‌رحمانه، هم از نظر درونی و هم از نظر بیرونی، صادق باشم. در طول این درون‌گرایی بنیادی و ژرف، شش اصل عملی، اخلاق و روحانی - سیاسی‌اگره، سادگی، نظم، هماهنگی، زیبایی و شادمانی، واسطه‌هایی شدند که به من کمک کردند تا زندگی خود را بشناسم. فراوانی مطلق به من این توانایی را داد که با تجلی‌های روزانه مواجه شوم، تقدس را در پدیده‌های معمولی پیدا کنم، سو فی‌گرگی را در چیزهای دنیوی و عادی بیایم و در این مقدس لحظه‌ها، خاطر، تمام و کمال شرکت کنم. من به این کشف نامنتظر، اما هیجان‌انگیز، دست یافتم که در زندگی همه چیز این ارزش را دارد که منبع تفکر، انکشاف و پیوند مجدد باشد. چیزهای نظری، موی بدنسوات‌ت خلقی، آوردن و بریدن بچه‌ها یا خوردن، ضرب‌الاجل‌های تحمل‌ناپذیر، حساب‌های بانکی خالی، زمین‌های کثیف، خرید مایحتاج

### کتاب

**جلیل بی‌بدیل**

**جلیل بی‌بدیل**، تألیف حسین سرو قامت، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها، دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۸۳، ۱۸۰ صفحه، ۳۰۰۰ نسخه، ۹۰۰۰ ریال
**جلیل بی‌بدیل** یازدهمین دفتر از مجموعه سیر و سلوک باکان نشر معارف است که ابعداد گوناگونی از آموزه‌ها و پیام‌های معنوی قرآن کریم و اهل بیت عصمت و طهارت را مطرح می‌کند. این کتاب در چهار فصل می‌گوشد با تکیه بر منابع قرآنی به معرفی و عرفه ایعاد معنوی، اخلاقی و عرفانی اسلام بر خیزد و به نیاز نسل جوان به عرفان پاسخ گوید.
**جلیل بی‌بدیل** از سوی دیگر تلاش می‌کند به طور صحیح و مؤثر با عرفان و نماها و عارف‌نماهایی که خلوص دینی جوانان این مرز و بوم را اهداف قرار داده‌اند به مقابله برخیزد.

#### فراگیری آسان فارسی

جلد اول «فارسی را یاد بگیریم تا ایران را خوب بشناسیم» عنوان کتابی از هما رافع آموزگار زبان فارسی مقیم دبی است که به منظور آسان‌تر کردن فراگیری زبان فارسی برای دانش‌آموزان ایرانی خارج از کشور آن را تألیف کرده است. در این جلد گوشش شده است تا دانش‌آموزان ایرانی که زبان دوم آنها فارسی است با طرز تلفظ صحیح آلفبای فارسی، آواگذاری پایه‌های گفتاری و نوشتاری حروف و کلمه‌های فارسی به‌طور دقیق (حتی بدون کمک آموزگار) آشنا شوند.

در این کتاب فونتیک و ترجمه انگلیسی حروف، کلمات و عبارات در کنار متن فارسی آمده است. این کتاب در ۱۰۰ صفحه ۲۰۰۰ نسخه، به بهای ۱۵۰۰۰ ریال منتشر شده است و مؤلف خود انتشار آن را برعهده گرفته است.



### مروار وقت مارکز

## مارکز فارسی

تعداد عناوین کتابهایی که از مارکز در ایران منتشر شده است از خود آثار او افزون‌است. علت را هم

معمولاً باید در ناشی‌گری حمل‌کرد و غیر حرفه‌ای ناشران (با نسخه‌های مورد استفاده، جست، مثلاً مجموعه‌نامه‌های او هر بار به نامی که به‌شماره از یکی از فئه‌ها برگرفته شده است، روانه بازار می‌شود.

لازم‌است یک بار آثار او را مرور کنیم.
طوفان برگ (۱۹۵۵)، کسی به سرنگ نام‌نمی‌نویسد (۱۹۶۱) تدفین مادریورگ (۱۹۶۲) ساعت نحس (۱۹۶۲) ممدال‌تهایی (۱۹۶۷) پاییز بدسارلا (۱۹۷۵) داستان‌هایگنیز و باور نگرشی آرنیترای ساده دل و مادریورگ سنگدلش (۱۹۷۸) گزارش یک مرگ از پیش اعلام شده (۱۹۸۱) عشق در سه‌سالی ویا (۱۹۵۵) ماجرای اقامت پنهانی مگیل لیتین در شبلی (۱۹۸۶) ژنرال در هزار توبش (۱۹۸۹) سرگذشت یک عریق (۱۹۸۹) وازران غریب (۱۹۹۲) عشق و دیگر سقاظین (۱۹۹۴) گزارش یک آدم‌برایی (۱۹۹۶) زنده‌ه که روایت کتم (۲۰۰۲)

معرفی مارکز به فارسی زبانان احتمالاً به انتشار سه اثر بزرگ او با ترجمه‌های درخشان در فاصله سه‌سالی ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۸ توسط انتشارات امیرکبیر برمی‌گردد. حد صد سالتهایی، ترجمه بهمن فرانز،

چاپ اول ۳۵۲ صفحه.
دستان‌هایگنیز و باور نگرشی آرنیترای ساده دل و مادریورگ سنگدلش، ترجمه بهمن فرانز، ۱۳۴ صفحه.

پاییز بدسارلا، ترجمه حسین مهنوی، چاپ اول، ۳۴۴ صفحه.
داکتورین خیرمان صاحب‌نامی، چون احمد گلشیری و لیلی گلستان نیز با نام مارکز دست و پنجه نرم کرده‌اند. حال با انتشار «زنده‌ام که روایت کنم» حق تمام کارمیرعاسی او نیز به صدر فهرست بهترین مترجمان آثار مارکز افتد. در حال حاضر نسخه‌های رنگارنگی از مشهورترین آثار مارکز اصداًست‌تهایی، روی پیشخوان کتابفروشی‌هاست. نسخه امیرکبیر البته گیپ‌است و چاپهای آفس‌ت آن با قیمت حدود ۲۵۰۰ تا ۵۰۰۰ تومان خرید و فروش می‌شود.

نسخه‌های بازار معمولاً بر دو نکته اسرار می‌ورزند، اول این که مقایسه آنها با نسخه امیرکبیر میسر است به سهولت می‌توان دریافت که این ادعای شیدانه و بازاریسند، کذب محض است. دوم این که بسیاری از این نسخه‌ها در پیش‌گفتار و مقدمه و توضیحات ابتدای انتهایی کتاب ضمن تلاش برای نمایش خود به عنوان نابندان و ترجمه، بر کردارهای پستین (خصوصاً ترجمه فرانز) را مخدوش جلوه می‌دهند. حال با نقل ترجمه جمله آلفرین (صد سالتهایی» از آ. برقرهان گوناگون، نقضات را به عرض‌اندگان وامی‌گذاریم. امیدواریم خیروشان حساسی حدیث تفصیل را از این جعل بچرانند. ۱. «چندین و چند سال بعد، در لحظاتی که سرنگ آرنیترای بوتنیا در برابر جرمه اعدام ایستاده و در انتظار فرمان آتش بود به یاد گذشته‌های دور افتاد، هنگامی که برای نمایشنامه مراسم گولی‌ها در مورد یافتن جج در یک بعدازظهر زیبا همراه با پدرش به دهکده، ماکوندا رفت.»

**ترجمه کیومرث پارسای**
**انتشارات آزیابان**

۲. «با سپری شدن سالان دراز، زمانی که سرهنگ آرنیترای بوتنیا در برابر فوجی از سربازان جوخه آتش قرار گرفته بود تا حکم اعدام را درباره‌اش اجرا کنند بعدازظهر آن روزی را به یاد آورد که به همراه پدرش به کشف بیخ رفته بود.»

**ترجمه: محمدرضا داور**
**انتشارات شیرین**
۳. «ما گذشت سالان سال‌ها هنگامی که سربازان جوخه آتش برای اجرای حکم در مقابل سرهنگ آرنیترای بوتنیا صلب کشیده بودند، بعدازظهر روزی را به خاطر آورد که پدرش او را برای «جستری بیخ» برده بود.»

**ترجمه دکتر محسن حبیط**
**انتشارات حبیط**

۴. «ما بعدالها، هنگامی که سرهنگ آرنیترای بوتنیا در مقابل سربازانی که قرار بود تیربارانش کنند ایستاده بود، بعدازظهر دوردستی را به یاد آورد که پدرش او را به کشف بیخ برده بود.»

**ترجمه بهمن روزانه**
**انتشارات امیرکبیر**

آشیزخانه، خستگی، بیماری، هیچ چیز برای پوشیدن نداشتن، میهمان ناخوانده، حتی رسیدن آخرین سکه‌ها، فراوانی مطلق، به من یادآوری کرده است که با چند قرص نان و ماهی چه کنم و به من نشان داده است که چگونه کله را به طلا سازم. فراوانی مطلق این آگاهی فراوانده و متعادل را به من داده است که بدانم زندگی اصیل، شخصی‌ترین شکل عبادت است. زندگی روزانه نیایش من شده است.

نوشتن فراوانی مطلق این آگاهی را به من داده است که علت ناشادی، سرخوردگی، آرزوگی، حسادت و خشم من این بود که من در زندگی واقعی‌ای که به خاطرش خلق شده بودم زندگی نمی‌کردم. حالا، سعی می‌کنم چندان نیلش.

خواندن کتاب زندگی‌ها را دگرگون می‌کند. همچنین نوشتن آن خدا کند که فراوانی مطلق، از طریق درس‌های ملایم آرامش و شادمانی، به شما کمک کند تا زندگی واقعی و اصلی را که برای آن به دنیا آمده‌اید، بیابید.

۱۰۲ آقایی به نام ابو القاسم فردوسی نویسنده کتابی هستند به نام شاهنامه هر چند دقیقاً معلوم نیست کتاب ایشان در مسکو چه می‌کند، اما به هر صورت دکتر توفیق سبحانی این اثر را که احتمالاً نیاز به توضیح داشته بر اساس نسخه مسکو تصحیح نموده‌اند. خیلی زور دارد یک نفر برود مسکو کتابی بنویسد که تازه نیاز به تصحیح دارد آنوقت ما کتابش را بر روی کاغذ گلاسه در دو جلد به همراه ۲۴ مینیاتور نفیس و به قیمت ۲۵۰۰ تومان چاپ کنیم!

۳- دکتر مظاهر مصفا به زاگی کتاب ۱۲۰۰ صفحه‌ای را تصحیح کرده‌اند. این اثر همراه ۱۲ مینیاتور نفیسی به چاپ می‌رسد که قیمتش باقیات ۱۰۰۰۰ تومان و بدون قاب ۸۰۰۰ تومان است. اسمش هم چیزهای است شبیه کلمه سعفی، کلیات سعدی یا چیزی از این قبیل...

۴- کتاب ۵۵۰ تومانی آقای حسن زندیاف باب دندان کسانی است که هم دوست دارند درباره تاریخ موسیقی بدانند و نه حوصله گفت و گذار طولانی، «گذری کوتاه بر تاریخ موسیقی» ۵- دیوید لویان کاریکاتور انیمیشن، بکت، جویس و خیلی‌های دیگر را کشیده است. کتاب ۶۲۲ صفحه‌ای مجموعه کاریکاتور لویان، را با قیمت ۳۵۰۰ تومان بخرد.



**آقای میرعباسی!** چرا ادبیات آمریکای لاین در ایران چنین هیاهو ایجاد است؟ این قصه‌ای است که میان اکثر دوستان منتقد شایع شده. حال آنکه ارقام فروش چیز دیگری می‌گویند. در حال حاضر تنها دو سه نویسنده آمریکایی لاین در ایران بازار دارند. حتی یارگانس یوسا تنها نویسندهٔ «جنگ آخ‌الزمان»اش به چاب دوم رسیده یا فونگس جندان با اقبال عام رویه رو نمود. از میان فهرست ۱۰شاهکار آمریکای لاین که توسط منتقدان سرشناس جهان تهیه شده است ما تنها همد سال تنهایی! را می‌شناسیم و جالب اینکه هیچ‌یک از آثار فونگس یا یوسا در این فهرست جای ندارند.

در مقابل مثلاً ازبابل آئنده که هر چند نویسنده خوبی است اما هرگز هم رتبه این بزرگان قرار نمی‌گیرد. نام حوزه ماریا الگداس برمان و رمان مشهورش «روه‌های ژرف» به گوش خوانندگان ایرانی آشنا نیست. در واقع به نظر می‌رسد ادبیات این سرزمین هنوز در کشور ما محجور است.

مارکز خوانی را از کجا آغاز کردید و کدام آثارش را می‌پسندید؟

اولین اثری که از او خواندم صد سال تنهایی بود. البته آن زمان هنوز اسپانیایی نمی‌دانستم و ترجمه فرانسوی آن را مطالعه کردم. بعین تقریباً بقیه آثارش را از زبان اسپانیایی خواندم‌ام و بعد از صد سال تنهایی، از «عشق سه‌لایهٔ ویاه و از عشق و دیگر شباطین»اش بسیار لذت بردم.

چباب است که پاییز پدرو سالار از زمرهٔ آثار محبوبان من است؟

پاییز پدرو سالار نوعی قدرت نمایی کنتیکی مارکز در استفاده از زبان است که البته کار بدی نیست چراآنکه خوانشش راگهی سخت و پیچیده می‌سازد. قدرت نمایی از همان جnstی که هیچ‌کاک در «هفتاب» با ساخت یک فیلم سگانش ایلان بکار می‌گیرد و سوسمه هر استادی است.

مثلا در پاییز پدروسالار یک تک جمله ۱۱۵ صفحه‌ای وجود دارد. از آن قطعاتی که به خاطر اسباب‌بازی زبان فارسی که در آن برخلاف زبان اسپانیایی جای افعال، در آخر جمله است تقریباً ترجمه‌ناپذیر می‌نماید.

از آنجایی که تمایلم این است که پیش از هر چیز از خواندن رمان لذت ببرم، پاییز پدروسالار با دقتهم سازگار نیست.

از ظایف روزگار است که گاهی روشنفکران با تمایلی خودا از آنه همه آن چیزهایی را که لذت بخشند، طرد می‌کنند و متدل می‌دانند.

از «زنده‌ام که روایت کنم» بگوئید.

رومانی که کتاب را به دست گرفتم و ترجمه‌اش را آغاز کردم به نظر اثر خوبی رسیده، پس از چند پار مورد و در پایان کار مطمئن شدم که رمانی عالی است.

زنده‌ام که روایت کنم» را باید مزه مزه کرد. درست مثل قفلن که خود مارکز از دون کیشوت دارد.اینکه چطور در اولین خوانش جندان چنگی

به دلش زنده است و به توصیه یکی از دوستانش کتاب را از قفسه کتابخانه برمی‌دارد. در آشپزخانه می‌گذارد و هر از گاهی نورقش می‌کند تا آرام آرام شیفته جهان لذتیر آن می‌گردد.

به نظر می‌رسد مارکز در پایان مسیر ادبی خود در این زمان ابتدا چارچوب کلی ترسیم کرده و در حصار این نظم مشخص ذهن خود را برای یادآوری ماجراها، تداعی و خیال‌پردازی‌ها آزاد گذاشته است. او در روایتش از سه لحن بهره می‌گیرد: اول لحن گزارش‌گرانه، او با سبالی رئالیستی بعضی وقایع را تنها گزارش می‌دهد. دوم لحن شاعرانه که مبین تصورات، ذهنیات و حالات روحی اوست و سرانجام لحن بی‌تکلف ساده که برای نقل خاطره از آن مدد می‌جوید که این سه لحن را تک‌تک و به‌صورت مجزا در آثار دیگری بکار گرفته است.



### «زنده‌ام که روایت کنم» را باید مزه مزه کرد. درست مثل قفلن که خود مارکز از دون کیشوت دارد

مثلا روایت گزارشگون یادآور کتاب سرگذشت یک غریب است و صد سال تنهایی را با لحن شاعرانه‌اش به یاد می‌آوریم. اما در کنار هم قرار گرفتن آنها در یک اثر برای او نازکی دارد و مهارت او در اینجاست که به نرمی در لحن عوض می‌شود و بی هیچ جلب توجهی برای خواننده، آهنگ گفتار در هم می‌زالد و می‌شود. از دیگر دستاوردهای بزرگ مارکز در این رمان کشف و بازاریابی مکنایزم نوستالژی است. گویی او به نحوه است و کار بازیخته شدن نوستالژی کاملاً آگاه است و حال با دستمایه قرار دادن یادها و خاطرات قصد دارد احساس نوستالژیک خوانندگان را نیز برانگیزد. خوانندگانی که اکثرشان هر چند وقایعی را که مارکز از سرگذرانده تجربه نکرده‌اند اما به علت ویژگی‌های انسانی و هر یک با جایگزین کردن خاطرات معادل خود در تجربه بشری غم غریت شریک می‌شوند.

ظاهرا کتاب مارکز جلد اول از تریلوی زندگی‌نامه اوست، در حالی که شما از آن به عنوان رمان نام می‌برید…

بله… یکی از بحث‌های هنگام انتشار کتاب

افزودن عکس بود که من شدیداً با آن مخالف بودم و توانستم بیه اثری منجابت کنم. چه این کار با روح رمان‌گون اثر همخوانی ندارد. معمولاً زندگی‌نامه، کل زندگی شخص را در بر می‌گیرد ولی این کتاب فقط مقطعی از زندگی مارکز است؛ از ۴۳ تا ۴۷ سالگی به همراه گذرگاهی به گذشته و اشاره‌هایی به پیامدهای آن در آینده. به عازبت عنوان کتاب «چگونه فولاد آبدیده شده»، می‌توان چنین نامی را بر این اثر گذارد؛ «چگونه نویسنده زاده شد». یعنی منوجه می‌شویم شخصیت مارکز نویسنده چطور موجودیت پیدا کرد. شکل گرفتن این موجودیت در همین فاصله چهارساله است ولی پیشینه آن به قبل برمی‌گردد، نه فقط کودکی خودش بلکه به پدر و مادرش و حتی به پدرزیرکش و محیطی که در آن پرورش یافته است.

می‌توان گفت شخصیت رمان جوانی است به نام گابریل که با دغدغه‌ها و سرگردانی‌هایی ابتدایی کتاب سرنوشته را روشن می‌کند و این همان محور هدایت‌کننده‌ای است که در رمان کلاسیک با داستان‌سنی از آن یاد می‌کنند.

در تعریف متداول زندگی‌نامه، توالی زمانی نقش دارد چیزی که ابتدا در این کتاب رعایت نشده است. راولی زندگی‌نامه معمولاً به شخص‌ترین رویدادهای زندگی‌اش اشاره می‌کند. حال آنکه در اثر مارکز وی میان وقایع بیرونی که بر او تأثیر می‌گذارد و مثلاً خاطره‌اش از پرده‌ای که در حیاط خانه می‌خواند تمایز جدی قائل نیست.

اموری که در خاطرش مانده است، بی‌آنکه تأثیر خاصی بر زندگی‌اش گذاشته باشند.

دلیل دیگر تمایز میان این اثر و زندگی‌نامه، نحوه روایت رویدادهاست.

مثلاً نحوه روایت مقطعی از داستان که او تازه

به باران‌کار رسیده است، دوستانش هنوز نیمه‌دند و او به دست پلیس می‌افتد، ذکر جزئیات و توصیفات، آن را به یک قصه کوتاه شبیه می‌سازد. کاملاً روشن است که بخواه و رنگ لباس اشخاصی پس از ۵۰سال نمی‌تواند در خاطرش مانده باشند. اینها همه عناصر داستانی و آبدیده تخیل‌اند که در روایتش دخیل می‌شوند. در حالی که زندگی‌نامه‌ها معمولاً به اینکه جزئیات وارد نمی‌شوند، حال بگذریم از اینکه باز این مقطع داستان او (روزشی به باران‌کار) هیچ نقش ویژه و متمایزی در سیر زندگی مارکز نداشته است، حتی در مورد روایت وقایع سیاسی و اجتماعی دروش مثلاً روزگاپیان، او با ذکر جزئیات فراوان و قصه‌های جذاب و جالبی از شگردی داستانی استفاده می‌کند که بسیار از نحوه روایت ژورنالیستی یا تاریخ‌نگارانهٔ این واقعه، متفاوت است.

در رابطه با همین رویداد، از جلسه‌ای که میان

رئیس جمهور و سران آیرال برگزار می‌شود نیز داستانی تعریف می‌کند. جابجایی روحی آنها، رفت و آمد حضاران و فیره، حال آنکه روشن است خود مارکز در این صحنه حضور نداشته است.



کاوه میرعباسی معمولاً از تکرار یک کلمه در جمله پرهیز می‌کند و معمولاً پارهای بعد مترادف آن را به کار می‌برد. تعریف می‌کند چندی پیش هنگام ترجمه متنی از دی‌اچ لارنس به عبارتی پرخونده است که لارنس آن را ۶ بار متوالی تکرار می‌کند، «خوشش آمده» ایشان پس از مقداری کلنجار و سعی در بکار بردن معادل‌های دیگر ناگهان منوجه می‌شود در حال تغییر لحن نوشته و نادیده گرفتن تمهید نویسنده است. به سرعت تمام عبارات را دوباره تبدیل می‌کند به «خوشش‌امده» تا از همان زیبایی‌شناسی پیروی کند که قطعاً لارنس خوشش می‌آمد! کاوه میرعباسی خلف بزرگانی چون نجف دریابندری است که پیش از هر چیز خود را به انتقال روح اثر متعهد می‌دانند.

ترجمه‌های ایشان نشان‌دهنده دایره عظیم واژگان مترجم است و حدسم درست بود چون ایشان متن فارسی بسیار می‌خواند و حتی رمان‌های عامه‌پسندی که از چاب دهم می‌گذرد، جایگاه، امروزتان حاصل موصوفه و سوساس و تلاش است و نام کاوه میرعباسی بر حمله ترجمه‌های جاودانی خواهد ماند.

برگردان زیبا و شیرین واپسین اثر گابریل گارسیا مارکز: زنده‌ام که روایت کنیم بهانه مفتضی شد که با ایشان به گفت‌وگو بنشینم.

#### گفت‌وگو با کاوه میرعباسی: مترجم

## وقت مارکز؛ زنده‌ام که روایت کنم

تفاوت این دو مانند تفاوت زندگی‌نامه‌های بی‌شمار ناپلئون است با اثری مثل مصحفی ناپلئونه که کاملاً ساختاری رمان‌گونه دارد پس شیوه روایت نیز مطابق بر سبست‌های داستاگوینی است.

یکی از نکات مهم که باید به آن اشاره کرد لحن صادقانه راولی است. او در عین اینکه با مخاطبان درود دل می‌کند، به آنها سرخ و واقعی را می‌دهد که بعداً دستمایه قصه‌هایش شده‌اند. انگار مارکز به صد می‌خواهد بر یگانگی و در هم تنیدگی زندگی‌ها یا تأثیر اشاره کند. او قصه‌هایی هم دارد (مثل قصه ناتانیل که نامش برگرفته از شخصیت ماندله‌های زمستانی است) که به گفته خودش فقط برای خیالی نشان دادن صحنه روزنامه نوشته است و بعدها تمایلی به تجدید چاپشان ایراز نمی‌کند. او آن داستان‌ها را از خودش نمی‌داند چون از وسعت و گستردگی که سایر آثارش با زندگی‌اش دارند بهره نبرده است.

راستی ماجرای کمپانی موز چیست؟ واقعه‌ای که روی او آن در بسیاری از آثار مارکز به چشم می‌خورد و او معمولاً با این پیش‌فرض که خوانندگان خودشان همه چیز را می‌دانند توضیح نمی‌دهد و مثل یک راز از کنارش می‌گذرد.

من هم اطلاع دقیقی ندارم، تا آنجا که از داستان مشخص است روزگاری کمپانی به نام یونایتد فروت شعبه‌ای به منظور کشت و صادرات موز در زادگاه او دایر می‌کند که باعث رونق و گسترده‌گی آنجا می‌شود. وقتی سوده‌می این تجارت برای کمپانی به پایان می‌رسد شعبه تعطیل می‌شود و در اعتراض به این سأسله کارگران تظاهرات راه می‌اندازند. دولت هم در حرکتی سرکوب‌گرانه، معترض‌شان را به ربگبار گدوله می‌بندد.

این پدیده البته در بسیاری از کشورهای آمریکای لاین سابقه دارد. در حال حاضر در بولیوی و ویرانه‌ای هست به نام اویوسیم، هنگامی که دخاير نقره آنجا خفی بود، یکی از قلمداد می‌شد. اما نقره به پایان رسید و بساط شرکت‌ها چرپیده شد. حال از آنجا ویرانه ترموکی به جا مانده است. روزی **بازگردد، مثل انتظار پیورده** **بازگشت کودکی و حسرت دوران از دست رفته**.

اوج این حسرت خواری و غم تلخ و شیرین جایی است که مارکز بعد از سال‌ها مارتینا فونسکا معشوقه دوران جوانیش را می‌بیند. گابریل، نوجوان پرتلهای بیروز حواله سولاسده مشهوری است. فرستگامی گوئید، بعد از این همه مدت به نوشته‌هایت را می‌خواندم بی‌تفاوت بودم بیستم چطور می‌شدی.

جرات به خرج دادم و پرسیدم: خبب، چطور می‌هست؟

از ته دل خندیدند، نه نشند! این یکی راهج وقت نمی‌فهمی…

آن وسط‌ها چیزی کم شده است.

گابریل گارسیامارکز، نویسنده کلمبیایی، خداوندگار جهانی جادویی است که ساکنینش در شور و شهود می‌زیهد و وطنشان در انزوای مطلق از همه جهان بریده است. جایی که در آن شگفتی امری روزمره محسوب می‌شود. ساهل‌هاست که مارکز با سرطانی کهنه در جنگ است. این نزاره ادامه خلق جهان خیالی اش را بر روی دشوار ساخته است. آنگدر که نسخه انگیسی آخرین رمانش از عشق و دیگر خاستن، به ۱۹۹۵ برمی‌گردد. در عوض تلاش هایش عمدتاً متوجه کشف حقیقت زنده پس داستان است. «زنده‌ام که روایت کنم نخستین جلد از مجموعه سه جلدی این حقیقت زنده است. این کتاب شرح نخستین خاطرات نویسنده است تا او اعریست سالگی اش یعنی زمانی که کلمبیا را برای نخستین بار ترک می‌کند تا در پی نویسنده‌گی و روزنامه‌نگاری راهی اروپا شود. این کتاب با شیطکی وی به دو زن نگاشته شده است. نخستین زن مایو اوست که در روز یکشنبه ۶ مارس ۱۹۲۷ گابریل را زاده کنی که نه تنها چهرو اصلی دوران کودکی وی که سرچشمه نگاه جادویی او به زندگی نیز هست. دیگری مرسیس بارگا هستر اوست، که باز وقتی ۱۳ سالش بوده از وی تقاضای ازدواج کرده‌ام و با پاسخ وی به این تقاضا مصلح اول به پایان می‌رسد. این کتاب با سفر گارسیا مارکز ۳۳ ساله به همراه مادرش برای فروش خانه‌ای آغاز می‌شود که کودکی اش را در آن گذرانده، خانه‌ای در کرانه کارائیبی کلمبیا و در شهر داغ یادآور خاطراتی است از اقامه، پذیر بزگ و دیگر اعضای خاندان کبیریش.

همین سفر بود که سرتوشن وی را به عنوان نویسنده رقم زده نامه موزه و وسالنه که تا خودم به ده‌هاتم هم حضور نمی‌گردد که این گشت و گذار ساده دو روزه نقشی چنان تعیین کننده داشت که بر عهده داشت که طواری ترین و پرتحرک ترین زندگی ما هم برای آنکه روایتش را به پایان برسانم کافی نیست.»

هر کسی با خواندن این زندگینامه در می‌یابد خانواده بوئندیا و شهر خیالی ماکوندو چقدر به خاندان حقیقی مارکز میونان است. صد سال تنهایی در واقع روایت مباحثه‌آمیزی است از تجربیات واقع‌اش. ادای احترامی که به گفته وی با آفرینش عاشقانه خاطراتش را اهداوم می‌بخشد.

یادگشت مارکز به همراه مادرش برای فروش خانه اجاره‌ای، تصمیم‌وی برای نویسنده

شدن را قطعی می‌سازد. او ساهلای سال پیش زمانی که خانواده‌اش وی را برای تحصیل به بوکوتا، پایتخت کلمبیا، فرستادند از بوست کارائیب رانده شده بود. اگرچه آن‌گاه کار بوکوتا هر دو شهرهای یک کشورند و هیچ ناشناسی به هر نذارند. استان کارائیب، تنهایی بود جادویی و سرشار از شور و دوسنی و گرمای جان‌واگنی. حال آنکه پایتخت که در ارتفاعات آند قرار داشت شهری بود دور افتاده و هم انگیز که از آغاز قرن شانزدهم پکریزور آن یاران می‌یابد. با همه اینها در همین پایتخت است که گارسیا مارکز استعداد نویسنده‌گی اش و نیز مایش به یک زندگی کولی وار را کشف می‌کند. وی از جزئیات زندگی عاطفی و روشنفکری اش طی ساهلای مدرسه و دانشگاه می‌گوید؛ همان ساهلای که پدرش از او می‌خواهد به تحصیل



در رشت حقوق پیرواز و او فقط به نوشتن می‌اندیشد.

مارکز برای ادامه حرفه روزنامه نگاری و فراتر از آن برای نوشتن داستانها و رمانهای بزودی به کارائیب بازمی‌گردد، مکانی که تعلیقاتش طای نویسنده، در حال ظهور را بی می‌گیریم به درک تازه‌ای از زاویه غربی و مارکزی تنهایی می‌رسیم.واژه‌ای که در تمامی آثارش حضور دارد، برج‌الظن زندگی گروهی و شلوغ شخصیت‌های آثارش. واضح است که زاده‌گاه کوچکش آرانکاکا و در سطح وسیع‌تر حتی کلمبیا کاملاً در انزوا به سر بریده و از آنچه در جهان بیرون رخ می‌دهد بی‌خبرند.

کشتار کارگران کشت‌زار موز است که جهان واقعی و خشونت‌بار را به قلمرو جادویی صد سال تنهایی راه می‌دهد. طی همین کتاب خیال خود به دام افتاده‌اند، اما مارکز فردی است کاملاً معمولی با نیازهای روزمره خوردن، خوابیدن و پرداخت اجاره.

برگرفته از ترجمه کاره میرعباسی

## پذیرش جهان واقعی

**وقت مارکز**

نویسنده: نیک کبستر
مترجم: مهرداد مصباح

خط فکری نویسندهگان غرب تحمیل کرده بود. چالش‌هایی که آثار وی می‌آفریند کاملاً ادبی است و اثری از سیاست در آنها دیده نمی‌شود. توجهات سیاسی وی تنها با «حکلی که برای استقلال‌ن ان اسپانیا تحمیل آن شد» به بیانگفته شده‌اند. حکلی میان آزادی خواهان و محافظه کاران که بهایش جان هزاران کلمبیایی بود. از میان وقایع سیاسی پیش از هر چیز ترور خورخه کابیان او را متأثر ساخت و خشونت‌های متعاقب آن وی را بر آن داشت که بگوید: «در نهم آوریل ۱۹۲۸، قرن بیستم در کلمبیا آغاز شد.»

از نظر خود مارکز شیوه خاص نگارش آثارش ریشه در دو چیز دارد: یکی خانواده مشهور و معیشت و دیگری تأثیرات نوشته‌های کافکا، جویس و فاکتر. در زنده‌ام که روایت کند: با چنکیده‌ای از اطلاعات تاریخی و شخصی مجموعه‌ای که با فرمی واحد در سراسر روایتش حضور دارند؛ تاریخچه‌ای از مایو، بزرگ قدرتمند گابریل، منشأ اورسولا اینگو آران، هسته خانواده بوئندیا، شرح مختصری از اینکه چگونه نام ماکوندو را بر شهر خیالی اش برگزید؛ و شهری در حال و هوای بیانگاتانی فاکتر و شرحی از ملاقات پس از خوانش نخستین دن کیشوت.

مارکز در «زنده‌ام که روایت کند» این نکته را نیز فاش می‌کند که دلدادگی پدر و مادرش را دستمایه عشق ساهلای ویا قرار داده است. تحسین وی از روشنائی ماه اوت، فاکتر نیز در واقع کلید ارزشمندی است برای رمزگشایی نگاه وی به شهری اسطوره‌ای در حاشیهٔ زمان. فصل آخر این کتاب گزارشی است همگن‌گویی گونه که نهایتاً در فرم زمانی گونه به نام اداستان ملوان کشتی شکسته به چاپ می‌رسد. ملوانی که ده روز را بدون آب و غذا گذرانده، قهرمانی ملی او ساخته‌اند. طی این شهرت به ثروت نیز رسید و سرانجام با مطرد شدن از سوی دولت برای همیشه از یادها محو شد.

مارکز به عنوان قهرمان این زندگی‌نامه در نقطهٔ مقابل شخصیت‌های آثارش قرار دارد، آنها شخصیت‌هایی رویایی‌اند که در عالم خیال خود به دام افتاده‌اند، اما مارکز فردی است کاملاً معمولی با نیازهای روزمره خوردن، خوابیدن و پرداخت اجاره.

برگرفته از ترجمه کاره میرعباسی

**رسانه‌ها**

**قلم**



هفتمین شماره خیرنامه داخلی انجمن قلم ایران (پوذه تیرماه) منتشر شد.
دروسک مرادی، سدحسین حسینی هم قول مرگ را سرود. گزارش عملکرد هات مدیره انجمن قلم ایران، سروده‌هایی از زنده یاد استاد نصرالله مرادی...
از جمله مطالب این خیرنامه است.

**جهان کتاب**



صد و هشتاد و سومین شماره جهان کتاب منتشر شد. «قاموس» بیع زمانی کیوستا؛ کجاست؟؛ جهانخوش؛ به یاد ماکسیمر رودسون، نادر انتخابی؛ یادی از رویانیشک ادیب؛ تازه‌های بازار کتاب، فرخ امیر فریاد؛ قبل و تازکی، ایرج بهرامی...
از جمله مطالب این شماره جهان کتاب است.



**وقت مارکز**

### ترفند کهنه تردست

درباره مارکز و کتاب آخرش

بد نیست به شیوه‌ای که مارکز، بلاسکو شخصیت مجوری کتاب «سرگذشت یک غریب» را معرفی کرده است، خود وی را وصف کنیم: نویسنده‌ای که ساهلها در گرمنگی و فقر سیری کرد، صد سال تنهایی را نوشت، نوبل ادبیات را به او دادند که طی این شهرت به ثروت رسید و سرانجام کتبش را در بر آن داشت با شرح لحظات زیستنش در یادها بماند...

ذهن مارکز کارخانه استعاره‌سازی است. او خوبی می‌داند چطور می‌توان گفته‌های پیش پا افتاده سواحل نشینان بی سواد کارائیب را به جملات قصار بدل کند. در صد سال تنهایی، او بی آنکه بداند شرح خاطره خاندان پر اولاد و اجداد فرییش را به هیئت سوگنامه تنهایی انسان فریخه سلیمش می‌داند، بشر فریب خورده تنها درونهای بزگ را با یاور دارد. پس سرازیر شدن خون آرکادیو بوئندیا به کوجه‌ها و ورودش به خانه و گذرش از لبه دیوارها و رسیدنش به آشیزخانه و روان شدنش زیر پای ارسولا را چنان معصومانه و دقیق گزارش می‌کند که مقاومت هر خواننده دیرپاوری را در هم می‌شکند.

اگر نویسنده‌ای تنها از یکی از سلاجهای کارآمد او، «دیوانی بورلاندن امور محیرالعقول»، «دایره عظیم و زنگانه» و «قدرت خلق استعاره» بهره ببرد، دستگار است.

هنر توانایی هایش در مقام نویسنده، امتیازات دیگری هم در محویت روزافزونش نقش دارد: دریافت نوبل ادبی، شهرت و ثروت زوایی، رفقت و حشر و تشرب اصحاب قدرت و بزرگان سیاست، در عین داشتن چهره‌ای خودمانی و روستایی و به دور از سیمای روشنفکران برج عاج نشین و نامی آشنگ و دهان پرکن، گابریل گارسیا مارکز.

این جذابیتها از اجر و قرب ادبی اش نمی‌کاهد و او خود با نبوغ ذاتی و شم زورنالیستی صیقل خورده، مجموعه‌ای از این خصایص و ویژگی‌ها را در قالب اسطوره‌ای بنام مارکز، کنار هم جمع کرده است.

وقتی «زنده‌ام که روایت کند» را می‌خوانید ابتدا تصور خواهید کرد کهنه تردستی حالا بعد از سالیان قصد دارد در از شگردش را افشا کند و مخفیگاه کیوتزهای سفیدی که در آستین پنهان می‌داشت، نشانمان دهد. قصه دخترکی که خاک می‌خورد یا ۷ پسر دستگاه با سلیبی از خاکستر برپیشانی، چندان به دور از حقیقت نبوده است .

با این تفاوت که ریکی خاک خور در حقیقت خواهر گابریل است و پسران ناخوانده که برخلاف قصه، هیچ کداستان به قتل نمی‌رسند. محصول سفرهای بی شمار بزرگش. وقتی از افسون و نللاً کتاب فارغ شدید لحظه مهمی هست که ممکن است چشم‌باز کنید و از خود بپرسید آیا این نمی‌توانست شرح خاطرات خود یا دوستانتان باشد؟ البته که می‌توانست. او تنها پشت کردن ما را می‌گیرد و سرمان را به سمتی از زندگی می‌چرخاند که معمولاً می‌ملاحظه می‌کنارش می‌گذریم.

گابویا رندی از اسطوره مارکز نویسنده ماهی می‌گذارد تا زیر سایه باشکوه او، این کتاب خاطرات خوانده شود، چه اگر ما بقدر کند ذهن و بی‌هوش و حواس نبودیم، نیازی نمی‌افتاد که رمدیوس خوشگله یا ملخفه به پرواز درآید یا گاوها پرده‌های کاخ پدرسالار را نشخوار کنند. او ساهلهاست در آشیان پربان و اجنه را بر زندگی روزمره گشوده است تا باز دیگر ما موجودات رخنوتاک را به تعجب و صرافت اکتشاف روزمرگی وارد. او شبعده‌بازی نیست که جای کیوتز را نشانمان دهد. پیرمرد سعی دارد حالی مان کند. خاطراتش کلید رمز آثارش نیست. او فارغ از انواع روایات عجیب و غریب در اوج پختگی و کمال و به عنوان وصیت‌نامه‌ای ادبی به شرح خاطراتش می‌پردازد تا بدانیم قصه‌ها کلید قفل زندگی‌اند. و مثل همیشه مخفیگاه کیوتز شبعده‌های دوری نیست... در آستین خود ماست.

سروش روحبخش

**کتابخانه**

شماره ۱۸۵، شنبه ۲۰ تیرماه ۱۳۸۳



زهرا حاج محمدی

در میان صنایع، شاید هیچ صنعتی بیش از صنعت چاپ به حوزه فرهنگ و هنر نزدیک نباشد. در واقع شروع صنعت چاپ آغاز مرحله‌ی نوین از امر کتابت بود و توانست

در ادامه راه، صنعت چاپ از قابلیت‌های فناوری و استانداردهای علمی جدید از نظر زیبایی‌شناسی نیز بهره ببرد و توانست نقش داشته و مدیریت آن به دور از ملاحظات و معیارهای فرهنگی نمود امروز پیش به‌روبود آورد.صنعت چاپ علاوه بر این در معرفی هویت‌ها و قابلیت‌های اقوام و ملل نقش داشته و مدیریت آن به دور از ملاحظات و معیارهای فرهنگی نمود امروز پیش

صنعتی‌تری امروزه صنعت چاپ که فرزند آن به شمار می‌رود، بالاترین ارزش افزوده را به محصولات می‌دهد و از نظر اقتصادی در ریفیس سه صنعت پردرآمد دنیاست و در میان بخش تروم‌فزاری آن معدل بخش سخت‌افزاری درآمد ایجاد می‌کند ولی کشورهای پیشرفته در زمینه تروم‌افزار فعال‌تر هستند. چاپ صنعتی بین‌رشته‌ای است و مدیریت آن نیز باید بین‌رشته‌ای و فکر و عمل کند.

۲۶سال از سیاستگذاری‌های جدید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در حوزه نشر می‌گذرد، در این مدت اداره چاپ و نشر محتایات تر از دیگر بخش‌ها وضعت مهمی را در دوره‌های مختلف سپری کرده است. تها ۱۳۹۳ بازم مدیریت این اداره به دلایل مختلف تغییر کرد. این اداره پیش از هر چیز تجربه مدیریتی مدبرانه را پشت سر گذاشته که کمترین نشانهای از حوزه تخصصی اخیر نداشته، اگرچه این اداره در برخی موارد با نقاط روشن در تاریخ خود مواجه بوده است. اما

سرپرست همدار چاپ و نشر کشور امروز، حصول فرآیند تجربه مدیریتی همان‌طور است که زیست این صنعت را در کشور در دهه‌های گذشته دیداند. این اداره در راستای همان تحولات اخیر خود، امروز تجربه جدیدی را پشت سر می‌گذارد. یک ماه از آخرین تغییر مدیریتی در این اداره نمیش‌گذرد. کربماتی پیش از این سابقه در مقام عامل ید حساب‌و‌وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در معاونت فرهنگی فعالیت داشته است. او اینک اولین تجربه مدیریتی خود را پیش‌رو دارد

شیده‌ها ما از برخی اعضای اتحادیه چاپخانه‌داران کشور حکایت از آن دارد که تغییرات اساسی در سیاست‌گذاری این اداره به وجود آمده است. اگرچه نقد این سیاست‌گذاری‌ها منوط به گذشتن زمان است، اما با این وجود گویا کربماتی

روان‌ماه و راه حل‌هایی برای ساماندهی به وضعیت این صنعت در کشور دارد. با او درباره این پیش‌فرض و رویکرد گفت و گو کردیم

## گسترش بازار چاپ

**گفت‌وگو با سیدامیر کریمانی مدیرکل چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی**

چه سیاست‌هایی لازم دارد.

چاپ امروزه صنعتی است که می‌تواند اقتصاد هر کشوری را متحول کند. یکی از صنایع مادر است و تجربه کشورهای کره‌یک‌ت از مامان‌شاد داده این صنعت چه تحولی در مرزهای اقتصادی دنیا ایجاد می‌کند یا تمام نقدی که بر کل وضعت سیاستگذاری چاپ و نشر در کشور وارد کردید و به رقم آنکه نمی‌توان به دلیل وجود ادارات موازی برای سیاست‌گذاری این رشته از نقد عملکرد این اداره صرف‌نظر کرد. ما تصمیم‌گیری‌هایی که از خود اداره انجام شده بیشتر حکایت از یک ناهماهنگی و یک ناپختگی دارد تا سال ۷۲ ورده هر گونه مامتین‌آلات چاپ منسوخ بود اما از آن پس تبت و ناآرامی‌هایی برای آن به وجود آمده. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکنون درها را به سوی مراجعان برای



**می‌دانید که فقط چندسال فرصت داریم تا به سازمان تجارت جهانی بپیوئند. در صورت پیوستن بایستی کلیه موانع غیرتحرّفه‌ای از میان برداشته شود**

گرفتن چیزی از چاپخانه باز کرد یک حصر غیرمقول به یک آزادی نامحدودتر انجامید.

نمی‌توان مکرر شد. که ما الان در دنیای هستیم که به سرعت در حال رشد است و کیفیت و مامت صنعتی نیز روز به روز در حال تغییر است. کشورهای اطراف ما ترنسته‌اند. در آلمان‌هاشان را به سرعت افزایش دهند. به تکنولوژی روز (به دلیل گران بودن) اگر کلیشی به سمت ماشین‌آلات دست دوم بازار آمده، سوق داده شود، یعنی مجموعه سه سیستانهای کلان پولی موجب شکل‌گیری سرمایه‌گذاری تاکن‌آمانه نتهدار به هر حال سیاست پولی کشور شرایط را به وجود آورده که یک باز سرمایه‌گذاری تاکن‌آمان‌آمد شود و مجدداً، محور به سرمایه‌گذاری جدید برای نوسازی صنایع کشوریم. یعنی محور هستیم حداقل ۵۰ ایرتیریک کشور خارجی که یک سرمایه‌گذاری کارآمد می‌کند هزینه کنیم و زمان زیادی را از دست بدهیم. حتی بازارهای داخلی خود را فاکتیم تا بای هر یک برای ایراد در کجاست و انرژی چند برابری برای اصلاح سیستانهایی به کار ببریم که نوماور امروزه کاری صنعت بیزنه صنعت چاپ و بسته‌بندی قرار ندارد. این تجزیه و تحلیل سیست‌های ما در حوزه چاپ بسیار روشن و مشخص می‌شود یعنی اینکه، (بازسازی صنعت چاپ و تغییر سیست‌های تاکن‌آمان‌آمد به سیست‌های کارآمد اقتصادی) ۱۶ ایجاد گرایش‌های لازم در واحدهای کوچک برای تبدیل شدن به واحدهای بزرگ چاپ و بسته‌بندی ۳ تغییر شکل سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذاری نقدی گرفته‌بست به سرمایه‌گذاری اعتباری و ارزاقیمت با شناختن که از ماهیت فعلی صنعت چاپ کشور پیدا کردید. بد نیست از سایر نچیان این شیوه سرمایه‌گذاری هم مطلع بشوید. حال حاضر بازار ایران به طور ۱۰۰در۱۰۰ اخیراً کشورهای همجوار است. همچنین آلمان‌هاشان می‌دهد. بیشتر از

اداره چاپ و نشر تا امروز اداره‌ای سرورگم در حوزه تصمیم‌گیری‌ها و عملکرد اجرایی بوده. از یک سو بحث پرس‌و‌پاسی سیست‌ها بود که صنعت چاپ را در کشور تقریباً به حالت نیمه تعطیل نگه‌آورده و به نظر می‌رسد که این دوره در این گرو واد گفتمی تاخورد در حوزه چاپ دنبال بود و هرگونه نشانه‌ن و چاپخانه‌داران از اتفاقات و تصمیماتی که در این حوزه گرفته می‌شد، افزایش یافت. از سویی به نظر می‌رسد که این اداره، امور مربوط به چاپ کشور را تنها در خود خلاصه دانسته و سیست‌های مهمی را در پیش گرفته است. زمانی ورود ماشین‌آلات و اضای محورها توسط مبروت اداره، کلاً محدود بوده و زمانی آزادی می‌شد و محسوری در برابر آن ایجاد می‌شود. سیست‌های اداره به بروز مشکلات عمیده در میان چاپخانه‌داران انجامیده، رشد واحدهای دولتی از جمله چاپخانه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در سایه محدودیت و فقر چاپخانه‌های خصوصی اتفاق می‌انفاده و سرانجام مدیران مختلف هیچ برنامه کاری مدونی برای خود نداشته‌اند.

به نظر می‌رسد در طرح سؤال خود، سه نکته اشتباه داشته‌اید. اول آنکه بحث نشر بحث دیگری است که ارتباطی با اداره چاپ و نشر پیدا نمی‌کند. مسائل مربوط به این حوزه زیر نظر اداره کل مرکز کتابت می‌شود. اما معدن‌اندازه‌ای هستیم که بخش صنعت مرتبط با جامعه نشر راجت پوشش خود داریم و معدن‌آیا مامتین‌آلات چاپ و اقداماتی که مردم بی هیچ حمایت دولتی و یا پاره‌خود رأس انجام می‌دهند. سرور کار داریم. در بحث سیست‌ها، اتفاقاً سیست‌های این اداره کامل‌روشن است اما چگونگی اجراء سیست‌گذاری، تابع عواملی است که تمام‌آدر اختیار این اداره نیست چرا که بسیاری از مقررات برای ورود مامتین‌آلات، شیوه‌های خرید، انجام معامله و راه‌اندازی و تولید، شروع به کار واحدهای چاپی همه و همه در خارج از اداره چاپ و نشر تعیین می‌شود. تعیین مقررات ورودی و سیست‌های تعرفه‌ای در خارج از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به وسیله وزارت بازرگانی تعیین می‌شود. روش‌ها و سیست‌های معاملاتی یا کشورهای خارجی، توسط بانک‌ها، وزارت دارایی، بانک مرکزی و شورایی پول و اعتبارات تعیین می‌شود. یعنی چهارگان که سیست‌های پولی و مالی کشور را تدوین می‌کنند.

از طرف دیگر به رقم نقد وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موفی صدور تأیید تأسیس و تأیید کار چاپخانه است اما همه ازگان توری اقتصادی، اداره امانت و ضبطین قوه قضاییه مستقیماً و بدون هماهنگی با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اقداماتی می‌کنند که کلیه فعالیت‌های چاپخانه‌ها هم از تشکیل و راه‌اندازی اجراء فعالیت و انجام هر کاری چاپی را در حد تعیین‌کننده‌ای تحت تأثیر قرار می‌دهند.

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در این حوزه به سیست‌گذاری می‌ماند که عوامل اجراء سیست‌ها را در دست ندارد. اداره چاپ و نشر نیز در نهایت به یو کسوری شبیه است که دست و پایسته و رنگ و بوی رزاده شده تکنولوژی مناسب بود. عدم همراهی بانک‌ها به این مسئله دامن زد و این همه در حالی بود که ما در پورسه جهانی شدن نیز قرار گرفتیم. برای ترسیم و سخامت و عرق سیستیم بسته و تاکن‌آمد پولی کشور در حوزه

راه‌اندازی چاپخانه‌های جدید بهتر است این مسأله را

بیشتر تشریح کنیم. در حال حاضر در دنیا روش‌ها معامله و خرید ماشین‌آلات چاپ اینگونه است که خریدار با پرداخت ۱۰ تا ۱۵ درصد صده چه یک مامتین می‌تواند تکنولوژی روز آمد. با کیفیت، سریع، دقیق و مقرون به صرفه را وارد کند. مابقی وجه یک مامتین به صورت اقساط با کمترین بهره پرداخت می‌شود. ما در کشور ما سیست بانکی ما طور دیگری عمل می‌کند. در این سیست اعتبارات، قیمت بسیار گران‌دهه می‌شود و دقیقه‌ها غیرمستقنی دریافت می‌شود. به گونه‌ای که هزینه واقعی اعتبارات تا ۱۲۰ تا ۱۳۰ افزایش می‌یابد.

از طرف دیگر مدت زمانی که پرداخت اعتبار به خود اختصاص می‌دهد بسیار طولانی است. تمام شدن این دو مشکل اعتباراتی که فقط به صورت دیداری کشایش می‌شود یعنی پرداخت تمام ثمن معامله در زمان خرید موجب گردیده که سرمایه‌گذاری در صنعت چاپ و بسته‌بندی اصولاً غیراقتصادی را تاکن‌آمد باشد.

وجود این مشکل استی که حاصل سیست‌گذاری سیست پولی کشور است موجب شد تا در شرایط کمبود واحدهای چاپ تمایل چاپکاران در بخش چاپ و بسته‌بندی به سمت ایجاد واحدهای بسیار کوچک با حجم سرمایه‌گذاری کوچک، عدم استفاده وجود این مشکل استی که حاصل سیست‌گذاری سیست پولی کشور است موجب شد تا در شرایط کمبود واحدهای چاپ تمایل چاپکاران در بخش چاپ و بسته‌بندی سرمایه‌گذاری کوچک، عدم استفاده وجود آورده که یک باز سرمایه‌گذاری تاکن‌آمان‌آمد شود و مجدداً، محور به سرمایه‌گذاری جدید برای نوسازی صنایع کشوریم. یعنی محور هستیم حداقل ۵۰ ایرتیریک کشور خارجی که یک سرمایه‌گذاری کارآمد می‌کند هزینه کنیم و زمان زیادی را از دست بدهیم. حتی بازارهای داخلی خود را فاکتیم تا بای هر یک برای ایراد در کجاست و انرژی چند برابری برای اصلاح سیستانهایی به کار ببریم که نوماور امروزه کاری صنعت بیزنه صنعت چاپ و بسته‌بندی قرار ندارد. این تجزیه و تحلیل سیست‌های ما در حوزه چاپ بسیار روشن و مشخص می‌شود یعنی اینکه، (بازسازی صنعت چاپ و تغییر سیست‌های تاکن‌آمان‌آمد به سیست‌های کارآمد اقتصادی) ۱۶ ایجاد گرایش‌های لازم در واحدهای کوچک برای تبدیل شدن به واحدهای بزرگ چاپ و بسته‌بندی ۳ تغییر شکل سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذاری نقدی گرفته‌بست به سرمایه‌گذاری اعتباری و ارزاقیمت با شناختن که از ماهیت فعلی صنعت چاپ کشور پیدا کردید. بد نیست از سایر نچیان این شیوه سرمایه‌گذاری هم مطلع بشوید. حال حاضر بازار ایران به طور ۱۰۰در۱۰۰ اخیراً کشورهای همجوار است. همچنین آلمان‌هاشان می‌دهد. بیشتر از

۱۵۰۰ چاپ لیل‌های 8000 نیز در دست رقیبای ایران در کشورهای همجوار قرار داده و بسیاری از موارد چاپی دیگر که سفارش به خارج داده می‌شود، عدم همکاری وزارت صنایع و معدان در اضای فعالیت‌های حقوق و عوارض گمرکی می‌ورده ماشین‌آلات جدید چاپ

که برای بازسازی این صنعت استفاده می‌شود نیز قوتی تولیدکننده‌گان خارجی را تشدید کرده است. که در اینجا نقدهای خود مبنی بر موافقت با برانته ورود ماشین‌آلات چاپ توسط واحدهایی که برانته بهره‌بردارای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در وقت دریافت کرده‌اند را مجدداً مطرح می‌کنیم. البته باید بگویم که ورشه همه این سوره‌هایی از یک دیدگاه کلیشه‌ای نیست. سرمایه‌گذاری‌ها در ۷۵در۱۰۰ در کشورمان دارد و آن دید دورنگری برای سرمایه‌گذاری است و همواره سرمایه‌گذاری برای تأمین نیاز داخلی و جایگزین واردات بوده است. کلیه سیستانها حول محور تأمین این نیاز داخلی بوده است. به کسب بازارهای منطقه و بین‌المللی. بنابراین اکنون به نقطه‌ای رسیده‌ایم که بهتر سرمایه‌های اقتصادی، صنعت کشور به طور اعم و صنعت چاپ را به طور اضنی محوریز کرده تا به بازارهای بین‌المللی پیانندیم. تا بتواند از مرگ نجات پیدا کند. در چنین شرایطی سرمایه‌گذاران را نه تنها نمی‌توانند بازارهای خود را حفظ نمایند بلکه در شرایطی که توضیح می‌دهم، ممکن است حتی صنعت کشور را به خارج از کشور بشوند. این توضیحات بصورت ناقص ارائه شده مفهوم جهانی شدن را در ذهن ما پیاندوری می‌کند.

می‌دانید که فقط چند سال فرصت داریم تا به سازمان تجارت جهانی بپیوئند. در صورت پیوستن بایستی کلیه موانع غیرتحرّفه‌ای از میان برداشته شود. مثلاً سیست پولی کشور شرایط را به وجود آورده که یک باز سرمایه‌گذاری تاکن‌آمان‌آمد شود و مجدداً، محور به سرمایه‌گذاری جدید برای نوسازی صنایع کشوریم. یعنی محور هستیم حداقل ۵۰ ایرتیریک کشور خارجی که یک سرمایه‌گذاری کارآمد می‌کند هزینه کنیم و زمان زیادی را از دست بدهیم. حتی بازارهای داخلی خود را فاکتیم تا بای هر یک برای ایراد در کجاست و انرژی چند برابری برای اصلاح سیستانهایی به کار ببریم که نوماور امروزه کاری صنعت بیزنه صنعت چاپ و بسته‌بندی قرار ندارد. این تجزیه و تحلیل سیست‌های ما در حوزه چاپ بسیار روشن و مشخص می‌شود یعنی اینکه، (بازسازی صنعت چاپ و تغییر سیست‌های تاکن‌آمان‌آمد به سیست‌های کارآمد اقتصادی) ۱۶ ایجاد گرایش‌های لازم در واحدهای کوچک برای تبدیل شدن به واحدهای بزرگ چاپ و بسته‌بندی ۳ تغییر شکل سرمایه‌گذاری از سرمایه‌گذاری نقدی گرفته‌بست به سرمایه‌گذاری اعتباری و ارزاقیمت با شناختن که از ماهیت فعلی صنعت چاپ کشور پیدا کردید. بد نیست از سایر نچیان این شیوه سرمایه‌گذاری هم مطلع بشوید. حال حاضر بازار ایران به طور ۱۰۰در۱۰۰ اخیراً کشورهای همجوار است. همچنین آلمان‌هاشان می‌دهد. بیشتر از

یعنی علاوه بر ۳ سیست فیزی و ضروری که قبلاً به آن اشاره شد، محوریز هستیم سرمایه‌گذاری را با دید کسب بازارهای منطقه و بین‌المللی دنبال‌انجام دهیم. پس بخش چهارم سیست‌ها این خواهد بود.

۴ سرمایه‌گذاری برای کسب بازارهای بیرونی در اینجا باز به همان گرگ‌نگری می‌برسیم. یعنی سرمایه‌گذاری ارزاقیمت و از شرایط مناسب یعنی





## نشانه‌های تصویری و کلامی در ادبیات کودک

### گزارشی از یک نشست در خانه کتاب

گروه زبان هنری فرهنگستان هنر، هفتم ترمه، مهدان خانه کتاب در نشست «بررسی نشانه‌های تصویری و کلامی در ادبیات کودک» بود. وقتی با نام‌های هفت شرکت کننده اصلی نشست ویرایش شد، به یاد آوردیم که در بعضی نشست‌های سال جاری خانه کتاب، از سه نفر شرکت کننده دو نفر البته با عناوین موجه، غیبت داشتند؛ فکر کردیم برگزین کنندگان، برای اما زمان جلسه رسید و دیدیم همه اعضای گروه زبان هنری فرهنگستان هنر در نشست حضور یافتند و این در حالی بود که کمتر بهمن نامور مطلق، دبیر فرهنگستان، در پایان نشست به خبرنگار ما گفت: «گروه زبان هنری فرهنگستان هنر، برای ادبیات کودک برنامه ویژه‌ای ندارد و توجه به ادبیات کودک و نوجوان بخشی از برنامه‌های کلی نشانه‌شناسی هنر است».

به گزارش این نشست توجه کنید:

#### شیران ۱۳۸۳

یک شوخی! پیش درآمد:

الفانی دراز بود در میز موزی و یک میز کوتاه عمود بر آن دو میز موزی، مانند دو بازیگر یک آهن‌ربای قاصی (کلاسیک) با این فرق که آهن ربا، نرم و خویله است و «میسنی» (مثل تصویرهای کتاب «مهدان ناخوانده») و میزهای صحنه ما گوشه‌دار (نقابلی) هستند مثل عناصر قصه «بیز زنگوله» یا «به بیان فنی آهن‌ربای رحمت الدانی» یا «الام‌واری» است و یک نظام پیچیده چند لایه‌ای در یک کل ارتکاب است. اما میزها البته فقط در حالت هم نشینی هستند و هم نشینی نشانه مامکن است «اجتنابی» و «نقابلی» باشد. مثل دو میز موزی که روبرویی هم هستند و به هم نمی‌رسند، یا «تعاملی» و «وحدت بخشی» مثل میز عمودی که می‌خواهد ایجاد اتحاد کند و گرایش به حرکت اندامی و اندام‌واری دارد (اگر چه خودش گوشه‌دار، یعنی زاویه‌دار است و نرم و خویله نیست).

**حضوران در صحنه**، پشت میز عمودی چهار نفر از اعضای گروه زبان هنری فرهنگستان هنر از راست به چپ می‌بینیم: آقای دکتر حمیدرضا شمیری دارای درجه دکتری نشانه‌شناسی از فرانسه و عضو هیأت علمی دانشگاه تربیت مدرس، آقای دکتر قربان سجودی دارای درجه دکتری زبان‌شناسی از ایران و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر، آقای دکتر احمد کجیجی دارای درجه دکتری زبان‌شناسی از روسیه و عضو هیأت علمی دانشگاه امام صادق، آقای دکتر بهمن نامور مطلق، دبیر فرهنگستان و دارای درجه دکتری ادبیات تطبیقی از فرانسه و عضو هیأت علمی دانشگاه هنر، (بعدها) نوجویان دارای دکتری فلسفه ادبیات از انگلستان و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و آقای دکتر فرهاد ساسانی دارای درجه دکتری زبان‌شناسی از ایران و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی هم خودشان را در منتهی ایلی سمت میز عمودی جا

دادند. اما میزهای موزی، بر سر این میزها، که در نهایت به هم می‌رسند، صاحب‌نظران حوزه ادبیات کودک و نوجوان نشسته‌اند که نیاز به معرفی ندارند. میز موزی سمت راست به ترتیب: خانم زاله فروهر، خانم دکتر هدیه شریفی و اما بازیگر چپ به‌شاید-خط موزی سمت چپ- آقای کاموس، خانم ترانه وفاقی، نویسنده و نیز مادر تصویرگر کتاب «همه می‌گویند» این یک توب فوتبال است، من می‌گویم لنگه کفش است، آقای دکتر علی عباسی دارای درجه دکتری زبان و ادبیات فرانسه از فرانسه و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی و آقای دکتر مرضی پاک منین دارای درجه دکتری زبان‌شناسی، آقای شهرام اقبال‌زاده، آقای به‌وار و چند شخص ناشناس.

در ردیف عقب، خبرنگار ما آقای حجوانی،



شمیری



سجودی

آقای حامد نوری و خانم ناهید مهدری اصل را شناخت. خبرنگار ما در این نشست هیچ تصویرگری را ندید، یا اگر بودند آنها را شناخت.

**پایان پیش درآمد**، ممکن است درک مباحث مطرح شده دشوار باشد. شوخی ما هم برای تلفیظ بحث بود. محورهای از آنچه مطرح شد:

#### متن یا تصویر

پنج یا شش دهه پیش «محصلین» در کتاب‌های درسی داستان شیب و مردم دانا را می‌خواندند و روستاییان بی‌سوادی که مرد دانا را از روستا راندند و شیب را بر صدر نشاندند چون شیب شکل ما را کشیده بود و مرد دانا نوشته بود «ماز». شاید شما هم این داستان را خوانده باشید که بیان دیگری است از بخشی از سخنان «دکتر شمیری» در نشستی که ماسعی کریم صحنه آن را برای شما تصویر کنیم- او گفت: «کلام همواره برده‌هایی را با خود دارد که مانع از ارتباط مستقیم است. شاعر یا نویسنده می‌خواهد چگونه دیدن را

تصویر کند؛ تصویر اما نیاز به این کار ندارد. خودش ارتباط ایجاد می‌کند؛ رابطه کلام و تصویر در ادبیات کودک، اما پیچیده‌تر از این است، همچنین، مهتر شاید به همین دلیل بخش عمده‌ای از جلسه به گفت و گو در مورد جنبه‌های گوناگون این مسأله سپری شد. در همین رابطه دکتر شمیری، نخست این برداشت را که تصویر متأثر از متن و افزوده کلام است رد کرد و گفت: «متن و تصویر با هم در کنار هم یک نظام چند لایه‌ای را به وجود می‌آورند. تصویر می‌تواند پوسته کلام را بردارد و کلام، صمیمی‌تر دیده شود. کلام از تصویر انتزاعی‌تر است. حتی اگر متخسف کودک باشد، وی گفت: «کلام از نظر من، تصویر ناآیناست. شاعر با اول نقاشی است. می‌بیند و از کلام برای نشان دادن استفاده می‌کند. نقاشی هم می‌بیند اما در آنجا آنچه را که دیده است مستقیم نشان بدهد. اگر کلام تصویر ناآیناست، تصویر چیست؟ تصویر هم ناآیناست و فاقد زبان است. تصویر لال است. تصویر چشم کلام است و کلام، زبان و گوش تصویر».

#### عینی یا ذهنی

نظر آقای دکتر نجومیان درباره رابطه کلام و تصویر در ادبیات کودک، اما چنین بود: «تصویر ترجمه کلام است، گسترش کلام است، «عینی» بخشی به کلام است، ولی می‌تواند ذهنی بخشی هم باشد. مثل تصویر فیل در شکم مارپا در شاهزاده کوچولو. کلام گاه تعریف تصویر است یا می‌تواند گفتگوی درون تصویر باشد مثل «ماجراجوی تن تن» تصویر گاه با کلام در تعامل و گفتگوست، گاه در تعارض».

در همین مورد، دکتر نامور مطلق گفت:

«تعامل متن و تصویر، شکل‌های گوناگونی دارد، ممکن است ساده و خطی باشد یا پوست پزایی و درهم تنیده».

دکتر سجودی هم ضمن تأکید بر وجود دو نوع رابطه تعاملی و وحدت بخشی با نقابلی و چالشگر بین تصویر و متن کتاب «مهدان‌های ناخوانده» را به عنوان نمونه ذکر کرد و از آن به عنوان یک کتاب ساده نام برد که در آن «کلام و تصویر یکدیگر را حمایت می‌کنند و یک کل ارتکابی را به وجود می‌آورند ساخت اندام‌پار پیدا می‌کنند، هر یک از اجزا سهمی برعهده می‌گیرند و به خاطر این سهم ارزش می‌یابند و وی گفت: «در این کتاب، همان‌انجادی که در متن هست، در تصویرها هم دیده می‌شود. به تدریج برتر و «میسنی‌تر» می‌شوند و ما شاهد همنشینی تصویر و کلام هستیم. حرف آخر را در رابطه با این بحث شهرام اقبال‌زاده می‌زد: «تصویر، خوب و خلاق من را گسترش می‌دهد، خواه من، کلام خود او باشد یا کلام نویسنده یا شاعر دیگر».

#### کلام، تصویر، چند این یکدیگر

نخستین سخنرانی که کلام و تصویر را به عنوان دو نظام جدا از هم ازبایان کرد، دکتر شمیری بود. او با اشاره به تفاوت رمزگان



کلامی و تصویری از نظر نشانه‌شناسی گفت: «نظام رمزگان زبانی در زنجیره زمان اتفاق می‌افتد و خطی و زنجیره‌ای است. عناصر رمزگان به دنبال یکدیگر می‌آیند، عناصر رمزگان تصویری اما همزمان در کنار هم هستند و این، بارزترین تفاوت و رمزگان کلامی و تصویری است».

هر چند دکتر شریفی شک داشت که به همین سادگی، بیان آنها را به عنوان دو نظام جداگانه ازبایان کرد. دکتر شمیری تأکید کرد: «تصویر ترجمه بخش‌هایی از متن است که گفته شده است و برعکس، «وی تأکید کرد که از نظر او نظام تصویر و کلامی جدا از هم هستند اما تعامل بسیار پیچیده‌ای دارند».

#### کلام انتزاعی، تصویر انتزاعی

دکتر شمیری، در ادامه گفت و گو، به انتزاعی



نجمیان



نامور مطلق

بودن کلام و تصویر اشاره کرد و گفت: «کلام، انتزاعی‌تر از تصویر است و تصویر با کلام، هر چه بیشتر از صفاتی شخصی رد شوند و هر چه بیشتر با سازه‌های فرهنگی صیقل یابند، از ساختار بدوی، عینی، ساده و صمیمی خود دورتر و انتزاعی‌تر می‌شوند.» دکتر شمیری در ادامه، با استفاده از واژه‌های فنی زبان‌شناسی بیان دیگری از مطلب را به این شکل ارائه داد: «هر چه بیشتر ادعا را غریب از کنیم، غریب‌تری که شخصی است، فرهنگی است. تصویر و کلام بیشتر «مدلول» مدارا» می‌شود یعنی مدلول بیشتری را بر دال تحمیل می‌کنیم».

#### و اما درباره نشانه‌شناسی:

دکتر شمیری به نخستین سخنران نشست بود، به سبب جهل، پنجاه ساله علم نشانه‌شناسی در جهان اشاره کرد و گفت: در ایران از دهه یازده سال پیش به طور برآکنده در این زمینه کارهایی شد اما کار جدی و فعال در این رشته پیش از یکی دو سال سابقه ندارد. او با رد این نظر که تصویر متأثر از متن و افزوده کلام است، گفت:

داین دو نظام، در تعامل با هم یک نظام چند لایه ای را به وجود می آورند که برای نشانه‌شناسان بسیار جذاب است.ویژه که ادبیات کودک از پیچیدگی های «چند رمزگانی» برخوردار است.رمزگان زبان و روایت، در کنار رمزگان تصویر و به طور متقابل رمزگان تصویر در کنار کلام.

دکتر نامور مطلق نیز با اشاره به پیچیدگی های نظام های نشانه شناسی ادبیات کودک گفت: این نظام حتی پیچیده تر از آثار جویس است.

**تصویر، هماهنگ کننده**

**صورت های تخیلی کودک**

یکی از اظهارنظرهای بالقوه، بحث انگیز در مورد ویژگی با فایده یا ارزش تصویر در کتاب های کودک، ذکر تصویر به عنوان هماهنگ کننده صورت های تخیلی کودک بود که در این مورد دکتر نامور مطلق گفت تخیل و عقل در کودکی نزدیک به هم هستند و دور شدن این دو از یکدیگر در بزرگسالی را معیبت خوانند.
در ادامه سخنان خود به ارزش مهم تصویر در کتابهای ادبیات اشاره کرد و گفت: «کودکان خیال پرداز و हजारگریز هستند و هر یک، هر لحظه صدها صورت از یک نام در ذهن خود خلق می کنند که با صورت های دیگر فرق دارد. تصویر این صورت ها را با هم آشتی می دهد، به هم نزدیک می کند و موجب هماهنگی صورت های کلامی می شود».

گفتنی است توجه این بود که هیچ کدام از نویسندگان کودک و نوجوان حاضر در جلسه عکس العملی به این گفته نشان ندادند مگر مه وار که در پرسش و پاسخ بدون اشاره مستقیم به نظر دکتر نامور مطلق گفت: «ذلت جهان ادبیات، همان رمزگانی هاست، مثل کتاب من و دوست فرولم».



ادبیات باید آرزوهای کودک را دامن بزند و به او نشاط و شادی بخشد».

خبرنگار، مه پسی از برگزاری نشست، نظر شهام اقبال زاده در این مورد چوینا شد. او گفت: ویژگی اصلی کودک، خیال خلق اوست. تصویر خوب به پرورش تخیل کودک بیوزده ساله های داستان و پیش داستان کمک می کند. هدف ادبیات کودک، پرورش تخیل خلاق کودک است که محدود کردن آن با چفت دادن به آن تصویر در کتاب کودک سه حالت ممکن است داشته باشد:
۱-در جهان من باشد و به پرورش تخیل کودک یاری ندهد.
۲-من را گسترش بدهد.
۳-جهای خالی من را پویاشد.
و به کودک کودک پروران باشد.
تصویر نباید خیال خلق کودک را محدود یا سرکوب کند.

مفهوم فانتزی در روانشناسی یا مفهوم آن در ادبیات کودک فرق دارد. در روانشناسی، آدم رؤیایاف داری ویژگی منفی است، او واقعیت برده است، اما در عرصه ادبیات، بیوزده ادبیات کودک، تخیل خلاق، سنای بروز هنر است. در علم هم تخیل ضروری است. فرضیه پروازی جز با کمک تخیل علمی سازنده ممکن نیست.
اقبال زاده افزود: «متأسفانه کتاب های آموزشی و بسیاری از کتاب های کودک ما تخیل کودک را می کشند. ما بزرگترها هم چیزها همانطور که هست می پذیریم و دچار روزمرگی می شویم. کودک اما، به دنبال تخیر است. در جستجوی دنیای بهتر است، البته تا وقتی که ما خلاقیت را در او سرکوب نکرده ایم. تصویر خوب باید خیال برانگیز باشد. مثل کارهای سیلور استاین.»



**دردناکی**

در نشست بررسی نشانه های تصویری و کلامی در ادبیات کودکان سه نفر از سخنرانان علاوه بر افراد حاضر کتلی به بررسی کتاب: «نرخ پرخاش».

۱-دکتر شمسی قلعه بزمی کتاب: «همه می گویند یک توپ فوتبال است، من می گویم لنگه کفش است» نوشته خاتم ترانه وفا؛

۲-دکتر نامور مطلق، مقالهٔ «کتاب شازده کوچولو یا ترجمه فرانسه پنجاه داستان کوتاه از منشی با نام «حکمت بردی اورپان»؛

۳-دکتر پاجتی، درخت بخشنده اثر سیلور استاین.

با توجه به محدود بودن جا، تنها به کتاب سوم می پردازیم.

**درخت بخشنده**

دکتر پاجتی در درخت بخشنده اثر شل سیلور استاین را به عنوان برجسته ترین اثر کلاسیک، غیر کلاسیک، مودرن بررسی فرار داد. او ضمن اشاره به رابطه فوی بین کلام و تصویر به این امتیاز اشاره کرد که نویسنده، تصویرگر کتاب یک نفر است. او گفت: «در کتاب سیلور استاین، من خلق شده کلامی نیست که تصویر به مدد آن آمده باشد. تصویر خود در کلام به آن افزوده شده باشد. تصویر من می یک اگر حذف شوند، کتاب تلفظی خواهد بود. در کلام چیره های هست که در تصویر نیست و برعکس، سیلور استاین، در آغاز داستان، در زبان انگلیسی به درخت، جنسیت مؤنث می دهد. در زبان انگلیسی درخت جنس ندارد. در فرانسه و آلمانی، درخت مذکر است. اما نویسنده به پیشینه اروپایی کلمه توجه نمی کند

و خودش به آن جنسیت مؤنث می دهد. در برخی استفاده ها، تصویر، خیلی قویتر از متن است و گفته از آن سیلور استاین در این کتاب از چند نماد استفاده کرده است. یکی تکرار عدد ۲ است. تعداد برگ ها یا سیب های که در درخت به رسم دیده می کشد و تعداد سیب های غیر خورده همیشه زوج است. یک نماد دیگر کفش است. پس با کفش وارد داستان می شود. در نشانه شناسی، زمانی یک نماد نشانه است که در مقایسه با ضد خود مطرح شود. ما اولین بار یک جفت کفش می بینیم که پسری است. ما اولین بار از یاد آورده است. اما این جفت کفش، نصف صفحه را اشغال می کند. پس فراتر است این کفش نشانی بازی کند و بعد در جاهای مختلف کفش را می بینیم که به پای پسر است یا در گوشه ای از تصویر دیده می شود. این بازی که پسر از درخت پول می خواهد، کفش ها اصلا وجود ندارند.

در آخرین تصویرها کلام خالی کفش را می گیرد. «پسر چیرمرد، کلاه را روی زانو می گذارد و در آخرین تصویر کلاه بر زمین افتاده است. در نشانه شناسی در آوزدن کفش یا برداشتن کلاه، نماد تمایل به پوستن به طبیعت است. پوشیدن کفش، جرمی است که پسر می خواهد. با طبیعت حفظ کند».



مشکلات طرح اجرایی بیمه نویسندگان کودک

و نوجوان حل نشده است .

هیأت مدیره انجمن نویسندگان کودک و نوجوان

که در انتخابات خود قول داده بود مشکلات طرح اجرایی بیمه نویسندگان را حل می کند و همچنین وعده داده بود که شرط سن و داشتن سابقهٔ پیش برداخت بیمه را حذف خواهد کرد «برای تحقق وعده های خود با مشکل مواجه است.محسن هجری دبیر انجمن در نامه ای به شریف زادگان ریاست سازمان تأمین اجتماعی نوشت:

**هنوز راه زیادی تا نوما باقی است**

«هنوز آن چیز زیبایی که بهش پول می گویم به دستمان نرسیده . محمد علی بنی اسدی، تصویرگر، در سی و چهارمین نشست نقد آثار تصویرگری در خانه کتاب ضمن بیان این مطلب درباره دشواری های تصویرگران ایرانی برای شرکت در مسابقهٔ نوما گفت: انجمن تصویرگران سعی در برطرف کردن این دشواری ها دارد، اما مشکل فقط فرستادن آثار و هزینه آن نیست که در جمع اوری و بازگرداندن آنها نیز با دشواری مواجه هستیم.

وی با بیان اینکه به دلیل کمبود بودجه بسیاری از مشکلات تصویرگران علاقه مند به شرکت در مسابقه حل نشده باقی مانده است تأکید کرد: تاکنون انجمن توانسته آثار تصویرگران را تحویل بگیرد ولی در جستجوی راههایی برای حل این مشکلات است. علاقه مندان به شرکت در مسابقه تصویرگری نوما تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ (۱۰ دی ۱۳۸۳) لارم به یادآوری است. علاقه مندان به شرکت در مسابقه تصویرگری نوما تا ۳۱ دسامبر ۲۰۰۴ (۱۰ دی ۱۳۸۳) فرصت دارند تا خلاصه داستان تصویر شده را در ۳۰۰ کلمه به زبان انگلیسی به همراه اصل اثر و مشخصات کامل خود به نشانی زیر ارسال کنند:

INOMA CONOURS
Asia/ pacific cultural centre for UNESCO (ACCU) 6, Fukuromachi,shinjuku-ku, Tokyo, 162-8484 Japan
URL:http://www.accu.or.jp/inoma/
E-mail: cultural@Accu.or.jp

## برجسته ترین اثر کلاسیک در غیر کلاسیک ها



دکتر پاجتی آنکه به نقل به قرض است در درخت اشاره کرد و گفت: «در من داستان درخت، سه بار به طرز آشکار می گوید

که دو چیز (سیب و شاهانه) برای عرضه دارد و از ته لسی نمی برد. در آخر اما می بینم که راهم که زندگی خودوست. در اختیار پسر می گذارد. در تصویرها، سیلور استاین با تغییر

حالت نه درخت، حالت های عاطفی او را نسبت به پسر نشان می دهد. نه درخت به طرز عادی ادنی خمیده است. موقع این ماجب به پسر خمیده تر می شود. هر چه محبت بیشتر باشد، این خمیدگی بیشتر می شود. در یک

تصویر با برگه کشی پسر کوچک، او در آغوش می گیرد. با بازی می کشد. روح هر سیلور استاین آنجاست که درخت باسیر قلم بانک بازی می کند و نشانه های درخت مثل لنگهٔ یک سیب اشاره می کنند. دکت پاجتی آنکه به بیان نماد دیگری در داستان پرداخت و گفت: «در تصویر اول با کفش، پاهای پسر، بعد که پسر بزرگتر می شود جالبی هست که ما در تصویر ۴ یا ۵ می بینم و درمی بینم که پسر دوستی پیدا کرده است. این پاهای قلب و نوشته های روی درخت ارتباط دارند. اولین بار در تصویر روی ته درخت یک قلب می بینم که روی آن حرف و ریج حک شده. TAME and TAME تخف Tme یعنی درخت است. ME حرف اول نام نام و نام خانوادگی پسر است یعنی در اینجا درخت معشوق پسر است. وقتی باها چهره ات

می کشد، روی ته درخت، یک قلب دیگر بالای قلب اولی پدیدار می شود. با حرف ME and ME وقتی دوباره تعداد پاهای دو کاشی می یابد یعنی دوست پسر رفته است. جایی قلب دارد. درخت خوش می شود. ME and ME رود بالا و ME and ME پایین می آید. این نشانه سیلور استاین نیست. در جایی قلب ها عوض کرده است. عطفی که در نشانه شناسی بالا یعنی عشق برتری بود (عشق پسر و ۷۲) حالا فروکش کرده و عشق پسر به درخت که عشق قلبی ولی پایین بود حالا اوج گرفته است و در متن شامع چیزی نمی بیند. مشخص سیلور استاین زمانی است که پسر، که حالا دیگر جوان هم نیست و نباید حوصله حراجی بی داشته باشد، از درخت قاپی می خواهد تا به سفر برود و درخت ته حرف های روی یک قسمت درخت و روی هر دو قلب، حرف TAME and TAME حک شده است؛ نشانه عشق پسر به درخت. یکی از این دو قلب روی ته درخت می ماند و دیگری را پسر چیرمرد با خود روی قاشی به سفر می برد. آنکه درخت که دوست خود را از دست داده است از آرام آرزو کرده، می شود نشان آن اینکه از قلب و نوشته فقط یک آنجا روی ته کلاه (کلاه ایلی) می ماند. اما وقتی که پسر می برد ME رنگ می شود و دیده آن را می بیند، وقتی پسر تصمیم می گیرد پیش درخت، کفده بمالد. درخت که دیگر به شامع وارد و به برگ برای نشان دادن محبت خود از همین قلب و نوشته ها استفاده می کند. و ME هم روی قلب پدیدار و بزرگ می شود. حضور دوست، به درخت زندگی دوباره می بخشد.

**خبر کودک**

### بیمه نویسندگان

نمی توان چنین موردی را با سایر مصداق بیمه مشاغل و حرف آزاد مقایسه کرد. کاینکه وزارت محترم فرهنگ و ارشاد اسلامی نیز با توجه به این ویژگی خاص است که بخش مهمی از هزینه های بیمه نویسندگان را امتیال شده است. «هجری، در ادامه نامه، با اشاره به اینکه در چنین مواردی خود آن سازمان محترم می تواند مرجع تغییر یا تفسیر براه ای از مقررات و این نامه های بیمه باشد، خواستار آگشوده شدن آثار این کار شده است.

**جشنواره ادبیات اروپایی در راه است**
تصویرگران ایران و جهان در کنار دانش آموزان ایرانی کارگاه هنری (work shop) برگزار می کنند.
جشنواره ادبیات اروپایی با حضور حدود ۲۰ نویسنده و ۳۰ تصویرگر از ۱۲ کشور اروپایی برگزار می شود، که از بهترین برنامه های آن برگزاری کارگاههای هنری برای دانش آموزان ایرانی است.
در دیگر برنامه های این جشنواره که در گفتگوی سازمان غیردولتی Exchange با کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان مشخص شده نمایش فیلم و تئاترهای دانش آموزی و همچنین قصه خوانی و تصویرگری همراه با همهٔ فواید فواید نویسندگان و تصویرگران خارجی است. جشنواره ادبیات اروپایی از ۲۰ شهریور تا ۲۷ مهرماه، در ایران برگزار می شود.

**تصحيح**

هفته گذشته در همین صفحه، ستون بویجه ها، عکس آقای حسین کلبلی اشتباه چاپ شده بود، که بدین وسیله از ایشان و خوانندگان گرامی عذر خواهی می‌کنیم.
کتاب **هفته**

**شماره ۱۵۵**
ششمین ۲۰ تیر ۱۳۸۳
**۱۵**



از نیمه دوم دهه هفتاد به بعد، مترجمان فارسی توجه خاصی به آثار نویسندگان آلمانی زبان داشته‌اند. در این راستا ترجمه‌های متعدد کسایی چون تئرج رهنما، عبدالرحمن صدریه، جاهد جهانشاهی، علی عبداللهم، محسن جاهد دوست و حتی افرادی چون رضاسیدحسینی، کامران قالی ویا بسیاری دیگر، گواه این توجه است.

از جمله این مترجمان که متن را مستقیم از زبان آلمانی به فارسی برمی‌گردانند، می‌توان از علی اصغر حداد نام برد. وی که متولد ۱۳۳۳ قزوین است، پیست و پنج سال پیش با اولین ترجمه اش یعقوب دروغ‌گویای بزرگ پروگرام این عرصه شد و پس از ده سال سکوت در آلمان و اتریش و شناخت پس‌زمینه‌های تاریخی- فرهنگی اقوام زبان آلمانی، به ایران بازگشت و از سال ۱۳۸۰ تاکنون بسیاری نمایشنامه داستان‌گونه به فارسی برگردانده، در میان آثار شده‌اند. «کاسپار» پینتر هانکه حائز اهمیت فراوانی است. کتابی که با همکاری نشر تجربه و نشر افکار به فارسی زبانان عرضه شده است، متنی سخت که به گمان، بیشتر شبیه به یک بیماریان کلامی است تا یک اثر ادبی-تئاتری. البته چنین مشخصه‌هایی در اکثر آثار این نویسنده دیده می‌شود.

نویسنده‌ای متعلق به نسل بیست‌هلال نسلی که کودکی‌شان در دگر بجران‌های اخلاقی- تربیتی بعد از جنگ بوده‌ده‌ای از همان‌ها که بعدها هسته مرکزی گروه ۷۷ را تشکیل می‌دهد با تگرشی مبنی بر اعتراض به تمام تاریخچه و شیوه‌های داستان و رمان معاصر و حتی پیشتر از او.

فکری که هدفش اصلاح جامعه نیست، هیچ پیامی در جتنه ندارد، هر اثرای هنر نمی‌خواهد، بلکه تنها پرده‌داری و کشف حقیقت مطرح است. یعنی شیوه تازه‌ای از تگرش در بستر زبان آلمانی. زبانی معطوف، پیچیده و چندپهلوی که پیش از هر چیز زبانیه ناخودآگاه جمعی، تفکر وین‌مایه‌های لئدشکی، جوهر آلمانی زبان است.
تمامی اجراع زبانی چون لهستان، چکسلواکی، پروژ یا اتریش که امثال فرانتس کافکا یا پینتر هانکه شصت و دو ساله را در خود پروراند.

چنانکه تأثیرات این محیط را نیز به وضوح در تمام آثارش می‌توان دید. بخصوص تأثیرات زندگی در کترین، روستایی که جنوب اتریش که هانکه متولد است. همان‌گونه که خودش در شماره ۹ اکتبر ۱۹۷۸ در روزنامهٔ «می ولت» می‌نویسد: «همواره از آنجا که بزرگ شدم مآثر بودم. پس همان محیط است که کلمه‌های مرا تعیین می‌کند. این تعیین و تأثیر را به وضوح می‌توان در آثاری چون «اندروان سرخ»، «دست‌فروش» و دیگر داستان‌های اولیه وی دید. این تأثیر تا حد انعکاس زندگی مادرش در زمان کودکی بخنی ناخوست» پیش می‌رود.

اما گذشته از اینها علت معرفی پینتر هانکه به جهانیان، تنها و تنها نمایشنامه‌های اوست. آثاری چون «دشنام و نمایش‌چی»، «پیش‌گویی»، «الهام به خود»، «فریاد کمدیک»، «سورا بر دریاچه بلده»، «کودولیت»، «بیماری مرگ»، «...» و... عمده‌ترین مشخصه آثار هانکه مخالفت با ساختارهای ارسطویی و حتی ادیکتبه برتشی و به نوعی ردیابی آثار تئاتر که کاملاً بر علیه تئاتر است و نه همسو با آنچه که تاریخ نمایش در خود نهفته است.

البته این شیوه و تجربه‌ها را در بستر زبان فارسی می‌توان در آثار افرادی چون عباس لعلبندیان دید که به خاطر

**کتابخانه**

شماره ۱۸۵، شپه ۲۰ تیر ۱۳۸۳

شرایط سیاسی- اجتماعی آدم‌های آن عصر و بعدتر، هیچ گاه ادامه نیافت. هانکه در گفت‌ وگویی که شخص لعلبندیان آن را به فارسی درآورده، در این باره می‌گوید: «بند قصد داشت مقاله‌ای بنویسم، جزو‌های علیه تئاتر. اما پس دریافتم که یک کتاب جیبی، راهی نشر بخش برای پایانه ضد تئاتر نیست و به این گونه برآیند به شکل شطحیات و با سو‌بردن از تئاتر برای اعتراض به تئاتر موجود، به همین دلیل، تئاتر را نه مطلق، بلکه پدیده‌ای تاریخی، به آنگونه که تا امروز هست، می‌دانم.» نمایش در صحنه و بر علیه صحنه اجرا شده است.

شاید پینتر هانکه پیش از حضور پروسواتر به کلام و آکسواوز در صحنه اهمیت می‌دهد. البته شاید تمام اینها زبانیه دیکتاتوری مطلق ماشینیسم بر انسان‌های بعد از جنگ دوم است، یعنی انسان‌های قرن بیستم. در میان آثار هانکه این تفکر پیش از هر اثر دیگری در «کاسپار» رخ نموده و شاید همین مهم باعث ترجمه و چاپ مجدد این اثر توسط نشر افکار می‌شود. اتفاقی که درباره تنها متن هانکه در ایران رخ داده کتابی تازه به همت مترجم آلمانی زبان به نام علی اصغر حداد است. در واقع این کتاب دومین نمایشنامه از مجموعه نمایش‌های برگزیده جهان است. البته چنین نمایشنامه دیگری از این مجموعه نیز آماده چاپ است



**مترجمان ما با فاصله‌ای ۳۰،۳۰ ساله ادبیات اروپا و بخصوص آلمان را دنبال می‌کنند**

که از او جمله می‌توان به «آگاهی» نالیبا گیزیورگ، نمایش‌های خوش‌آیند، برناردشو، و... اشاره کرد. در یون آن است.»- «وی که کاسپار را یکی از مشکل‌ترین این‌باره جیبی ساسانی، مدیر نشر افکار می‌گوید: «دلیل اصلی چاپ این آثار را می‌توان رواج فرهنگ نمایشنامه خوانایی، به واسطه حضور دانش‌پژوهان تئاتر و توجه به این مقوله توسط مسوولان امر دانست.» وی روند چاپ این آثار مثبتی برپیشهاد «شریکش»- نشر تجربه- می‌داند. «جناب آقای حسن ملکی کارآرایه مترجمان و مؤلفان این وادی سفارش می‌دهند و بعد از گذل از مرحله آماده‌سازی کتاب را به گلش را ما انجام دهیم.»

نشر افکار که پیش از شروع همکاری با نشر تجربه هیچ کتابی در زمینه تئاتر منتشر نکرده، چاپ این مجموعه را از ازمستان ۱۳۸۱ آغاز کرده و تاکنون بیش از نشت کتاب در این زمینه منتشر کرده است. جیبی ساسانی درباره شیوه کار این مجموعه افزود: «اکثر آثار توسط حسن ملکی انتخاب می‌شوند و نظر هیچ شویویی به جز ژا‌ی من و ایشان در میان نیست.» مدیر نشر افکار اختصاصاً درباره کتاب «کاسپار» افزود: «جناب علی اصغر حداد پیش از این دو کتاب «جناب غیب‌گویی و اهانت به خود را به همراه نشر تجربه منتشر کرده بود و کاسپار نیز در روند طبیعی همین مجموعه قرار داشت که در این مقطع زمانی، چاپ آن

مصادف با همکاری ما با نشر تجربه شد.» در این رابطه علی اصغر حداد نیز می‌گوید: «مدت‌ها پیش این کتاب را به نشر تجربه سپردم که به دلیل مشکلات مالی ناشر، اثر چند مدتی در کشوی میزبان ماند تا اینکه بالاخره با همکاری نشر افکار منتشر شد.» حداد که فارغ‌التحصیل جامعه‌شناسی تا مقطع فوق لیسانس از دانشگاه آزد برلین است، مهم‌ترین انگیزه برای این ترجمه‌ها را اینرطوبت ترجمه‌های دیگران می‌داند. وی معتقد است: «وقتی اثر از زبان مبدأ ترجمه نشود، خوانه ناخواه یکسری از معایب و شگردهای زبانی را به همراه ندارد.» حداد که از مدرسان خانه فرهنگ اتریش در ایران است، درباره دیگر ترجمه‌ها از زبان آلمانی به فارسی می‌گوید: «اگر شما نخوانید که شخصی ناخودرشدت ساینچر را از آلمانی به فارسی ترجمه کرده یا مثلاً آندره زید را از ایتالیایی به فارسی درآورده چه حالی پیدا می‌کنید؟ بازر کنید بسیاری از مترجم‌های اسم و رسم دار مترجمه‌هایی از آثار نویسندگان آلمانی زبان ارائه داده‌اند که بسیار بدوی، بی‌مطظ و کودکانه است. باور کنید باعث تأسف است وقتی می‌شنوید متن توماس مان آلمانی را از زبان ترکی به فارسی درآورده‌اند.»

حداد معتقد است که مترجمان ما با فاصله‌ای ۳۰،۳۰ ساله ادبیات اروپا و بخصوص آلمان را دنبال می‌کنند و این مجموعه نیز آماده چاپ است



**اکثر آثار توسط حسن ملکی انتخاب می‌شوند و نظر هیچ شویویی به جز ژا‌ی من و ایشان در میان نیست**

می‌کنند و عمده‌ترین مشکل در این راه و بخصوص در حیطه زبان آلمانی بیج و خم‌های چالشی و چندپهلوی بودن آن است.»- «وی که کاسپار را یکی از مشکل‌ترین متون این زبان می‌داند، معتقد است: «مفول زبان در ادبیات آلمان صاحب دیدی عمیق و فلسفی است. آلمانی‌ها گمان می‌کنند زبان در بستر تجربه باعث تربیت جبری و اجتماعی آنها می‌شود. مثلاً در جامعه اتریش این زبان است که فرود افر را گرفته و آنها را تبدیل به آنچه که خود می‌خواهد، می‌کند.»

این مترجم درباره برگرداند یکسری آثار نمایشی به فارسی می‌گوید: «اکار من تئاتر است. اصلاً وقتی یک متن را می‌خوانم، نمی‌توانم آنم تجسم حس‌های او آن داشته باشم.» و این در صورتی است که تئاتر در میان جامعه آلمانی زبان جایگاه خاصی دارد و در واقع از ملزومات روزمره این جوامع به حساب می‌آید. حتی در کشورهایی چون چکسلواکی یا مجارستان که از جمله حواشی زبان آلمانی محسوب می‌شوند، اما در چنین شرایطی که مترجم آلمانی زبان قدرت تجسم صحنه را در حین خوانش ندارد، این تنها متن‌های هانکه است که بیشتر دیگر نمایشنامه‌نویسان آن صحنه قابل ترجمه است. زیرا، نمایشنامه‌های هانکه این مشکل را ندارد، یعنی اینکه صد مورد صحنه‌ای نیست و در حقیقت به گمان خودش شکنجه گفتاری است تا دیالوگ دراماتیک. شکنجه‌ای همراه با بلدت خوانش.

**پینتر هانکه، علی اصغر حداد و جیبی ساسانی در ضیافت «کاسپار»**

## کاسپار ؛ جان کلام یک نویسنده

حتی به عنوان یک مترجم مثل یک کوهنورد با فراز و فرود و راه‌های صعب العبور فراوان رویه روست.»- البته ناگفته نماند که علی اصغر حداد نمایشنامه به ارفت و برگشت به ناخست» از توماس برنارد و «بیش توله برای بوریس» را نیز در کارنامه خود دارد. اما مهم‌ترین دلیل ترجمه‌های پوسته و مگر آثار هانکه را «می‌توانی به فارسی ترجمه‌های می‌داند، زیرا اینگونه آثار بیشتر شبیه به «بیماران کلامی» است.

وی دلیل دیگر این ترجمه‌ها را مربوط به لذتی می‌داند که خودش را درگیر آثار این نویسنده اتریشی کرده است. علی اصغر حداد با تظلمت می‌گوید: «کافکا با توماس مان یا گوتگر گراس که ما ایرانی‌ها به فارسی نوشته‌ایم کافکا و گراس و مان متعلق به آلمانی‌ها می‌نست، بلکه اینها نویسندگان خود ما هستند، با در واقع کار همان مترجم‌هاست، چون هیچ ربطی میان آن آثار و ترجمه‌هایی که در اینجا چاپ شده، نیست.» وی درباره ترجمه دیگری که از کاسپار موجود است و چهار سال قبل از ترجمه حداد یعنی در سال ۱۳۷۸، توسط نشر نمایش و به واسطه محسن جلد دوست ترجمه و منتشر شده است، می‌گوید: «به نظر من اگر آقای جلد دوست دست از سر هانکه بردارد و به سراغ متن‌های سبکتری در زبان آلمانی برود شبیه به نفع اوست. زیرا که در این وادی کیفیت کار از کمیت آثار مهمتر است.»

حداد گمان می‌کند که ترجمه جلد دوست از کاسپار دچار اشتباهات فاحش زبانی است. وی معتقد است: «ترجمه جلد دوست را از کاسپار پس از ترجمه و سپردن به دست ناشر خوانده است. این مترجم ادعا دارد: «این ترجمه‌ها را نه تنها در مورد کاسپار هانکه، بلکه در مورد مجموعه آثار کافکا که بازها توسط افراد متفاوتی ترجمه شده نیز انجام داده است.» وی دلیل پرداختن پیش از حد به رمان و داستان‌های هانکه را به خاطر این می‌داند که: «هانکه نمایشنامه‌هایش به شهرت جهانی رسید. آثاری که به عمیق‌ترین شکلی

ریشه‌های زبان آلمانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و حتی باعث تحول تئاتر در کشورهای آلمانی زبان می‌شود و در واقع نقد گفتار و فرهنگ نیست به دیگر عناصر ار جریحیت پیشتری دارد، البته حداد از ترجمه جیبی از نمایشنامه‌های هانکه احساس جزع می‌کند، زیرا نمایشنامه «ناخت از روی دریاچه بلده» که محسن جلد دوست در دریاچه کانسپارش به نام اسواری بر روی دریاچه بلده، دکتر نامش کرده، اثری چندپهلوی شگردهای زبانی شگرفی است که «به هیچ وجه نه تنها به فارسی بلکه به گمان من قابلیت برگشت به هیچ زبان دیگری را ندارد، چون به نظر علی مفهوم مورد نظر نویسنده را نه تنها انتقال نم‌دهد، بلکه کم می‌کند.»

ولی آیا این حسن یک اثر است، آن هم اثر تئاتری که زبانیه، نشانه‌های مختلف بصری، کلامی است؟ در واقع این نوشتار بیشتر از نقد بر ترجمه آثار هانکه و ترجمه‌هایش به فارسی، به قصد معرفی کتاب دوم و دیگر آثار مجموعه نمایش‌های برگزیده جهان، که صورت گرفته است و البته که باید از همه آنها که در صورت نشر افکار و تجربه در دست چاپ هستند، معرفی و ارائه ادبیات و فرهنگ آلمانی به ایرانی‌ها می‌کوشش می‌کنند قردرانی کرد. زیرا مخاطب فارسی زبان بیشتر از هر چیز نیازمند آن است که این خلا عقب مانده چندساله از برترین شگردها و تکنیک‌های ادبی- تئاتری را هر چه سریع‌تر ببند.



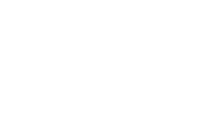
حتی به عنوان یک مترجم مثل یک کوهنورد با فراز و فرود و راه‌های صعب العبور فراوان رویه روست.»- البته ناگفته نماند که علی اصغر حداد نمایشنامه به ارفت و برگشت به ناخست» از توماس برنارد و «بیش توله برای بوریس» را نیز در کارنامه خود دارد. اما مهم‌ترین دلیل ترجمه‌های پوسته و مگر آثار هانکه را «می‌توانی به فارسی ترجمه‌های می‌داند، زیرا اینگونه آثار بیشتر شبیه به «بیماران کلامی» است.

وی دلیل دیگر این ترجمه‌ها را مربوط به لذتی می‌داند که خودش را درگیر آثار این نویسنده اتریشی کرده است. علی اصغر حداد با تظلمت می‌گوید: «کافکا با توماس مان یا گوتگر گراس که ما ایرانی‌ها به فارسی نوشته‌ایم کافکا و گراس و مان متعلق به آلمانی‌ها می‌نست، بلکه اینها نویسندگان خود ما هستند، با در واقع کار همان مترجم‌هاست، چون هیچ ربطی میان آن آثار و ترجمه‌هایی که در اینجا چاپ شده، نیست.» وی درباره ترجمه دیگری که از کاسپار موجود است و چهار سال قبل از ترجمه حداد یعنی در سال ۱۳۷۸، توسط نشر نمایش و به واسطه محسن جلد دوست ترجمه و منتشر شده است، می‌گوید: «به نظر من اگر آقای جلد دوست دست از سر هانکه بردارد و به سراغ متن‌های سبکتری در زبان آلمانی برود شبیه به نفع اوست. زیرا که در این وادی کیفیت کار از کمیت آثار مهمتر است.»

حداد گمان می‌کند که ترجمه جلد دوست از کاسپار دچار اشتباهات فاحش زبانی است. وی معتقد است: «ترجمه جلد دوست را از کاسپار پس از ترجمه و سپردن به دست ناشر خوانده است. این مترجم ادعا دارد: «این ترجمه‌ها را نه تنها در مورد کاسپار هانکه، بلکه در مورد مجموعه آثار کافکا که بازها توسط افراد متفاوتی ترجمه شده نیز انجام داده است.» وی دلیل پرداختن پیش از حد به رمان و داستان‌های هانکه را به خاطر این می‌داند که: «هانکه نمایشنامه‌هایش به شهرت جهانی رسید. آثاری که به عمیق‌ترین شکلی

ریشه‌های زبان آلمانی را مورد بررسی قرار می‌دهد و حتی باعث تحول تئاتر در کشورهای آلمانی زبان می‌شود و در واقع نقد گفتار و فرهنگ نیست به دیگر عناصر ار جریحیت پیشتری دارد، البته حداد از ترجمه جیبی از نمایشنامه‌های هانکه احساس جزع می‌کند، زیرا نمایشنامه «ناخت از روی دریاچه بلده» که محسن جلد دوست در دریاچه کانسپارش به نام اسواری بر روی دریاچه بلده، دکتر نامش کرده، اثری چندپهلوی شگردهای زبانی شگرفی است که «به هیچ وجه نه تنها به فارسی بلکه به گمان من قابلیت برگشت به هیچ زبان دیگری را ندارد، چون به نظر علی مفهوم مورد نظر نویسنده را نه تنها انتقال نم‌دهد، بلکه کم می‌کند.»

ولی آیا این حسن یک اثر است، آن هم اثر تئاتری که زبانیه، نشانه‌های مختلف بصری، کلامی است؟ در واقع این نوشتار بیشتر از نقد بر ترجمه آثار هانکه و ترجمه‌هایش به فارسی، به قصد معرفی کتاب دوم و دیگر آثار مجموعه نمایش‌های برگزیده جهان، که صورت گرفته است و البته که باید از همه آنها که در صورت نشر افکار و تجربه در دست چاپ هستند، معرفی و ارائه ادبیات و فرهنگ آلمانی به ایرانی‌ها می‌کوشش می‌کنند قردرانی کرد. زیرا مخاطب فارسی زبان بیشتر از هر چیز نیازمند آن است که این خلا عقب مانده چندساله از برترین شگردها و تکنیک‌های ادبی- تئاتری را هر چه سریع‌تر ببند.



حتی به عنوان یک مترجم مثل یک کوهنورد با فراز و فرود و راه‌های صعب العبور فراوان رویه روست.»- البته ناگفته نماند که علی اصغر حداد نمایشنامه به ارفت و برگشت به ناخست» از توماس برنارد و «بیش توله برای بوریس» را نیز در کارنامه خود دارد. اما مهم‌ترین دلیل ترجمه‌های پوسته و مگر آثار هانکه را «می‌توانی به فارسی ترجمه‌های می‌داند، زیرا اینگونه آثار بیشتر شبیه به «بیماران کلامی» است.

وی دلیل دیگر این ترجمه‌ها را مربوط به لذتی می‌داند که خودش را درگیر آثار این نویسنده اتریشی کرده است. علی اصغر حداد با تظلمت می‌گوید: «کافکا با توماس مان یا گوتگر گراس که ما ایرانی‌ها به فارسی نوشته‌ایم کافکا و گراس و مان متعلق به آلمانی‌ها می‌نست، بلکه اینها نویسندگان خود ما هستند، با در واقع کار همان مترجم‌هاست، چون هیچ ربطی میان آن آثار و ترجمه‌هایی که در اینجا چاپ شده، نیست.» وی درباره ترجمه دیگری که از کاسپار موجود است و چهار سال قبل از ترجمه حداد یعنی در سال ۱۳۷۸، توسط نشر نمایش و به واسطه محسن جلد دوست ترجمه و منتشر شده است، می‌گوید: «به نظر من اگر آقای جلد دوست دست از سر هانکه بردارد و به سراغ متن‌های سبکتری در زبان آلمانی برود شبیه به نفع اوست. زیرا که در این وادی کیفیت کار از کمیت آثار مهمتر است.»

حداد گمان می‌کند که ترجمه جلد دوست از کاسپار پس از ترجمه و سپردن به دست ناشر خوانده است. این مترجم ادعا دارد: «این ترجمه‌ها را نه تنها در مورد کاسپار هانکه، بلکه در مورد مجموعه آثار کافکا که بازها توسط افراد متفاوتی ترجمه شده نیز انجام داده است.» وی دلیل پرداختن پیش از حد به رمان و داستان‌های هانکه را به خاطر این می‌داند که: «هانکه نمایشنامه‌هایش به شهرت جهانی رسید. آثاری که به عمیق‌ترین شکلی







**یادداشت**

**سجاد صاحبان زند**

یک جورهایی عادت ما شده که یک نفر بپیرد و بعد همه شروع کنند به تعریف و تمجید. شاید بعضی‌ها فکر می‌کنند که تعریف کردن از یک فرد زنده غیر ممکن یا خیلی سخت است. اما انگار مشت نوشتن در مورد یک آدم مرده، تمام شدنی است. بعد از مرگ مارلون براندو یک دهنه مطوعات ما سرویو شد از مطالبی در مورد او با بداهت‌ها، در مورد خور شخصیت این بازیگر محبوب جهانی بود، بعضی‌ها هم فقط برای خالی نبودن عریضه وقتی قرار شد که در مورد براندو بنویسم و کتاب‌هایی که در مورد او نوشته شده، یک جورهایی رخت‌ناشم سریع آن کار بوم براندو برای من اسطوره بازیگری بود، بازیگرش را در فیلم‌های «در بارانداز» «پدرخوانده»، «اینگا اعزازات» و… دوست داشتم، اما چهو افعالی او همیشه پرلیم زیر سایه قرار داشت. انگار او همان فرد صمدان‌زده و بی‌اعلای فیلم‌هایش بود. اما وقتی گفت‌وگو با براندو را خواندم، نظم عوض شد. براندو تبدیل شد به یک انسان قابل لمس و دوست داشتنی

**گفت‌وگو با براندو**

«گفت‌وگو با براندو نوشته لارنس گرایل، دو خصوصیت خیلی مهم دارد. اول اینکه برای کسانی که می‌خوانند، روزنامه‌نگاری را به‌صورت جدی ادامه بدهند، یک کتاب آموزشی است. گرایل در این کتاب به بهترین شکلی وارد ماجرا می‌شود و ما را تا انتها با خود همراه می‌کند. او نشان می‌دهد که یک روزنامه‌نگار، برای انجام یک گفت‌وگو چقدر نیاز به اطلاعات دارد. اطلاعاتی که گرایل در مورد براندو می‌دهد، به‌راستی خبره‌کننده است. به نظر می‌رسد چیزی در زندگی ماران وجود ندارد که نویسنده آن را نداند. مقدمه بسیار جذابی که گرایل نوشته، به هیچ خواننده‌ای اجازه نمی‌دهد کتاب را زمین بگذارد. در فصل دوم، نویسنده شرح حال مختصری از ده روز با براندو را شرح می‌دهد، شرحی که اقتدر دقیق و جذاب است که خواننده با شناخت کامل کلام حرف‌های براندو می‌رود. در اینجااست که اهمیت گفت‌وگوکننده روشن می‌شود. او در فصل اول و دوم، کفای او را می‌سازد که مأمی‌توانیم براندو را جدای از آن تصور کنیم.

اهمیت و جذابیت دیگر گفت‌وگو با براندو این است که ما در این کتاب با نکات ناگفته‌ای از شخصیت براندو روبه‌رو می‌شویم. لارنس گرایل، اقتدر خوب این مصاحبه را تقدیم مکنه ما، نام او به عنوان نویسنده موجه تر جلوه می‌کند. در شروع گفت‌وگو یعنی زمانی که براندو می‌پاییزد که مصاحبه انجام شود، شرط می‌گذارم که فقط در مورد موضوع «سرخوشی» مصاحبت شود. گرایل می‌پیرو و توی

مقدمه‌اش توضیح می‌دهد: «آمادگی‌اش را داشتیم که تا وقتی براندو دلش بخواهد، با او درباره سرخوش‌ها حرف بزنیم. این استراژی من بود. آیس به من گفته بود که وقتی مارلون به حرف می‌افتد، بدون اینکه متوجه باشد، چیزی روگفت نمی‌گذارد» و مصاحبه‌ای که گرایل در اختیار ما گذاشته، تقریباً چیزی در مورد سرخوش‌ها ندارد. او حرف‌هایی را در اختیار خواننده گذاشته که، مورد نیازش است. البته عقاید براندو در مورد سرخوش‌ها، نادیده گرفته نمی‌شود.

**پدرخوانده واقعی**

براندو یک جزیره خریدار است به اسم تامپتی. اوقات فراغتش را توی این جزیره می‌گذراند. این جزیره به غیر از او، ساکنان دیگری هم دارد. گرایل می‌نویسد: «هنگام شام، زنی از اهالی تامپتی به آرامی



گریه می‌کند و معتقد است که مارلون غنایش را تمام کند. مارلون او را می‌بیند و از جا بلند می‌شود. زن، از شوهرش که او را کتک زده، شکایت دارد. مارلون از کلیه بیرون می‌رود. مردک را پیدا کرده و به او اخطار می‌کند که در صورت تکرار این عمل، باید جزیره را ترک کند.

وقتی این صحنه را می‌خواندم، دیدم چقدر شخصیت براندو، شبیه شخصیتش توی فیلم پدرخوانده است.

**او خوش رایک هنرمندمنی بلانست**

لارنس گرایل برای اینکه بتواند رابطه بهتری با براندو پیدا کند، تمام تلاشش را می‌کند که با منشی او مصاحبه تر شود. اسپریتی از اطلاعاتش از این منشی کسب می‌کند. یک روز از او کاروین می‌پرسد که آیا هیچ کدام از فیلم‌های مارلون را دیده‌ است؟ و منشی جواب می‌دهد: «بله. از پدرخوانده خیلی خوشم اومد»

## کتاب

### چهار کتاب از مرکز استان



«مصدق و خاندان مستوفیان آشنایی» «انقلاب اسلامی و رهنمایت فرهنگی»، «مخبرات جبههٔ اسلام پرهادهی» و «رافت سیاسی و نجات سیاسی در جمهوری اسلامی ایران» عنوان چهار کتاب از مرکز استان انقلاب اسلامی است.
«مصدق و خاندان مستوفیان آشنایی» بیست و چهارمین کتاب از سری شخصیت‌ها، در این مرکز انتشاراتی است و نتکاش جدیدی در بیان اصل و نسب خاندان مصدق در ارتباطهای خانوادگی آن‌ها همراه با میزان تأثیر و نفوذ این خاندان در تاریخ معاصر است. «انقلاب اسلامی و رهنمایت فرهنگی» با زیر عنوان تأثیر انقلاب اسلامی ایران به نظر بهای انقلاب، شانزدهمین کتاب از سری کتاب‌های جامعه‌شناسی سیاسی انتشارات مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که توسط محمد شجاعیان تألیف شده، است. «مخبرات جبههٔ اسلام پرهادهی» عنوان سی و اولین کتاب از سری «مخبرات این مرکز است که توسط عبدالرشاد احمدی و سیدمحمدهمید حسینی تدوین شده است.
کتاب اولیبت سیاسی و نجات سیاسی در جمهوری اسلامی نیز عنوان بیازدهمین کتاب از سری «آشنیه سیاسی» مرکز اسناد انقلاب اسلامی است که توسط دکتر غلامرضا عواجیه سرری تألیف شده و می‌گردد خلی را که در زمینه مطالعه نیات و رقابت سیاسی وجود دارد، برطرف کند.

### مارلون براندو از پنجره دو کتاب

## پلان آخر براندو

مقدمه‌اش توضیح می‌دهد: «آمادگی‌اش را داشتیم که تا وقتی براندو دلش بخواهد، با او درباره سرخوش‌ها حرف بزنیم. این استراژی من بود. آیس به من گفته بود که وقتی مارلون به حرف می‌افتد، بدون اینکه متوجه باشد، چیزی روگفت نمی‌گذارد» و مصاحبه‌ای که گرایل در اختیار ما گذاشته، تقریباً چیزی در مورد سرخوش‌ها ندارد. او حرف‌هایی را در اختیار خواننده گذاشته که، مورد نیازش است. البته عقاید براندو در مورد سرخوش‌ها، نادیده گرفته نمی‌شود.

پدرخوانده واقعی
براندو یک جزیره خریدار است به اسم تامپتی. اوقات فراغتش را توی این جزیره می‌گذراند. این جزیره به غیر از او، ساکنان دیگری هم دارد. گرایل می‌نویسد: «هنگام شام، زنی از اهالی تامپتی به آرامی جواب می‌دهد: «بله. از پدرخوانده خیلی خوشم اومد»
مقدمه‌اش توضیح می‌دهد: «آمادگی‌اش را داشتیم که تا وقتی براندو دلش بخواهد، با او درباره سرخوش‌ها حرف بزنیم. این استراژی من بود. آیس به من گفته بود که وقتی مارلون به حرف می‌افتد، بدون اینکه متوجه باشد، چیزی روگفت نمی‌گذارد» و مصاحبه‌ای که گرایل در اختیار ما گذاشته، تقریباً چیزی در مورد سرخوش‌ها ندارد. او حرف‌هایی را در اختیار خواننده گذاشته که، مورد نیازش است. البته عقاید براندو در مورد سرخوش‌ها، نادیده گرفته نمی‌شود.

پدرخوانده واقعی
براندو یک جزیره خریدار است به اسم تامپتی. اوقات فراغتش را توی این جزیره می‌گذراند. این جزیره به غیر از او، ساکنان دیگری هم دارد. گرایل می‌نویسد: «هنگام شام، زنی از اهالی تامپتی به آرامی جواب می‌دهد: «بله. از پدرخوانده خیلی خوشم اومد»

**از آمریکایی بودن خجالت می‌کشم**

اصلاً فکرش را نمی‌کردم که براندو این همه به نقدسیاست‌های آمریکا پیروزاد. او مرتباًسیاست‌های آمریکا در مورد جنگ ویتنام، سرخوش‌ها، سپاهیوست‌ها و سیاست داخلی‌اش را به انتقاد می‌گیرد. او می‌گوید که آمریکا به دلیل مسائل مادی به ویتنام حمله کرد و بقیه‌اش همه، کشتکه.

«دولت آمریکا به سرخوش‌ها تیراندازی کرده، اونهارو کشته، گرسنه نگهشون داشته سعی کرده روح و روان اونهارو سرکوب کنه، بچه‌هاشون رو زده‌بده و… این چیزها منو عصبانی می‌کنه. از آمریکایی بودن خجالت می‌کشم، شرمندهای از دیدن خون‌عاش خودم که اگر حقوق بشر مفهومی داشت.»

گرایل اما بعد از مصاحبه هم براندو را دنبال می‌کند و در مورد اینکه او می‌خواهد فیلم نامه‌اش را بنویسد، پیش‌بینی می‌کند: «اما اگر این پروژه تیز به سرنوشته سریال تلویزیونی اولین آمریکایی ما دچار شود و با پیش‌رفتی مثل فیلم‌نامه جنیتی تاهیتی دزد دریایی او داشته باشد…» هیچ وقت نوشته نمی‌شود. اما این

### خبر

### نمایشی درباره کتاب در فرهنگسرای نیاوران

اگرچه در سال‌های گذشته برخی نمایش‌ها با مضمون کتاب به روی صحنه آمدند، اما تاکنون سابقه نداشته که نمایشی با محوریت کتاب نوشته و به صحنه آید. بنابراین اجرای نمایش «حرفه‌ای‌ها» نوشته کواچویچ و به کارگردانی بابک حمیدنی با بازیگری رضا کیانیان، مریم سعادت، احمد حاجتیان و محمود اکبرشاهی از این منظر قابل اعتناست.

داستان در اداره کتاب با همان میزبانی کشور یوگسلاوی می‌گذرد و یکی از اهل فرهنگ که در دوران تیتو سخنران قهاروی بوده، به ریاست این اداره منصوب شده و کار برسمی کتاب‌ها را بر عهده دارد. در همین حین ما مور بازنشسته امینتی با چمدانی از کاغذ و نوشته وارد شده و ضمن اعلام آشنایی با رئیس اداره میزبانی به وی می‌گوید که



زندگی نامه نوشته شده، چراکه اسطوره بازیگری دلش می‌خواست در فضای مکتوب همه‌کاره ما جای بگیرد. زندگی داشته باشد.

**آوزهایبی که ما مردم به من آوخت**

این کتاب با دو ترجمه در بازار کتاب ایران، موجود است. یکی را ابوالفضل حاج حبیبی ترجمه کرده و نشر فردوس منتشرش کرده و دیگری ترجمه یکی کریمی است و توسط نشر فرزان روز منتشر شده است. «آوزهایبی…» نیز درست به مانند کتاب اول، مجموعه یک سری گفت‌وگو است. اما این بار سردبیر سابق نیویورک تایمز آن را به‌صورت یک زندگی‌نامه تنظیم کرده است. براندو بر جزاین کتاب، نظارت داشته است و تمام نکات آن را زندگی خودش یکی می‌داند. خیلی جالب است، بازیگری که همیشه از حرف زدن در مورد خودش، متنفر بود، روزی زندگی‌نامه‌اش را منتشر می‌کند.

«آوزهایبی…» دارای جزئیاتی از زندگی براندو است که قبلاً در هیچ جایی بازگو نشده است. پدر براندو هم، مثل چاپلین پسرش را مرتباً تحقیر می‌کند، مادرش یک دائم الخمر است و او همیشه در جست‌وجوی کسی است که دوستش داشته باشد؛ «دوستان زیادی داشتم، هم دختر، هم پسر، اما از نظر معلم‌ها و والدین بچه‌ها، یکی از بچه‌های بد مدرسه بودم و آنها دوستم نداشتند…» مادرم بیرون مشغول می‌خواند، در نتیجه، همیشه صحبت و وفاداری و دوستی را در حیوانات می‌جستم.

براندو در این کتاب نشان می‌دهد که برای بازیگر شدن چه تلاش‌هایی انجام داده و همین‌جوری توده که مطرح شده است…» او همکاری خویش با لیاکاژان و دیگران می‌گوید. زیارت لندربی به راستی، با توصیف‌هایش شکل‌گیری یک اسطوره و سپس فروپاشی‌اش را توضیح می‌دهد. مردی که تنها بود

### کتابخانه

شماره ۱۸۵، تاریخ ۲۰ تیر ۱۳۸۳



## کفت و گو

امیر حسین شرافات
سید حلیق طاموسی

# مکتوبات دینی

## جوانه های مناسب برای نیازهای جدید

**به نظر حضرتعلی وضیعت مکتوبات دینی از نظر کمیت چگونه است و آیا این آثار توان رقابت با آثار غیر دینی را دارد؟**

اطلاعی آموی از تعداد مکتوب دینی منتشر شده ندارم. اما مسأله به قدری شفاف است که بدون در دست داشتن آثار چاپی و منتشر نمی توان از چگونگی آن پاسخ داد. با توجه به اطلاعات من در محدوده نشریات ادینی از مشکلات در این زمینه تریج مکتوبات دینی است. هر چند که در بخش تولید نیز داری اشکالاتی می‌رست.

آمرهای کتب که به لحاظ غلظت و نیاز اجتماعی ماکمو نندارند! و شگفت‌انگیز مردم به مکتوبات دینی خرم می دهد که در یکی دو سال اخیر بسیاری از ناشر گر کرده غیر قابل پیش بینی بود. به لحاظ نیاز در داخل و خارج تقاضای عمومی نسبت به این مکتوبات زیاد است. اما بخش قابل توجه مشکل در عرصه توزیع است که من نمی‌توانم جزئیات هر یک چونجه صورت می گیرد و یا مدیران فرهنگی چه مطالعات و پیرامنه‌های نسبت به این مسأله دارند.

اما در حوزه تولید مشکل بیشتر به موبدین و مراکز آموزش فکر دینی، و نیز به کمیت ورودی های حوزه علمیه و به نبودنهای آموزشی آنها بازمی گردد. آموزش های حوزه باسختگی نیازهای مختلفی پیدا یابد که بعضی از آنها به عرصه نوسندگی برمی گردد در یک نظر کلی حوزه های آموزش علمیه در قیاس به نیاز های فرهنگی جامعه مناسب است. از نظر کمیت و عرصه‌ها کیفیت بخش اعظمی از استعداد های جامعه جذب مراکز فرهنگی دیگری نشده دانشگاهها می شود بخش کثرتی به حوزه های علمیه جذب می شود. بخش وارد بحث کیفیت شایدها به توجه به مراکز متعددی که در ام آموزش بسیار فعال هستند، ازبانی شما از آثار دینی از نظر کیفی چگونه است؟ آیا ما در خصوص آموزش مشکل داریم؟

آموزش های حوزوی سنتی است و در مسیر عودش به فقه و اصول و ادبیات کلاسیک حوزه دینی توجه دارد. البته این نقض آموزش کلاسیک حوزه علمیه نیست، بلکه نقطه قوتی است که کسی که به حوزه علمیه وارد می شود، می تواند با فراگیری ادبیات کلاسیک حوزه به ذخیره های فرهنگی جامعه دسترس ی پیدا کند و آنها را بخواند و تحلیل و تبیین کند. چنانچه اگر کسی تنها با آیینیات معاصر آشنا باشد، نمی تواند چنین انجام دهد. حفظ این زبان کلاسیک یک نقطه قوت خوبی است. ولی کافی نیست و ما مراکز برای آموزش در حوزه ادبیات معاصر و یا سایر حوزه ها داریم یا نیازها را بر طرف سازد. یعنی آموزش های حوزوی در چارچوب کلاسیک است که فی حد ذاته عیب نیست، فقط کم است که در این جهت به مدیریت کلان فرهنگی حوزه و نیز کمبود امکانات در آن بازمی گردد و از طرفی حجم نیاز جامعه نسبت به حوزه های علمیه بسیار زیاد است.

آیا سیستم فعلی جوایگوی نیازهای جامعه هست یا اینکه باید ساختار آن عوض یا حداقل اصلاح گردد و در آن تجدید نظر شود؟

بدون شک باید ساختار جدید به آن داد. مسائل حوزه علمیه حساس است، حوزه حساس ترین بخش فرهنگی

آمیباید است و در این بخش نقاط قوت به شدت آسیب پذیر است و هر تفسیری باید با احتساب این نقاط

قوت و در جهت بسط و گسترش آن باشد و اگر غیر آن

باشد، اولاً تضعیف هسته ها و ریشه های معرفتی فرهنگ

دینی جامعه، هویت فرهنگی و تاریخی، گرفتار آسیب

می شود و ثانیاً، استمرار سنت دینی که پاسختگوری نیاز فرهنگی و نظری بشریتی است که به بحران هویت گرفتار آمده است، قطع می گردد. ثالثاً، حوزه نیز هنگامی که احساس خطر کند در جهت دفاع از کبان خود اقدام می کند و به دلیل این که حوزه به رغم دور بودن از سازمان های رسمی علم و محرومیت امکانات مدیریتی، دارای ارتباطات فرهنگی و تاریخی با مردم است، نفوذ حوزه در نه نامدتها با درازمدت تنش های اجتماعی

سختی را به دنبال می آورد.

**آیا نقاط ضعف بیشتر در خروجی های حوزه دیده می شود؟**

کسانی که وارد عرصه مکتوبات دینی در حوزه می شوند بر روی توانمندی های شخصی تکیه می کنند و چندان سیستماتیک نیستند، و حوزه یک سیستم فعال برای این بخش تعییه نکرده است. علاوه بر خروجی ها، به ورودی های حوزه نیز باید تهم نگاهمان داشت که بعضاً حوزه ورودی های کافی و مناسب ندارد.

به توجه به اینکه بیشترین اوزار تبلیغاتی و اطلاع رسانی به نومی در دست حوزویان است و با تکیه بر این مسأله که



**کسانی که وارد عرصه مکتوبات دینی در حوزه می شوند بر روی توانمندی های شخصی تکیه می کنند و چندان سیستماتیک نیست**

**حوزویان از ارکان حکومت دینی هستند، چگونه است که حوزه علمیه در این جهت دارای نقصان و کمبود است؟**
این استدلال که چون حاکمیت دینی است و حوزه مرکز تولیدی دینی جامعه است، پس بیشترین ابزار تبلیغاتی جامعه در دست حوزه علمیه است، استدلال نامی نیست. بلکه حاکمیت، حاکمیت دینی است. ولی در زمینه ارتباطات و تبلیغات تأثیر گذار، عوامل متعددیگری وجود دارد. مثلاً آموزش های هنر، نقش اول را در شکل دهی محتویات برنامه های تبلیغاتی و تلویزیونی بخش شده، ایفا می کند. اما در همین مراکز آموزشی باید دید که هویت دینی چه مقدار تأثیر گذار بوده است. وقتی ما نتوانسته ایم وارد این عرصه شویم، هر چند که نام قدرت نیز در دست ما باشد، با کدام وسیله و ابزار می توانیم تبلیغ کنیم. علاوه بر اینکه سیستم آموزشی حوزه سنتی است و برای برخی مسائل چون فقه و اصول

که در عرصه زندگی خصوصی مردم دخالت دارد، جوایگ است.

حوزه های علمیه در قبال از انقلاب در عرصه مسائل کلان فرهنگی نه راهی داشتند و نه اجازه ورود به آنها داده می شد. ولی حوزه ها در انقلاب و در شکل گیری حکومت دینی دخالت مستقیم داشتند. در این دوره، حوزه ها باید، خردهای موجود در عرصه جامعه و فرهنگ را تأمین کند و این نیاز به برنامه ریزی صحیح و دقیق دارد. چنانچه حوزه بخواهد وارد این عرصه شود، نیاز به

مدیریت فرهنگی منسجم است و حوزه سنتی عهده دار این مدیریت فرهنگی نیست و حاکمیت دینی باید در این عرصه تلاش کند و مدیریت فرهنگی را در جامعه برنامه ریزی و پایه گذاری کند.

حاکمیت دینی با ایجاد نیازها و جاذبه های گوناگون بدون آنکه ورودی های حوزه را تأمین کند، خروجی های آن را زیاد کرده است و این مسأله شره راهی را نیز به حوزه های علمیه زده است و آنها را از تیرهای خوش فکر حوزوی خالی کرده است و افراد زیادی را از آن خارج کرده، چنانچه اگر برای این موضوع تکریم نشود بعد از یک نسل این حوزه سنتی را نیز نخواهیم داشت.

**یعنی شما فکر می کنید برای پاسختگی به نیازهای جدید باید حوزه جدیدی در کنار حوزه سنتی ایجاد کرد؟**

در کنار ته تومند حوزه سنتی، و نه جدای از آن باید مناسب با ادبیات روز ایجاد شود. البته برای این مسأله برنامه ی چند کلاس و فراگیری چند نقطه، کافی نیست؛ بلکه ادبیات دینی در علوم انسانی باید حضور به هم رساند. تا کارشناسان مناسب با این علوم پرورش داده شوند، نوشتن آخرین فده است. ادبیات دینی مسأله مهم سطح، فعل و فاعل و جندنا تفه ویرگون و گمان است. هر چند که این امور نیز در جای خود لازم است. اما کسانی که به این امور می پردازند نباید خود را متکفل آیینیات هادش های مدرن نیزستند. ادبیات حوزه به معنای فراگیری نظریه ها و که از اثرها، بیانهای معرفتی دینی در عرصه های مختلف نظری باید می آید و این محصول نتیجه یک تلاش صحنی تگری و علمی است.

شما فکر می کنید صرفه از آثاری که با مؤلفه های

مورد نظر شما تألیف شده است، زبان و بیان و قابلیت ترجمه دارد و در یک کلام مخاطب جهانی دارند؟

به رغم کاستی های موجود در حوزه، در دهه جدید

حوزه تحولی جندی پیدا کرده است و تولیدات بسیار خوبی در عرصه مسائل جدید دینی تولید شده است و پاسختگوری طلب جوان در این عرصه بسیار خوب بوده است. اما در زمینه توزیع این تولیدات باید تفری کرد. هم که نظر شما در این جهت، به عنوان یک مخاطب جهانی بودند؟

آیا نمی توان گفت که مطالب تولیدی در اندیشه دینی خریدار ندارد و لذا در اثر این مانده و توزیع نمی شود؟

نه خیر، ما بیشتر مشکل توزیع داریم و حمایت های نوسندگان حوزوی نعلی نمی گیرد. مواردی که باید، به می شود مسیر کانال صحیحی را طی نمی کند و گاه نیز آثار منفی می گذارد.

با روجه به گذشته تاریخی کشورمان می بینم در برخی از دوره ها در عرصه تولید فکر دینی سرآمد فرهنگ و تمدن جهانی بوده است و این تولیدات تفری به محافل متعدد و خارج از ایران راه یافته و ترجمه شده است. ولی اکنون از آن گذشته بر افتخار اثری نیست. ازبانی شما از این وضعیت چیست؟

م. ر. ا. س. ه

دوره های مختلف با هم دیگر، غیر قابل قیاس است. چرا که

اندیشه یان متفاوت از گذشته است. در

گذشته بیشترین آسیب های تفری دینی

است. از جانب مسئولان

انها را به نحو شایسته جذب کرده و یا از آنها استفاده کنیم

حمید پارسائیا مولد ۱۳۳۷ شهید است. وی مراحل مقدماتی و سطح را در حوزه علمیه مشهد و تهران گذراند و از سال ۱۳۶۰ به حوزه علمیه قم وارد شد.

تألیقات، تریورات و مقالات وی در حوزه فلسفه، عرفان، فقه، اصول و علوم اجتماعی و سیاسی است. از

حجت الاسلام پارسائیا آثاری همچون: حدیث پیمانہ (زوجهنی در انقلاب اسلامی ایران)، علم و فلسفه، سنت امپراتوری و علم، عرفان و سیاست، هفت صوم

اصلاحات، هستی و وجود منتشر شده است.

ازبانی آثار دینی، جایگاه نقد و نبضت تریه علم از موضوعاتی است که در گفت وگو با وی مطرح شد



نظامی بود. اما در صد ساله اخیر با یک کلون فرهنگی در سطح مختلف روبه رو هستیم. مرجعیت دینی برای برخی از ارکان فرهنگی موجود جامعه در صد ساله اخیر آسیب دیده است. وضع فعلی ما قابل قیاس با آن شرایط نیست. نه نقاط قوت و نه نقاط ضعف ما هیچ کدام از آن سخت نیست.

**آیا می توان از تولید راه داد که افکار و تمدن اسلامی (بهصحت تولید علم) در شرف رفقی است؟**
در این سنیز چند، هفتاد، آرا و نقد مورد تهمی چگونگی است و به حمایت دیگر حضور فعالی چه جایگاه برای نقد چندی در حوزه آثار دینی با توجه به تحولان جدید، قابل حسیده؟

بدون تردید تکریت و در زمان عملی تضارب آرایش

از گذشته است و تضای علمی جامعه تحمل شیدان

حرف مخالف با بیشتر از گذشته دارد، به طوری که

دینی را به چالش کشیده و حتی وارد مزای نظری در

این زمینه نگه و آن راه چالش وادانسته است.

اما به این نکته باید توجه داشت که در عرصه نقد،

تقدسکند، شونده در همه علوم عرصه های تخصص با عرصه

ترویج و نشر و تبلیغ قوت دارد و به همین دلیل ماهیت

شریبات تخصصی و ترویجی متفاوت است. دین به دلیل

ماهیت خود از عرصه تبلیغی وسیعی برخوردار است.

ضمن آنکه عرصه تحقیقی خود را نیز داراست. لذا نباید در

دو حوزه و به صورت مجزا در آثار دینی، نقد صورت

عرصه باشد. دیگر در عرصه مباحث تخصصی متون

تخصصی دینی، مانند متون فقهی مجمل تعصبات است

و در متون دیگر همچون کلام و فلسفه نیز وضع به این

گونه است. چنانچه این مرزها رعایت شود، فقط مغزانی

شبه نه تنها کم نظیر بلکه در دوره بر دشمن با نقد، می تغییر

است. چرا که نظر یکی از مبانی استدلالی شیعه و پیغمبر

پا می است. البته این نظریه ای که قضا ک حالت ایستا

در مقابل قد دانسته باشد، یک جورش حلومی رود و حتی

راههای نقد را قی از اینکه با طرف دیگران نقدی صورت

گیرد طی می کنند. اما کسانی که به نقد می پردازند، بیشتر

در حوزه تبلیغ به نقد در حوزه تخصصی وارد می دهند و

تقدهای تخصصی را بیشتر در محیط های غیر کلیتیک

عنوان می کنند. همین دلیل مدیریتین تقدها در حوزه

تخصصی متون و مباحث دینی نمی آید، بلکه در عرصه

زوربایستی و در عرصه فرهنگ سازی و به منظور مقابله با

اندیشه دینی مطرح می شود.

به عنوان سؤال چینی نظر شما در مورد جواز نقد و نشر

مکتوباته دینی چیست و از نظر تفری و کیفی و کمی این جایگاه

را چگونه ارزیابی می کنید؟

در تطبیقاتی نباید نمود. جایگاه چگونگی دارد

فرهنگی دارای مقم جسمی است و انتظارات خاصی نیز از

آن می باشد. این جایگاه با توجه به تبلیغات وسیع شناگان

است که اساساً و معقن بزرگی در قم جمع شده حاضر

به ترک آن نیستند. اسامید، محصر به فردی از آموزش

و تعلیم و تعلم به خود جذب کرده و علناً استعدادها و

ظرفیت های جهانی به سوی قم در حرکت است. ولی

متأسفانه مادر مقلان این ظرفیت ها صیج نشده و نمی توایم

انها را به نحو شایسته جذب کرده و یا از آنها استفاده کنیم



## آشنایی با جشنواره کتاب سال حوزه

حوزه‌های علمیه شیعی از آغاز تأسیس تاکنون خدمات بسیاری به جهان اسلام و تمدن انسانی ارائه کرده‌اند. یکی از مهمترین وظایف این نهاد ریشه‌دار، اطلاع‌رسانی در زمینه علوم و فنون دینی است و نیز تربیت کسانی که قادر به تولید و دانش و پیشبرد اهداف علمی حوزه باشند.

این وظیفه و هدف، در تولید آثار ظهور و نمود پیدا می‌کند که پیشتر «رساله» می‌نامیدند و اکنون مقاله، کتاب و محصولات نوشتاری حوزه، عمری به درازای تاریخ علوم دینی دارد و اکنون نیز بررسی و ارزیابی نقش علمای دین، تألیفات و تصنیفات ایشان، پیش از هر عامل دیگری منوط می‌گردد بدین روش، نقد و داوری درباره آثار علمی حوزه‌ها، ضروری بود.

در این جهت جشنواره کتاب سال حوزه در سال ۱۳۷۷ تأسیس گردید. این نهاد حوزوی از نظر تشکیلاتی زیر نظر معاونت پژوهشی مرکز مدیریت حوزه علمیه قم است و با نام دبیرخانه کتاب سال حوزه شناخته می‌شود.

**اهداف:** حوزه علمیه قم از راه‌اندازی کتاب سال حوزه هدف‌هایی را پیگیری می‌کند برخی از آنها عبارت‌اند از:

گسترش و تعمیق فرهنگ تحقیق و پژوهش در حوزه معرفی آثار برتر حوزویان در زمینه‌های تألیف، تحقیق و ترجمه تعیین هرم علمی آثار حوزویان ساماندهی فرآورده‌های پژوهشی و شناسایی موضوعات و زمینه‌های پژوهشی شناسایی و معرفی پژوهشگران و نویسندگان برتر حوزه‌های علمیه شناسایی پژوهشگران جوان و تقویت انگیزه‌های تحقیق و پژوهش در نسل جوان حوزه

**کارنامه پنج ساله**

اولین فراخوان و همایش کتاب سال حوزه در سال ۱۳۷۷ برگزار شد. در پی آن فراخوانی و انتخاب آثار برتر همه ساله ادامه یافته است.

مجموعه آثار رسیده به دبیرخانه کتاب سال حوزه از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۲ بیش از دوهزار و هشتصد عنوان کتاب است. از میان آثار رسیده به دبیرخانه کتاب سال حوزه ۲۰۲ اثر به عنوان کتاب برگزیده حوزه انتخاب شده‌اند. تعداد کتاب‌هایی که رتبه اول را کسب نموده‌اند، ۲۵ عنوان است. ۷۳ عنوان حائز



مرحله دوم با ارزیابی سه کارشناس در موضوع مربوط برای هر کتاب ادامه می‌یابد. در این مرحله پیش از یکصد ارزیاب حضور دارند. پس از اعلام نتایج داور، کتاب‌هایی که حد تصاحب لازم، یعنی حداقل نمره ۸۰ را کسب کرده باشند (میانگین رتبه ۹۰ تا ۱۰۰، رتبه دوم ۸۵ تا ۹۰ و رتبه سوم ۸۰ تا ۸۵ است) در کمیته داور، گروه مربوطه، مورد بازبینی و توزیع قرار می‌گیرند.

داوری کتاب‌های برگزیده هر گروه، با بازبینی و شور مجدد در شورای مدیران علمی گروه‌ها و تصویب و تأیید نهایی این شورا پایان می‌گیرد.

دبیرخانه کتاب سال حوزه در قم، بپلوار امین، بپلوار جمهوری اسلامی، ساختمان مدرسه معصومیه، معاونت پژوهشی، قرار دارد.

### خبر

## میزگرد بررسی مشکلات نشر در حوزه دین



**قم، خبرنگار کتاب هفته،** میزگرد بررسی مشکلات نشر در حوزه دین با حضور جمعی از صاحب‌نظران پنجشنبه (۹ تیرماه) برگزار شد. در این نشست که محمدعلی شعاعی (معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) محمد مختاری (پژوهشگر) سید محمود حسینی (مدیر عامل ناحیه نشران) محمد استدیاری (پژوهشگر) ابوالقاسم سعیدی (ناشر) و محمد سمعی (دبیر جلسه) حضور داشتند، مشکلات نشر در حوزه دین مورد نقد و بررسی قرار گرفت.

در آغاز جلسه محمد سمعی با اشاره به جلسات گذشته که پیشتر به نقد و بررسی کتاب مربوط بود، جلسه حاضر را میزگردی عام و برای بیان ناگفته‌های نشر دینی از زوایای مختلف برشمرد. سمعی زوایای مذکور را شامل محتوا، جایگاه، میزان کتاب‌سازی، شکل کتاب هنگام انتشار، کیفیت ارائه، حمایت‌هایی که به طور ویژه از این حوزه صورت می‌گیرد، اقتصاد نشر، گونه‌های مختلف نشر دینی، گستره آن و... عنوان کرد.

مدیر خانه پژوهش قم، رویکرد جلسه را بررسی مشکلات غیر صنعتی و توجه به مسائل کلان نشر دینی عنوان کرد. سخنران بعدی محمدعلی شعاعی بود. وی با تأکید بر اهمیت کتاب علم رفعم توسعه سایر وسایل ارتباطی گفت: کتاب تنها کالا در حوزه فرهنگ و ارتباطات است که با فاخر رابطه‌ای خاص پیدا می‌کند هر چند که تصور می‌شد با مطرح شدن اینترنت و سایر ابزار پیشرفته، از اهمیت کتاب کاسته شود، اما در عمل هنوز این کتاب آغازی است که حرف اول را در عرصه

فرهنگ می‌زند. شعاعی با تقسیم‌بندی کتاب دینی به سه نوع کتاب دینی تخصصی برای متخصصان علوم دینی، کتاب دینی با مخاطبان عام (مثل رساله‌های علمی، مناسک، تاریخ و سیره و...) و کتاب‌های دینی با ادبیات جدید، خواستار توجه جدی به تولید آثار دینی پر محتوا با ادبیاتی نو و قلابی جذاب شد.

معاون فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با رد نظریه افرادی که مشکل نشر دینی را کمبود حمایت دولتی می‌دانند، افزود: طبق آمار، گردش مالی حوزه نشر، چهل برابر آن چیزی است که تحت عنوان حمایت دولت از آن یاد می‌شود. بنابراین نمی‌توان مشکلات نشر را حمایت با عدم حمایت‌های دولتی برشمرد.

شعاعی ادامه داد: به نظر من عشق و علاقه به کار نشر به خصوص نشر دینی مهمترین دلیل موفقیت آن است و کتابی موفق است که خودش عامل فروش خودش باشد.

وی تولید محتوای رایجی از عوامل اصلی چالش‌های جدید نشر ایران در عرصه جهانی ذکر کرد.

محمد علی شعاعی، توجه غیر هنری، غیر جامعه‌شناسانه و غیر روانشناسانه به جنبه‌های معنوی نشر دینی را از مشکلات دیگر برشمرد و خواستار توجه جدی به محتوای آثار دینی شد.

وی در پایان با اعلام حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از پژوهشگرانی که به طراحی و تولید پیام‌های مناسب اقدام می‌کنند، خواستار یافتن علاه‌ها

گفت و نوشت مگر اینکه خوب و یا دقت نداشت. استفادای اصفه کردید در این عرصه نادرست تخریب کرده و می‌کنند. نتیجه جمله‌ای دارد که: «دشمنی که مراه از پانزده مرفاوی نرسازد» به نظر من در سال‌های اخیر علی‌رغم وجود کارهای بعضاً قوی و مفید، کارهای ضعیف، بازاری و عوام‌پسند نیز حوزه دین بسیار انجام شده و کارنامه چاپ و نشر در حوزه دین بی‌ار نیست و یکی از دلایل آن این است که برخی تجارت فرهنگ می‌کنند.

استدیاری کارهای انجام گرفته در نشر دینی در ۲۵ سال اخیر را به دو بخش مفید و مهم تقسیم کرد و گفت: در زمینه کارهای مهم مثل دایره المعارف‌ها، دانش‌نامه‌ها و تولیداتی که مخاطب خاص دارند تا حدودی موفق بوده‌ام اما در حوزه کارهای مفید که مخاطب طیف وسیعی از خوانندگان هستند، موفقیت چندانی نداشته‌ام.

یدالله سعیدی عناصر اصلی چرخه نشر را تولیدکنندگان، ناشران و مصرف‌کنندگان ذکر کرد و گفت: عدم وجود کارهای جدی در حال حاضر، بی‌توجهی به مؤلفان و پدیدآورندگان دینی در نتیجه جذب آنها به مؤسسات و مراکز و نهادهای دولتی و عمومی است که نتیجه آن انجام تحقیقات و کارهای مورد نظر مراکز و مؤسسات و عمل به سلیقه و خط مشی آنها و دور شدن از خلاقیت و نوآوری و مبتلا شدن به روزمرگی و کار برای تأمین و امر معاش است.

سعیدی عوام‌زدگی را آسیب جدی نشر دینی برشمرد و خواستار شفاف‌سازی و اطلاع‌رسانی صحیح در نشر دینی شد.

سید محمود حسینی به نحوه صدور مجوز نشر اشاره کرد و گفت: بسیاری از مشکلاتی که امروز گریبان نشر را گرفته ناشی از عدم رعایت ضوابط در صدور مجوز است. حسینی شرط چاپ حداقل چهار کتاب و نبود اطلاع‌رسانی درست از بازار کتاب را از عوامل وجود ناشران حرفه‌ای و غیر متخصص ذکر کرد و خواستار کاهش حمایت‌های صنعتی ناشران شد. نشست مزبور بعد از ظهر پنجشنبه با زدهم تیرماه در خانه پژوهش قم برگزار شد.

### نشر دلیل ما منتشر کرد

### سلیمان نبی در آینه ادب فارسی

کتاب پژوهشی است درباره سلیمان نبی که در یک مقدمه و پنج بخش فراهم آمده است. مقدمه شامل زندگینامه مختصر حضرت سلیمان و شرح لغوی نام وی، بخش اول با عنوان «آیا جمشید پادشاه ایرانی و سلیمان پیامبر بنی اسرائیل شخصیتی واحدند یا غیره» و بیان موارد اختلاف و اشتراک این دو. چهار بخش بعدی با عناوین: سلیمان در آینه تاریخ، سلیمان در ادب متون، سلیمان در داستان‌های قرآنی و سلیمان در ادب منظوم فارسی آورده شده است.

کتاب سلیمان نبی در آینه ادب فارسی، نوشته طاهره موسوی گرمزوری در شمارگان ۲۰۰۰، توسط انتشارات دلیل ما به بازار آمد.





## تازه‌های نشر

شرق، نسخه‌ای دیگر از «ریاضیات خپام» شامل نودریاضی‌باوری‌پیش و پیش‌گفتار فرشد اقبال و خطاطی دادو کریمی توسط انتشارات اقبال به بازار کتاب عرضه شد.

**میراث خیره**، اشعار سعید زاکانی، شاعر طنزپرداز قرن نهم، هفتم در قالب نمایشی با عنوان «معما» توسط سیده نظری پور در دومین جلسه نمایش‌نامه خوانی بنیاد آفرینش‌های هنری نیاروان، ۲۰ و ۲۱ تیرماه خوانده می‌شود.

**اینها**، کتاب تجزیه و تحلیل نظامی با عنوان «دولت‌فکار»

توسط دوتن از کارشناسان ستاد مشترک ارتش تدوین و از سوی مؤسسه انتشارات هفت منتشر شد.

**کتاب هفته** ۲۲ پانزدهم ماه بهر قرآنی در مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری با حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر می‌شود.

**جوانان** کتاب داستانی ایران به خط میرعبده‌التر جوادانه میرعباد الحسینی فرزند سوزی است.اشعارات انجمن خوشنویسان ایران به بازار کتاب عرضه شد. **ایستاد** جاهدجهان‌شاهی، دو نمایشنامه خون در گلوه و «دلال مجننه» اثر اورتر فاینلندر را ترجمه کرده و بزودی توسط نشر دیگر منتشر می‌شود. همچنین او ترجمه دو نمایشنامه «زیس جمهور» اثر «توماس برنهارد» و «کتاب دل‌پایس» اثر «فرانکو یوسو» را به بازار رسانده است.

**چام چم**، نشر نوس که به خاطر چاپ مجموعه کامل آثار جعفر با ترجمه سرروز استیاتیان در سال ۱۳۲۲ جایزه سال جمهوری اسلامی ایران را از آن خود کرده، بزودی مجموعه مکاتبات این نویسنده را منتشر می‌کند.

**ایکتا**، چهارمین و پنجمین کتاب از سری تفسیر موضوعی قرآن کریم با عنوان‌های «وفات و دوسنی از دیدگاه قرآن و روایات» و «جوسل و شفاعت از دیدگاه قرآن و روایات» توسط گروه تحقیق مؤسسه قرآنی تفسیر جوان منتشر شد.

**بانی قیلم**، کتاب «راکتراسیون» نوشته اکت کتاب» با ترجمه هوشنگ کامکار توسط انتشارات افکار منتشر شد. این کتاب با وجود تمرینات پایانی در هر فصل آن، یکی از معتبرترین کتاب‌های درسی موسیقی در دانشگاه‌های دنیا است.

**مهر**، بیوک گلکنی، شاعر و نویسنده کودک و نوجوان، تصویرگرگی مجموعه شعر «سم توخنی بهار «سروده «حمید هنر جو» را به پایان رساند.

**آفتاب** بزود، مجموعه شعر «صدای سبز» سروده دکتر سیدعلی موسوی گرم‌رودی بزودی توسط انتشارات قیابانی منتشر می‌شود.

شرق، چاپ چهارم کتاب «زندگی کوتاه است، نامه‌ای به قیاس» آگوستین آرا یوستین گوردو» توسط نشر فروزان روز منتشر شد.

**توسعه**، محمد قاسم‌زاده مجموعه قصه‌های کهن ایرانی را با عنوان «صدای شهرزاد» در قالب چهار جلد با موضوع‌های داستان‌های عاشقانه و زنان، داستان‌های جنایی، داستان‌های ماجراجویی و داستان‌های طنز به پایان رسانده است.

**بانی قیلم**، کتاب «صمدبهرنگی» نوشته کیوان یازن از مجموعه تاریخ شفاهی شعر ادبیات معاصر ایران، با موضوع بررسی زندگی، شخصیت، افکار و اندیشه‌های صادق‌بهرنگی بزودی توسط انتشارات روزنگار منتشر می‌شود.

می‌شود.

**سیاست روز**، کتاب «آشنایی با رشته‌های دانشگاهی» شامل اطلاعاتی چون معرفی رشته‌های آزمون سراسری دانشگاه‌های دولتی در سال ۸۳ تعداد واحدهای هر رشته، چگونگی ادامه تحصیل و… از سوی سازمان سنجش آموزش کشور نیمه اول مردادماه منتشر می‌شود.

## کتابخانه‌ها

**میراث خیره**، تأسیس کتابخانه فرشیچان با هزار جلد کتاب نادر و کمیاب در زمینه نقاشی و نگارگری، مستلزم پایان یافتن عملیات مرمت ساختمان‌های سعدآباد است.

**اطلاعات**، آیت‌الله العظمی غروی علیاری ۲۰۸ جلد کتاب به زبان‌های عربی و فارسی با موضوع‌های فقهی، فلسفی، مذهبی و تاریخی به کتابخانه مرکزی تبریز اهدا کرد.

**اردبیل**، **خبرنگار کتاب هفته**، استان اردبیل طی هفته گذشته شاهد افتتاح یک مجتمع فرهنگی-هنری و یک باب کتابخانه در منطقه معان، شهرهای مرزی بیله‌سوار و پارس‌آباد بود.

**جوانان**، کتابخانه عمومی علامه طباطبائی بهبهان



با ۱۵۰۰ مترمربع ۱۵۰۰ مترمربع زپرینا و مخزن کتابی با ظرفیت ۷۵ هزار جلد به بهره‌برداری رسید.

**قاسم‌دوتن** از کارشناسان سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مراکز اسناد آستان قدس رضوی از ۷۳ اثر نفیس کتابخانه بیت الحکمه پاکستان جهت بهره‌برداری در کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی سی‌دهی تهیه کردند.

**چام چم**، کتابخانه سبار روستایی در دهستان خول غریب کنگاور با ۲۵۰۰ جلد کتاب در ۷۰۰ عنوان به موضوعات مختلف گشایش یافت.

**کتاب هفته**، یک زائر لبنانی کتابخانه شخصی خود را مشتمل بر ۱۱۹ عنوان کتاب و مجله به زبان‌های عربی، انگلیسی، فرانسه و اسپانیایی به کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی اهدا کرد.

**صدای عدالت**، کتابخانه قدیمی ترین مدرسه کشمیر که کمیاب‌ترین نسخ خطی قرآن را در خود جای داده بود، ۱۶ تیرماه در آتش سوخت.

**جمهوریوت**، کتابخانه دیجیتال سازمان محیط زیست ایران در محل این سازمان راه‌اندازی شد.

## نمایشگاه

**رساله**، کتاب‌ها و دست‌نوشته‌های شهید دکتر مصطفی چمران در همایش بزرگداشت شخصیت



علمی وی، ۱۲ تیرماه در مجتمع فرهنگی هنری فردوس

به نمایش گذاشته شد.

**آفتاب** بزود، نخستین نمایشگاه بزرگ فرهنگ فاطمی در بخش‌های مختلف فروشگاه کتاب و نوار، تعزیه خوانی، نمایشگاه سرود و تالیف و… سیزدهم تا بیستم تیرماه در محل خانه هنرهای ایرانی برگزار می‌شود.

**سیاست روز**، شهرداری ستان به منظور ترویج فرهنگ مطالعه و دسترسی آسان مردم به کتاب، جمعه بازار کتاب در محل بوستان هفده شهریور ستان دایر کرده است.

شرق، پنجمین دوره نمایشگاه ایستایی کتاب ایران به همت رازیتی فرهنگی جمهوری اسلامی ایران در سوره در محوطه آستان مقدس حضرت زینب (س) گشایش یافت.

## بزرگداشت

**مهر**، همایش «دویست سال پس از کانت» به مناسبت دویستمین سال‌گردگذشت ایمانوئل کانت، فیلسوف بزرگ آلمانی سیام مه‌ماه نادم آذرماه سال جاری در دانشگاه علامه طباطبائی تهران برگزار می‌شود.

**هشتمری**، همایش عرفان، ایران، ایران و انسان معاصر با رویکردی به نگهبانست سه‌رودی از تاریخ ۲۶ بهمن ماه سال جاری به مدت سه روز توسط مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران و معاونت دانشجویی و فرهنگی باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران در محل باشگاه دانشجویان دانشگاه تهران برگزار خواهد شد.

**کتاب هفته**، همایش بین‌المللی بزرگداشت پروفسور ادوارد سعید، توسط مؤسسه تحقیقات توسعه علوم انسانی آذربایجان جاری برگزار می‌شود. **ایران**، کنگره «یادبود زنده‌یاد عبدالحسین زین‌کوب شهرویه» در برج‌رژه برگزار می‌شود. اندیشمندان می‌توانند مقالات خود را درباره زین‌کوب به آدره کل فرهنگ و ارشاد اسلامی لروستان بفرستند.

**کتاب هفته**، فرهنگسرای بهمن، بزرگداشت استاد اشعار «بیدل» را با فرانت شادروان دکتر سعید حسن حسینی بصورت سی‌دهی در بازار عرشه کرد.

**مهر**، حمید سبزواری، شاعر، درباره شعر پایداری گفت. شعر ناب پایداری محفل مواعظی است که شاعر از نزدیک در چهجا با حضور داشته باشد.

**جوانان**، دکتر سعیدعلی موسوی گرم‌رودی شاعر

و مترجم با اشاره به کم روئنی ادبیات و کتاب‌های

با پروژ مشکلات متعدد در حوزه نشر کتاب مرتبط دانست.

**چام چم**، دکتر ابوالحسن نخعی در نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان «عروض و نقد آثار عروضی معاصره» گفت: اگر پیلادوری وزن شعر براساس آوا و موسیقی است، پس باید از دستاوردهای جدید آواشناسی و موسیقی بهره بگیریم تا بتوانیم قواعد عروضی را توجیه علمی کنیم.

**مهر**، فیروزنوزوی جلالی، «رمان نوس با اعلام نگارنی از آسیب‌پذیری زنان و ادبیات فانتزی گفت: عدده‌ترین عامل آسیب‌رسان به زیان‌ملی و ادبیات فارسی، ترجمه‌های نامناسبی است که برای گروه‌های سنی جوان و نوجوان منتشر می‌شود.

**بانی قیلم**، پنجمین نشست «عصری با بیدل» بررسی آثار و سبک بیدل دهلوی، با حضور محمدکاظم کاظمی، شاعر ۱۷ تیرماه در حوزه هنری خراسان برگزار شد.

**چام چم**، یکصد و سی و دومین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با بررسی آثار داستانی و نمایشی جعفر با حضور کامران قانی، سعیدحمیدیان، بهزاد برکت و منوچهر احترامی، ۱۲ تیرماه در خانه کتاب برگزار شد.

**آفتاب** بزود، یکصد و سی و دومین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با بررسی آثار داستانی و نمایشی جعفر با حضور کامران قانی، سعیدحمیدیان، بهزاد برکت و منوچهر احترامی، ۱۲ تیرماه در حوزه هنری خراسان برگزار شد.

نوشته احمد دهقان با حضور فیروزنوزوی جلالی، ۱۳ تیرماه در حوزه هنری نقد و بررسی شد. **کتاب هفته**، سومین جلسه روز جلسات داستان خوانی جایزه ادبی بلدا با موضوع «داستان خوانی جواد مجابی» با حضور نویسنده، محمدحلی

محمد محمدعلی با حضور نویسنده، ۱۷ مردادماه در مرکز تجاری اسگان برگزار کرد.

**کتاب هفته**، دهمین نشست نقد شعر «کوزه‌های استان قم» ۱۸ تیرماه در سالن قدس قم برگزار شد.

**کتاب هفته**، چهاردهمین نشست مرکز نشر میراث مکتوب با عنوان «تاریخچه مطالعات ایرانی و مباحث متن‌پژوهی در پاکستان» با حضور دکتر عارف نوشاهی، دانشیار رئیس گروه فارسی دانشگاه دولتی گورد، ۲۲ تیرماه در محل مرکز بزرگاری می‌شود.

**کتاب هفته**، در دیدار معاون آموزشی قوه قضاییه با رئیس حوزه هنری مقرر شد که خاطرات نقضات بصورت داستانی با همکاری قوه قضاییه و حوزه هنری ثبت شود.

**خیره**، اولین نشست بررسی «ایزاتاب اندیشه حافظ در شعر خاورمیانه» با حضور حسین باهنر، دکتر خانی و مصطفی یادکویه‌ای، ۱۶ تیرماه در مرکز حمایت‌های مردمی شهرداری منطقه ۶ تهران برگزار شد.

**چام چم**، «سویقا دولما بزو آندره سن» شاعر نویسنده برتغالی در سن ۸۴سالگی در شهر لسیون درگذشت. او در سال ۲۰۰۳ میلادی جایزه ادبی ملکه سویقا اسپانیا را برای مجموعه آثارش دریافت کرده بود.

**چام چم**، شب شعر «قلم در سوگ سای» همزمان با فرا رسیدن ایام فاطمیه ۱۴ تیرماه در فرهنگسرای رازی برگزار شد.

**واقع**، «ماهنامه عربی «الاداب» ویژه شعر نو ایران در لبنان منتشر شد. این ویژه‌نامه که به همت «موسی اسواره» فراهم آمده شامل مقاله، گزیده شعر و دیدگاه‌های شاعران معاصر ایران است.

**مردم سالاری**، انجمن شاعران جوان مجموعه اشعار «بیدل» را با فرانت شادروان دکتر سعید حسن حسینی بصورت سی‌دهی در بازار عرشه کرد. **مهر**، حمید سبزواری، شاعر، درباره شعر پایداری گفت. شعر ناب پایداری محفل مواعظی است که شاعر از نزدیک در چهجا با حضور داشته باشد.

**جوانان**، دکتر سعیدعلی موسوی گرم‌رودی شاعر و مترجم با اشاره به کم روئنی ادبیات و کتاب‌های با پروژ مشکلات متعدد در حوزه نشر کتاب مرتبط دانست.

**چام چم**، دکتر ابوالحسن نخعی در نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با عنوان «عروض و نقد آثار عروضی معاصره» گفت: اگر پیلادوری وزن شعر براساس آوا و موسیقی است، پس باید از دستاوردهای جدید آواشناسی و موسیقی بهره بگیریم تا بتوانیم قواعد عروضی را توجیه علمی کنیم.

**مهر**، فیروزنوزوی جلالی، «رمان نوس با اعلام نگارنی از آسیب‌پذیری زنان و ادبیات فانتزی گفت: عدده‌ترین عامل آسیب‌رسان به زیان‌ملی و ادبیات فارسی، ترجمه‌های نامناسبی است که برای گروه‌های سنی جوان و نوجوان منتشر می‌شود.

**بانی قیلم**، پنجمین نشست «عصری با بیدل» بررسی آثار و سبک بیدل دهلوی، با حضور محمدکاظم کاظمی، شاعر ۱۷ تیرماه در حوزه هنری خراسان برگزار شد.

**چام چم**، یکصد و سی و دومین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با بررسی آثار داستانی و نمایشی جعفر با حضور کامران قانی، سعیدحمیدیان، بهزاد برکت و منوچهر احترامی، ۱۲ تیرماه در خانه کتاب برگزار شد.

**آفتاب** بزود، کتاب یکصد و سی و دومین نشست کتاب ماه ادبیات و فلسفه با بررسی آثار داستانی و نمایشی جعفر با حضور کامران قانی، سعیدحمیدیان، بهزاد برکت و منوچهر احترامی، ۱۲ تیرماه در حوزه هنری خراسان برگزار شد.

سپانلو، رضا قصیریه، فتح اله بی نیاز و... تشکیل شد. شوق ویلاگ نویسان ادبیات و شماری از شاعران معاصر ۱۴ تیرماه در نشر ماه نوشت به شعر خوانی و نقد آنها پرداختند.

## هنرها

**فرهنگ آنتی**، بهترین پژوهشگر تئاتر نیز هم‌راه با سایر بهترین‌ها در حوزه تئاتر از سوی کانون ملی منتقدان در جشن سالبانه کانون ملی منتقدان، بیستم تیرماه در تئاتر شهر معرفی می‌شود.



اهواز گفت: در سه چهارم‌امه آینده الجمن های نمایش، خوشنویسان و شعر شنیکل و اعضای هیات مدیره جدید آنان معرفی می‌شوند.

**کتاب هفته** مدیر کل فرهنگ و ارشاد اسلامی خوزستان از برگزار ی نخستین جایزه دوسالانه نمایشنامه نویسی ایران، با همکاری مرکز هنرهای نمایشی در زمستان سال جاری خبر داد.
**ایکتا محمد اصفهلی**، نقاش گفت: تصویرگری قرآن درست نیست، چون این کار به معنای آسانی کردن کلام خداوند است.

**جام جم**، همایش دوازده دوره ملی میرصاد هومومان با چهارصدنمین سال درگذشت این عطاظ ایرانی ۱۲ مهرماه در شهر قزوین برگزار می‌شود.

**هموطن سلام**: فصل‌الدین صادقی زندگی کافکا را با عنوان ماهه پلارده به روی صحنه می‌برد.

**کهان**، کمال تبریزی بزودی مجموعه تلویزیونی «شهریار» را درباره زندگی اجتماعی و خصوصی سیدمحمد حسین بهجت تبریزی، شاعر می‌سازد.

## بین الملل



**سایت جی کی رولینگ**، نویسنده داستان های هری پاتر، جی کی رولینگ عنوان ششمین کتاب این مجموعه را «هری پاتر و شاهزاده ناشی» اعلام کرد، اما خبری از زمان چاپ کتاب نداد.

**جام جم**، جایزه ادبی استرگایکی از معتبرترین جوایز ادبی ایتالیا در سال ۲۰۰۲، به «اوگو ایکارلی» برای تالیف رمان درد مطلق اهدا شد.
**ایران**، نگاه انشادانی «هازیپ کالینزو» نوانست موافق «شون کانی» دویمن جیمز بلد محبوب تاریخ سینما را برای نگارش کتاب خاطرات وی با یک حق‌التالیف شش رقمی به دست پیارود.

**شوق**، رودولفو آلیا، نویسنده نیومکزیکویی، برنده جایزه رولینگ لیل آبه از ارزش ۱۵۰۰دلار شد که

۱۸ سپتامبر به او اهدا می‌شود.

**جام جم**، «ادایهٔ المعارف کوچک» اثر جدید انتشارات لاروس در زمینهٔ آموزشی از ۲۵ سپتامبر توزیع می‌شود.

**وقایع آنتی**، کتاب «بیتسگه بازسی» اثر نیکول بیگر که داستان منازعه دو نفر بر سر جنگ عراق است توسط انتشارات «آلدو نیاف» با شمارگان یکصد هزار

نسخه، بزودی منتشر می‌شود.

**وقایع آنتایه**، روت هلر گرامس، نویسنده ۲۳ کتاب داستانی و غیرداستانی برای کودکان در سن ۸۱ سالگی در سان فرانسیسکو آمریکا درگذشت. آخرین اثر او تصویرسازی برای فرهنگ لغت وبستر است که تا اوایل سال میلادی آینده منتشر می‌شود.

**آفتاب** بزود نویسندهگان و هنرمندان کوبایی هم‌زمان با سالگرد روز استقلال آمریکا از ارتست همینگوی تقدیر کردند. این هنرمندان علت انتخاب همینگوی را توجه اش به ارزش های واقعی فرهنگ آمریکا اعلام کردند.

**پای فیلم**، بزرگداشت ایزت همینگوی، نویسنده آمریکایی، دوم جولای با سالروز تولدش در محل تولدش لیبینوی برگزار شد.

**جام جم**، کتاب زندگنامه امارلون برالدو، ستاره آمریکایی قر بیستم با عنوان هرالدو در لحظاطه اثر فایتزیشا رابیز در حالی منتشر می‌شود که برالدو هفت گادشه درگذشت.

**فارس**، نمایندگان اسلام گرای مجلس مصر، خواستار توقف کتاب «ایان عربی اسامیا می‌شود و سبویه مسقط می‌کنند شدند، زیر آیزان عربی رامتهم به عقب ماندگی می‌کنند.

**هموطن سلام**، «اچرج ابرول» خالق «قلعه حیوانات» ۲۵ ژوئن، صدویکم ساله شد. وی در سال ۱۹۵۰ در سن ۲۷ سالگی بر اثر ابتلا به بیماری سل درگذشت.

## باز هم خبر

**کتاب هفته**، ملاک اقامت صاحب اثر در اساننامه جایزه ادبی مهران به فارسی بودن اثر و انتشار آن در ایران تغییر یافت.

محدثین مزده دقتی،

فتح اله بی نیاز و علی محمد حق شناس به علاوه داروان سال گذشته، هیأت داروان امسال جایزه ادبی مهران را تشکیل می‌دهند.

**کتاب هفته**، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در همایش «بین سیاست‌ها و انتظارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی» گفت: فرهنگ، کانون تحولات و محور توسعه در کشور است در نتیجه بدون توجه به فرهنگ، توسعه در هیچ نقطه ای از کشور میسر نمی‌شود.

**پای فیلم**، یوسف اماملو، طی حکمی از سوی مهندس حسن بیانیان، رئیس حوزه هنری، به سمت مدیر حوزه هنری نجان منصوب شد.

**جام جم**، پایگاه اینترنتی *www.kotabavni.ir* یکی از بخش های شبکه اطلاع رسانی کتاب اول است که از طریق این پایگاه می توان به تمام کتب مجموعه کتاب اول دست یافت.

**ایکتا** بیش از ۵۰۰حکایت قرآنی در قالب نرم افزار صوتی-تصویری با عنوان حکایات‌های قرآنی به سه زبان فارسی، عربی و انگلیسی توسط بنیاد علوم و معارف اسلامی تولید و منتشر شد.

**کتاب هفته**، سخنرانی ماهانه «الجمن کتابداری و اطلاع رسانی ایران» با عنوان «تبدیل اصطلاحنامه به ontology ضرورت بازنگری در اصطلاحنامه با حضور اعظم صنعت‌جو، دانشجوی دکتری کتابداری و اطلاع رسانی در دامادک، ۱۹ تیرماه در محل کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی برگزار می‌شود.

**فارس**، تشکیل هیأت نظارت و بازرسی شورای عالی انقلاب فرهنگی، با هدف نظارت و پیگیری مستمر بر اجرای صورتات این شورا تصویب شد.

**مشهری**، دوره فشرده آموزش زبان فارسی برای استادان و دانشجویان رشته زبان فارسی دانشگاه‌های قزاقستان و قزاقیستان، ۱۶ تیرماه در دانشگاه روابط بین الملل و زبان های خارجی شهر آلماتی قزاقستان آغاز شد.

### یاد

بخش مجعودی

## یادی از دکتر حیجی مهدوی



بیست و سوم تیرماه سومین سالگرد دکتر حیجی مهدوی استاد ممتاز فلسفه و از بانیان دوره دکتری فلسفه دانشگاه تهران است.

دکتر حیجی مهدوی در سال ۱۳۱۷ در خاندانی از اعیان تهران متولد شد. تحصیلات مقدماتی را نزد معلمان سر خانه فراگرفت و پس از آموختن و خواندن و نوشتن، قرائت قرآن، متون فارسی و سایر درس های ابتدایی و متوسطه در امتحانات سبک اول متوسطه شرکت کرد و طی دو سال موفق به کسب دیپلم از مدرسه دارالفنون شد.

از میان استادان او در دارالفنون می توان به بدیع الزمان فروزفر، عبدالعظیم

قربص، حسین گل کلاب و مسعود کیهان اشاره کرد.

حیجی مهدوی پس از اخذ دیپلم به دارالمعلمین عالی رفت تا تحصیلات خود را در رشته ادبیات و فلسفه ادامه دهد. وی پس از گرفتن درجه لیسانس در سال ۱۳۱۰ برای ادامه تحصیل عازم فرانسه شد و طی هفت سال موفق به کسب مدارکی همچون گواهینامه تحصیلات عالی راجع به تحقیقات ایرانی، گواهینامه تحصیلات عالی در روش‌شناسی و پرورش و گواهینامه تحصیلات عالی در فلسفه عمومی و منطق از دانشگاه پاریس، دانشگاه مون پلیه، دانشگاه استراسبورگ و… شد.

در زمان تحصیل مهدوی در فرانسه دانشجویانی موفق به کسب درجه دکتری ارشد مملکتی فرانسه می شدند که دو رساله را با راهنمایی استادان گذارنده باشند. مهدوی رساله اصلی خود را با عنوان «شناسایی در نزد فلاسفه نخستین اسلام» به راهنمایی آذره لالاند انتخاب کرد و عنوان رساله دوم او «فهرست مصنفات ابن سینا» بود. وی با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۳۱۷ برای تحقیقات بیشتر درباره مصنفات ابن سینا به ایران بازگشت، در همان سال ازدواج کرد و تا سال ۱۳۱۹ در خدمت نظام بود.

پس از پایان خدمت در حالی که در شرایط جنگ امکان بازگشت به فرانسه را پیدا نداشت، برای تدریس در دانشگاه ادبیات و دانش‌رسانی عالی دعوت شد. در بازهم اسفندماه همان سال شورایی مرکب از دکتر ولی الله خان نصیر و دکتر غلامحسین صدیق با توجه به گواهینامه های متعددی که مهدوی طی دوران تحصیل در فرانسه اخذ کرده بود، درجه دکتری وی را به تصویب شورای عالی فرهنگ رساند. مهدوی در سال ۱۳۲۰ رسماً به عنوان دانشیار فلسفه وارد خدمت دانشگاهی شد و تا سال ۱۳۵۲ که به بازگشتش پایان کار او نبود و سال ها به عنوان استاد ممتاز به تدریس در دوره دکتری فلسفه ادامه داد.

پس از بازگشتشگنی ناآل آمد به تدریس تاریخ فلسفه، مکاتب فلسفی، متنولوژی و ماتریزیک اشتغال داشت. اما از جمله آثار مرحوم حیجی مهدوی می توان به کتاب های زیر اشاره کرد:

جامعه شناسی با علم الاجتماع (۱۳۲۲) مصنفات: افضل الدین محمد مرفی کاشانی (با همکاری مجتبی منوی، جلد اول: ۱۳۳۱، جلد دوم: ۱۳۳۲) فهرست نسخه های مصنفات ابن سینا (۱۳۳۸) صحیح ترجمه قصه های قرآن (با همکاری مهدی بیانی، ۱۳۳۸) ترجمه فلسفه عمومی یا ما بعدالطبیعه (تألیف پل فولگیه، ۱۳۳۶) ترجمه بحث در مابعدالطبیعه (ترفته ژان ژان، ۱۳۷۰، برنده جایزه کتاب سال ۱۳۷۱) شکافان پویان

(۱۳۳۶) ترجمه و تلخیص تاریخ فلسفه قرون وسطی و دوره تجدید (تألیف امیل برجه، ۱۳۳۶) ایراهیم باستانی پازیزی، ایرج افشار، دکتر غلامعلی حداد عادل، دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر سید مصطفی محقق داماد، دکتر مهدی محقق و… درباره استاد دکتر حیجی مهدوی بود.

شادروان دکتر مهدوی طی سال‌های منادی حقوق ماهانه خود را برای چاپ کتاب و تشریح دانشجویان به دانشگاه تهران می‌بخشید که از طریق آن کتاب های بسیاری در سلسله انتشارات دانشگاه به چاپ رسید. وی در زمانی که در قید حیات بود کتابخانه شخصی قییس خود را نیز به کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران هدیه کرد. شاگردانی که مهدوی در طول ۵۰سال تدریس تربیت کرد، امروز استادان سرشناس فلسفه در دانشگاه‌های کشور هستند.

روحش شاد و یادش گرامی باد.

### کتاب

### توسعه پایدار



انتشارات سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، کتاب توسعه پایدار در جهان در حال

تحول را که از کتاب های «انگ جهانی است»، منتشر کرد. این کتاب که با ترجمه علی حبیبی، غلامرضا گرانی نژاد و نسرین قبادی منتشر شده است، با توجه به نهادهای انتقالی توسعه در حوزه های انسانی و زیست محیطی، راهکارهای مهمی را برای رشد و توسعه ارائه می کند. توسعه پایدار در جهان در حال تحول که از مجموعه گزارشهای توسعه جهانی (WWD) ۲۰۰۲ است، در برگزیده مراحل تدوین گزارش توسعه جهانی، خلاصه گزارش و مشروح ۹ فصل آن است. این کتاب در ۵۵۸صفحه مصور، در ۱۰۰۰نسخه و به بهای ۲۵۰۰۰ریال منتشر شده است.

### مشاغل فرهنگی

جلد دوم فرهنگنامه مشاغل فرهنگی توسط برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی وزارت

فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شد.

این جلد که در دو بخش منتشر شده، در برگزاری شرح وظایف و شرایط احراز مشاغل فرهنگی غیرودنی است و زیر نظر حمیدرضا بهروان رئیس مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر شده است.

بخش اول این کتاب به مشاغل کتابداری و اطلاع رسانی، امور مطبوعاتی و تبلیغاتی،

امور نمایشگاهها و جشنواره ها و امور چاپ و نشر می پردازد و در جلد دوم مشاغل مربوط

به امور هنری و صنعت تصویر معرفی می‌شود.

مرکز برنامه ریزی و آموزش نیروی انسانی کتاب مشاغل فرهنگی دولتی را نیز منتشر خواهد کرد.





**یادداشت**

ابراهیم عثمان

## قالب های کتاب های الکترونیک

اگر روزی بخواهم شغل کتابفروشی را به عنوان شغل اصلی خود انتخاب کنیم، حتماً یک فروشگاه دو دخته شبک توی اینترنت می زنم و فقط کتاب و مجله الکترونیک می فروشم.نه سرفصلی می دمم و نه خیلی از هزینه هایی که دیگران می پردازند و وقتی پولدار شدم یا برای خود کتاب های سستی می خرم یا یک دستگه چاپگر خوب یا توابع کتاب دلخواه را روی کاغذ چاپ کنم. آخر بابر کنید خوندن یک کتاب از روی یک نمایشگر، بدون اینکه بتوانی توی رختخواب لم بدهی و هر از چندگاهی از این نداده به آن ندنه شوی و کتلت واروق بزنی و هر وقت هم خسته شدی بدون نگاری چشمزت، رابرای یک جرت هفت هشت ساخته بپندی، لطفی ندارد.

از مقاله کتاب خواندن در حالت بیهیبه که نگاریم چندعامل دیگر هم هست که باعث می شود دیگران هم چندان به آن قالب های فرزند فناوری جدید روی خوش نشان ندهند (مداقل در ایران) کتاب الکترونیکی در کشور های صنعتی هم چندان پر طرفدار نیست. البته نه اینکه اصلاً بازار نداشته باشد بلکه نسبت به کتاب معمولی بازارش چندان پر رونق نیست و لی این وضعیت دوم نخواهد آورد و تا چند وقت دیگر

همانند تلقن همراه و رایانه به جزئی از زندگی روزمره تبدیل خواهند شد.

درست است که دستگاههایی مانند Rocket Ebook که فقط برای خوندن کتاب های الکترونیکی ساخته شده بودند با استقبال رویه رو نشدند ولی امروز تلقن های همراه و کامپیوتر های دستی و کیفی و رومیزی هم می توانند به شمار در خوندن کتاب های که دوستان دارند کمک کنند. به عنوان مثال امروز می توانید با یک گوشی مناسب در حالی که با همسرتان مکالمه می کنید همزمان کتاب جیگ و صلح را هم مطالعه کنید.

از وقتی کتاب الکترونیک متولد شد، شرکت های زیادی پیدا شدند که برای نحوه ذخیره کتاب و دسترسی به آن قالب های مناسب اختراع کردند ولی زمان زیادی نگذشت که تقریباً همه آنها منسوخ شدند و امروز فقط این کتاب ها با سه قالب از سه شرکت مشهور می توان سراغ گرفت. البته در ایران یک قالب دیگر هم وجود دارد که با آن کتاب های سستی را به خریدار قالب می کنند و آن هم اسکن صفحات به صورت تصویر و ذخیره آن بر روی لوح فشرده است. امروز عمده ۱۰۰ جلد کتاب بر روی یک لوح فشرده چیزی است که به راحتی می توانید از دستورش های کتاب خیران خریداری کنید.

سه قالب (فرمت) معروفی که گفتیم متعلق به شرکت های مایکروسافت ادوبی (نام آن آکر بیات) اپلم هستند.ا این سه قالب فقط فرمت شرکت ادوبی پاسوند PDFاست که در ایران شناخته شده است و چند کتاب و نشریه هم به وسیله آن به بازار نشر راه پیدا کرده اند. هر سه این شرکت ها نرم افزار تولید کتاب را می فروشند و نرم افزار مخصوص خوندن را به رایگان توزیع می کنند. این فقط ترندی برای نوسعه بیشتر این نرم افزارهاست. تاثر آن مشهور هم معمولاً کتاب ها را هر سه قالب تولید و عرضه می کنند.

قیمت کتاب ها هم فرق چندانی با نوع جلیی خود ندارد و قیمت متوسط هر جلد کتاب ما بین ۲۲ تا ۵۵ دلار است. البته این کتاب ها چرا اینقدر گرانند را باید از تولید کنندگان بپرسید.

فروشگاه های الکترونیکی معمولاً رمزنگاری می شوند و فقط بر روی کامپیوتر خریداری قابل خوندن هستند و نمی توان آنها را امانت داد. با...
فروشگاه های زیادی هم هستند که این کتاب ها را عرضه می کنند. از فروشگاههایی مانند آمازون تا فروشگاههای فوق تخصصی که فقط کتاب های خاصی را در اختیار مشتری می گذارند.

بعضی از جاها هم هستند که کتاب ها را رایگان توزیع می کنند و هدفشان فقط فرهنگ سازی است. برای اینکه با این فروشگاهها و محصولات که عرضه می کنند آشنا شوید و فرق آنها را با کتاب های اسکن شده متوجه شوید پیشنهاد می کنم به این آدرس ها سری بزنید:

- http://digitalmediastore.adobe.com
- http://ebooks.folet.com
- http://www.fictionwise.com
- http://www.ebooks.com
- http://www.gutenberg.net

اگر ببینید باید یا ناشر یا مائل من می خواهید در آینده با کتاب های الکترونیکی و کار داشته باشید بهتر است بدانید که در حال حاضر در ایران فقط می توانید کتاب ها را در قالب PDF تولید و عرضه کنید، چون آن دو فرمت دیگر هم نداشتند هستند و هم توانایی استفاده از زبان فارسی را ندارند.

**کتابخانه**

شماره ۱۸۵، تپه ۲۰، قیصر ۱۳۴۳ ۲۲

**کتب‌خانه های کم شده در گذر زمان**

فریبا باهرت، نایب

## اقلیدسی و ابن هیثم

شرح های متعددی بر روی کتاب های اقلیدس نوشته اند، خودنیز مردان بزرگی در عرصه علم بوده اند. آنان در تمامی دوران رشد ریاضیات اسلامی با اصول اقلیدس مشغول بوده و آرای خود را در قالب شرح، تحرییر، اضافه و شگب بر او افزودند.
همین قدمت ریاضیات به درای تاریخ بشر است که سبب می‌شود با مطالعه تاریخ آن به گوشه و کنار تاریخ نیز سر زد و بسیار طریف و دقیق با تحولات دنیا آشنا شد.

در گذشته پریچ و خم تکامل ریاضیات نام اقلیدسی برای همگی ما آشناست، فیلسوف و ریاضیدان بزرگ (۲۳۰-۳۰۰ ق.م) یونانی که در اصول او شاهکار بی نظیری است. کتاب های متعددی که وی در زمینه های گوناگون به نگارش در آورده است، به جهت اهمیت و پایه‌ای بودن آن هنوز هم مورد توجه دانشمندان و بنیانگذار پیشرفت های بزرگی در علم ریاضیات بوده است.

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که

دانشمندان دوره اسلامی نیز که



**کتب‌خانه های کم شده در گذر زمان**

فریبا باهرت، نایب

## اقلیدسی و ابن هیثم

او درباره ریاضیات از بین رفته است. وی در کتاب حل الشکوک تمام سعی خود را به کار برده است با شگ های دیگر دانشمندان اسلامی باصراول را حل نماید.

متأسفانه ما از این کتاب ارزشمند در ایران تاکنون فقط یک نسخه پیدا کرده‌ام که در کتابخانه ملک به شماره ۲۲۳۲۲ نگهداری می‌شود. این نسخه در قرن ششم هجری یعنی حدود ۱۰۰۰ سال پس از برگ این هیثم رونویس شده است که در ۱۰۰۰ برگ تنظیم شده است و با جمله بسمله را این المقله الأثری من کتاب الحسن بن الهیثم فی حل الشکوک من کتاب اقلیدسی فی الاصول... آغاز می‌شود و با جمله

«...بجمع المخمصات الخمس و تلک ما اردنا ما بیننا و یابان های پایه.
قسمت هایی از این کتاب ارزشمند توسط زرنگدویوشکبچ در سال ۱۵۵۳ میلادی به زبان روسی ترجمه شده است.

زرنگدویوشکبچ در سال ۱۵۵۳ میلادی به زبان

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

روسی ترجمه شده است.

اطلاعات رسانی می پردازند.

خدمات فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و شماره تماس و نشانی سازمان اسطفا مجوز اختصاصی دارد و مخاطبان را از مراجعات مکرر به بخش های مختلف واورخانه می نجات می دهد.
فصل چهارم کتاب ریاضیات نیز به معرفی واحدهای مختلف روابط عمومی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می پردازد و مخاطبان را با فرآیند

کاری این بخش از وزارتخانه آشنا می کند.

در مقدمه این مجموعه وعده داده شده است که کتاب حاضر از این پس

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند

کتاب فیروزه‌ای زیر نظر علم‌مآبش مگر حوزه وزارت و روابط عمومی وزارت فرهنگ خود در وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به روز و مخاطبان را با فرآیند



سرگازر

Sohbat\_mahmoud@yahoo.com

حسین محمدری

## همه فرهاد تراود ز رگ و ریشه ما

همچو فرهاد بود کوه کنی بیشه ما  
کوه ما بنیسه مادمانخن ما دیشه ما  
شور شیرین زبس آراست ره جلورگی  
همه فرهاد تراود ز رگ و ریشه ما

### میرزا عبدالحواد ادیب نیشابوری

روزهای تیرماه، شلوغی های موسمی مقال  
برخی از دانشگاهها، و خیل علاقه مندان ورود به  
جهان متفاوت دانشگاه، آزاد و دولتی، دختر و  
سپهرهایی که از صدم گرفته اند، تا با کارت بگذرند، با  
پوششنامه، پُر کنند. گروهی نهران، و تعدادی  
شهرستانی، وسایری از آنها هم فقط ورود به دانشگاه  
برایش مهم است، همین و بس، و مثلا چهار سال  
زندگی در آن محیط، و مثلا تحصیلی، دانشی،  
اندوخته ای، آینده ای، و اینچور چیزها.

و من که روزگرم، به این فکر می افتم که برخی  
چند عصری بر سر این کار گذاشته اند، تا با مدرکی برسند  
و آنکسی، می آنکه بخواهم تحصیلی و تحصیلات  
دانشگاهی را بنی کنیز، به بخشی از این محیط می اندیشم  
که دکا یک، دو نیشی است، چند میلیون تومان پول  
رایج مالک میروسیه، و چهار سال عمر و وقت، و بعد  
هم کافی به عنوان...

و سال ها که این منظره را دیدیم، ما یادبوسم و راه  
روشن گنیم، علم آموزی افتاده در این آب و خاک، همین  
صدا، صد و سی، چهل سال پیش یاد ادیب اول  
میرزا عبدالحواد ادیب نیشابوری، همان که نخستین استادان  
حوزه ادبیات، در همین دانشگاه نهران، بیشتر بر خاسته از  
محقق و متفکر او بوده اند، و همین طور استادان اولیه  
مؤثرترین دانشگاه در حوزه ادبیات، یعنی دانشگاه خراسان  
از ملک الشعراء بهار و بهیچ الزام نروانفر و محمد  
تقی مدرس رضوی کبیر و بیابانید جلال الدین نهرانی،  
فکر مهدی آذر (که البته این یکی پزشک بود و وزیر کابینه  
دکتر مصدق او کاشن خراسانی و محمد پروین کابندی، و  
شهاب فردوسی، و دکتر قیاسی و...).

و این ادیب مریدی تقریباً بیابانیا، با یک چهارم بینایی،  
یعنی نیمی از بینایی کج چشم، و مسلط بر ادب فارسی  
و عربی، و وسایری از متون مقدماتی و متوسطه و عالی  
ادبیات و منطق را، از حفظ درس می گفت، با حواشی  
و بسیار و محفظات و مناهای نظر، در مدرسه سیار  
مشهد، که تاسیست و پنج شش سال پیش، در ایالات خیران،  
هنوز به همان طرح و حال و هنجار قدیمی برپا بود، و  
من و دوستان هادی مدقی (پزشک جراح فوق تخصص  
امروز) جوانکهای قدیمی که به شوق حس آن حال و  
هوا، سری می زدیم به حجره ها و راهروهای قدیمی  
آن، و یاد آدمهایی بودیم که در این فضا و مکان، به  
تحصیل روزگار گذرانده اند، مثلا استاد فروزانفر، که  
شیخ عبدالمجلیب نیشابوری ای نمانده می شد، و اینکه در  
ملاس ادیب گاه تا سیصد تن جمع بوده اند، یعنی  
کلاس در یک جمع و کفرانس و سالن سخنرانی،  
ایشان ادیب به درس و بحث، و ایشاق شاکردان به  
حضور و آموختن، و آموختن، از آن  
کنکته هاست، شاکردان مبتدیان، و معلم کریم و دوست  
دلایز، شاکردان در خدمت او بودند و به او خدمت  
می کردند، و معلم نیز، ترک همه کس و همه چیز گفته،  
و همین آموختن ناخوش، که تنها بود، و بی سر و  
همسر، نخواست و لولایی و دیزی آنگوشتی، طعمای ساده،  
و جامه ای ای نشانی که نفاخر، و نوعی در حد هیچ  
و با همان شهریه اندکی که شاکردان می داده اند، زندگی  
می کرده، و محفل زندگی هم حجره ای در همان  
مدرسه، و تو حالا به شیوه تدریس او توجه کن و سال  
و هوای تدریس و درس و کلاس را انگیز؛  
هیچ روز تدریس را ترک نمی کردند، و به ولادتنا  
و وفیات هم چندان اعتنا نداشتند، می فرمودند، احترام  
امام و پیغمبر ای علم آنهاست، ترک علم چه معنی



و حالا شاکرد ادیب را بنگر، استادی که اینگونه بر  
تربیت شاکرد همت به کار می گیرد، شاکرد نیز به او  
اینگونه ادب می کند، معروفترین شاکرد ادیب اول،  
ملک الشعراء بهار است، در اواسط عمر، ادیب انتقادی  
به بهار داشته، اما بهار، شاکرد بوده و احترام استادی او  
فرض بهار در اوج شهرت و مقبولیت است در تهران،  
و قصبه جوارنده مدار بند به رومی سرایند.

ای دیوسید پای درنت  
ای کبیر گیش ای دماوند...  
التری تکرار نماندنی، و در ارج، و یکی از  
پادشاهترین بهای خلیل نا بهین شعر حاضر فارسی، و این  
قصبه در مجله گفتگی نوبهار به مسایقه گذاشته  
می شود، و ملک به خاطر رعایت مقام استادی ادیب  
نیشابوری قید می کند، که  
بگفتند جامه ای بهر دماوند

که لدر عالمش نانی نماند...  
کرام بهتر از آن گوید ز دینار  
کم از پنجاه ارزانی نماند  
ولی یک شرط باشد، اندر این کار  
که گویند خراسانی نماند  
و بهار خود گفته است، امراد از شعر اشتر احترام  
استاد بود، زیرا در آن اوقات مرحوم ادیب نیشابوری  
که سمت استادی بر بنده داشت در قید حیات بود و  
نخواستیم در این اقتراح موجب تکبر خاطر آن بزرگ  
فراهم آید...

ooo

انها را نوشتیم و یادآوری کردم، تا در پیام آیا این  
خیلی عذر خواهی مند به تکویر دولتی، آزاد، تا چه ماه  
آشنایست به پیشینه دانش و آموزش در این آب و خاک،  
نه مدرکی بوده، و نه کافری، و نه شهریجه انجمنی و

دارد و می فرمودند، اگر برای ولادت و وفات خواسته  
باشیم تعطیل کنیم، صد و بیست و چهار هزار پیغمبر  
داریم، صد و بیست و چهار هزار وصی داریم، در هر  
روز چند تا پیغمبر و چند تا وصی از دنیا رفته پس دیگر  
نیاید، درس بخوانیم او هر گاه در بین درس به اسم یکی  
از امام ها، یا به اسم پیغمبر می رسیدند، معطلتر که  
نشسته بودند، کسی خص می شدند و قسم می بردند...

مطالعه کردن درس فرهاد را هم شاکرد و هم استاد  
واجب می شمرد، چنانکه مرحوم ادیب نیشابوری  
اگر در نیشی (به جز پنجشنبه و جمعه که تعطیل بود)  
فرست نمی یافت، درس فردا مطالعه کند درس را  
تعطیل می کرد و چنین پیش آمدی به ندرت در وی  
می داد، زیرا آنها هنگامی از موفقی به مطالعه درسی  
نمی شد که در حجره مدرسه نشاند و در محل در خانه  
ایرج (شام) (ایرج میرزا) نشسته (فهرما) کتب را  
بمیانند، او می گفت، می سال این متن ها (شرح نظام،  
منعی مطول) را درسی داده ام، و هنوز هم اگر کسی  
تقرائمت متن و حاشیه و شرح های آنها را مطالعه کنم  
درس را تعطیل می کنم، (1)

فرزند جوانی بازم، اهل کتاب و قلم و نوشتن، و  
یکسره در کار مطالعه، و پول تو جیبی خود را هم در  
می آورد، با همین قلم روزی ها و فعالیت های فکری، در  
انجام آنجا سرگرم است، و علاقه ای نداشت به تحصیل  
دانشگاهی، که امروز از من بود و انگار از من، و هنوز هم  
اسرار من به همان شدت است، و انگار از کتیر شده،  
و شاید یک روزگار و راهم بود یکی از این مصفاها کارت  
تکویر بیستم، که به شوق کافری که سال ها بعد  
می گیرد، استاده و فرم پر کند، بازی، چند سال پیش،  
شوقش گرم به رفتن رفتن یکی از مدارس علم قدیمه  
به معدن تیان و دستاوی و معرفی با اینچور، کارها، و به  
آنشای روزگار جوانی، با آن محیط، به او می گفتند، که  
از تو امیدوار هستیم، چهار چوبهای قراردادی درسی،  
به دور خواهد بود، و رفته بود، و مدتی بعد، پیامه که  
دلبر شده و کار کشیده، ساعت با رسیدیم گفت، اینجا  
هم ترمی شده و مقرراتی و دیگراری، و امروز، و  
تغییرات و حضور و غیاب و مثل و مانند یک مرکز  
آموزشی امروزی امروزی،

ooo

همان سخن اول، عووم از مقال بر برخی از مراکز  
آموزشی و دانشگاهی، و امتحان جوان ها، و گرفتن  
کارت، و فرم پر کردن، و برگزاری تکویر، آزاد و دولتی،  
چند میلیون نفر، پول چهار سال عمر و نیمی تمام چه  
تحویل می میده، اما همای با فرهنگ، به این نوع زادی  
است، آدمهایی باو آید! این هم گمان نیست، خدا کند  
که فقط آدمهای بر تویی نمانند، کفای است،

یا علی مدد

۱- به نقل از شادوان محمد تقی نیشابوری  
دوره ای که از نیز از شاکردان ادیب اول، مرحوم میرزا  
عبدالحواد ادیب نیشابوری بوده است، زندگی و اندام  
ادیب نیشابوری، به روش جلالی بدلی نادر،  
چاپ و نشر بناد در قفقاز، چاپ اول، ۱۳۳۴ خلی  
(رحمت جالب جلالی بناری کاشانی کلب سلیط، به  
انتها مجموعه شعر شوه ای ادیب اول را گرد آورده اند، که  
مقدمه ای جامع و ارزنده در ادب و شعر و زندگی او  
ذو هر کجده تا در یکصد و سیصت صفحه و شرح و  
تعقیقات کتاب هو پای ضیاح و بنیاده معانی اذات  
و ذیبات و اذات عربی، در یکصد و پنجاه صفحه است،  
این راهم متناظر یکم که بسیاری از فضائل روحانی و  
دانشگاهی این یکم را به کمر خود، در درس خراسانی،  
اقلب بر آمده از محضر ادیب دوم (محمد تقی ادیب  
نیشابوری) به حساب می آید، اما جالب ذکر معنی  
محقق خراسانی، جناب حجت الاسلام حاج شیخ مهدی  
مدقی خراسانی، جناب استاد دکتر محمد شادشاهی  
کاشانی، جناب استاد محمدرضا حکیمی، جناب دکتر  
علی موسوی گرامدی، شادوان قدیمی مشهدی (که  
خود را می منی گفت که شاکرد نیمه قدیمی مشهدی بوده  
و همزمان که در بازار کار می کرد، در محضر ادیب هم  
درس می خواند، رحمت علیه و کتیده ام، که  
شادوان، ادیب مهدی حق نالده، و دکتر علی طریقی هم  
در یکی به ذکاگیری دروس عربی، به خدمت ادیب دوم  
رسیده اند.

شادوان ادیب نیشابوری اول در شش خر دماوند  
سال ۱۳۳۵ شمسی در گذشته است، و ادیب نیشابوری  
ثانی (ادوم) پنجاه سال بعد یعنی به سال ۱۳۸۵ شمسی،



حسین ماهدایی

## دکتر سیدعلی موسوی بیبهانی



دکتر سیدعلی موسوی  
بیبهانی، ۳۰ تیرماه سال ۱۳۲۵  
در شهر بیبهان به دنیا آمد.  
شروع دانش آندوزی او در  
مکتب های بیبهان بود و  
در آنجا درس صرف و  
نحو، ادبیات عرب و مقدمات  
را نزد پدرش آموخت.  
دکتر موسوی بیبهانی

در سال ۱۳۴۵ به شوق قلم آمد و در حوزه علمیه آن شهر  
تحصیل کرد. وی در قم از محضر استادیان بزرگ  
عبدالحواد سدهی، شیخ محمدعلی کرمانی و سید  
محمد داماد بهره برد و تا مرحله خراج قلم و اصول  
پیش رفت و در این مرحله در درس آیت الله  
پرویز جعفری

از در سال ۱۳۴۵ به دانشگاه معقول و معقول  
دانشگاه نهران وارد شد و در سال ۱۳۴۸ با اخذ درجه  
لیسانس در فلسفه تحصیل شد. دوره فوق لیسانس را در  
سال ۱۳۴۸ تا ۱۳۴۹ در دانشگاه حقوق دانشگاه نهران اخذ  
کرد و تا سال ۱۳۴۳ که از این دانشگاه فارغ التحصیل شد،  
از محضر بعضی از علمای علم حقوق، چون دکتر سعید  
شهبازی، شاکردان استاده کرد.

دکتر موسوی بیبهانی در سال ۱۳۴۳ در دوره  
دکتری معقول و معقول ادامه تحصیل داد و پس از سه  
سال در رشته فلسفه موفق به اخذ مدرک دکتری شد.  
وی پایان نامه خود را با عنوان شرح و آثار و آراء  
میرزا عبدالحواد ادیب نیشابوری در فلسفه حقوق در سال  
۱۳۴۷ ارائه کرد.  
دکتر موسوی بیبهانی در سال ۱۳۴۶ به پیشنهاد دکتر  
محمد معین تدریس در دانشگاه آراغ کرد و همزمان در  
لقنمه مجددا شروع به کار کرد. آنشای موسوی  
بیبهانی با پروفیسور رابنوس در سال ۱۳۴۷ باعث همکاری  
با پروفیسور در تصحیح قضاات میرزا مداد شد. او در سال  
۱۳۵۰ به عقد رفت و در دانشگاه از بحث زبان فارسی و  
اسلام شناسی تدریس کرد. سه سال بعد در سال ۱۳۵۳  
به ایران بازگشت و تدریس در دانشگاه ادبیات و علوم  
انسانی دانشگاه نهران را بر عهده گرفت.  
دکتر بیبهانی با دکتر دگر در سال ۱۳۷۷ آرای کابینه  
سیر عقاید و آرای کابینه در دانشگاه علامه، به آن  
کشور رفت و در سال ۱۳۷۹ بازنشسته شد.  
استاد دکتر سیدعلی موسوی بیبهانی در سنین  
میانیش چهره های ماندگار در سال ۸۲ به عنوان چهره  
ماندگار در رشته تخصصی ادبیات فارسی در  
اسلامی انتخاب شد.

برخی از آثار او عبارتند از: کتاب شرح افرد  
القلم که در سال ۱۳۷۰ توسط مؤسسه مطالعات اسلامی  
دانشگاه نهران آن را منتشر کرد، همچنین کتابت  
معرف اسلامی نیز توسط مؤسسه حجاب و اشرافات  
دانشگاه نهران در سال ۹۵ چاپ شد. کتاب حکیم  
انترآباد میرزا مداد را اشرافات مؤسسه اطلاعات در سال  
۷۰ به بازار عرضه کرد و عیار دانش به مشتمل بر  
قیامت و طبیعات است. سال ۷۷ توسط دفتر نشر  
میراث مکتوب منتشر شد.

**کتابخانه**

صاحب امتیاز:  
خانم کتاب ایران

مدیر مسؤول: احمد محمد جمعی  
سرمدیوه علی اصغر رمضانپور

امور فنی: کارگر گرافیک  
لیتوگرافی و چاپ: آری انجمن  
نشانی: خیابان قائم مقام فر اهرانی  
اول فجر (جنب)، شماره ۹، طبقه دوم  
صندوق پستی: ۳۳۳۰۳۳۳  
تلفن: ۸۳۷۸۹۰۹۰۹۰۳۳۳۳۳۳  
نشانی اینترنتی:  
http://www.ketabhafehteh.ir



### هارون وهومن: محقق



اولین اثر اینجانب که در سال ۱۳۸۲ با به عرصه وجود نهاد و ۲۶۹۹ صفحه، از سوی انتشارات گهر منظم در شمارگان ۳۰۰۰ نسخه روانه بازار نشر گردید. علاوه‌برندان به تاریخ، جغرافیا و صنعت جهانگردی جمهوری عراق، در این کتاب با آثار کلبه کسایی که از عهد باستان تا پایان فوریه ۲۰۰۴ م. به این سزمین سفر کرده‌اند، به ترتیب حروف الفبای فارسی و سپس از اطلاعات دقیق، آکادمیک و مختصر ۱۰۶ شهر مهم آن آشنا خواهند شد. زندگینامه سیاحت و نیز کلبه نسخ خطی و آثار ترجمه شده به زبان‌های انگلیسی، فرانسوی، آلمانی، عبری، ایتالیایی، عربی و روسی در پیوست آورده شده است.

نشر سختکوش و محترم من قول داده است در صورتی که بحران کاغذ عملاً و نه بر روی کاغذ و بیخشمه، فروکش نماید، تا دو هفته دیگر سه اثر «سزمین مقدس از نگاه مسافران تاریخ» در ۷۳۱ صفحه، «کرپلافته‌ها» در ۶۷۲ صفحه و «قاهره بزرگترین شهر افریقا»، که پایتخت فرهنگی خاورمیانه است، در ۹۲۲ صفحه به بازار کتاب عرضه نمایند، این سه کتاب مصور می‌باشند.

پس از چاپ این جلد، امیدوارم کارهای فیلم و رزیک و چاپ و صحافی سه اثر دیگر من نیز با سرعت مناسب و تا پایان مردادماه جاری انجام شود. «تصحیح سفرنامه عمادالسلطنه» در اروپا در ۲۵۹ صفحه، اثری است از میرلای علی‌خان عمادالسلطنه، نخست‌وزیر ایرانی تبار حیدرآباد هند، مربوط به سال ۱۳۰۴ ق. «تصحیح سفرنامه ناصرالدین‌شاه قاجار» به مازندران، مربوط به سال ۱۲۹۲ ق. در ۱۶۰ صفحه، «تصحیح سفرنامه مکّه» تألیف الصدر شیرازی، مربوط به سال ۱۳۰۵ ق. در ۲۳۶ صفحه

### ناتالی چوبینه: مترجم



الان یک رمان از هاینریش بل را در دست ترجمه دارم که به اسم «پایان یک مأموریت» منتشر می‌شود. این کتاب تاکنون در ایران ترجمه نشده بود چون کتاب بسیار مشکلی است و لهجه‌های آلمانی را با زبان حقوقی به کار می‌گیرد. هاینریش بل در این رمان واژه‌سازی‌های زیادی دارد. لهجه‌های محلی در این اثر زیاد است، هر شخصیتی زبان خودش و لهجه خاص خودش را دارد. به همین خاطر ترجمه این رمان خیلی مشکل است. با این که خود اثر هم پیچیده است. ناچایی که من خیر دارم این رمان ترجمه نشده بود. موضوع این رمان یک محاکمه است. محاکمه شخصی که نظامی است. در قالب این محاکمه هاینریش بل جامعه کوچکی را وصف می‌کند که در

حقیقت نمادی از جامعه بزرگ‌تر می‌تواند باشد. بل دهکده کوچکی را در نظر گرفته به عنوان نمونه‌ای از آلمان بعد از جنگ، یعنی پانزده سال از جنگ گذشته بود و نشان می‌دهد که آلمان به چه روزی افتاده است. به احتمال زیاد این رمان را انتشارات سپیده سحر منتشر می‌کند که آثار قبلی مرا منتشر کرده است. آثار دیگر هم یکی و اکثر است که انتشارات ماهور در دست چاپ دارد. بعد کتاب‌هایی هم که در زمینه ناآثار گرام فراز است نشر تجربه و نشر افکار بوردی منتشر کنند. یکی از این کتاب‌ها «کمدی دلارنه» است که نویسنده‌اش جاکو مورلیا است. دیگری کتاب «کمدی» از ال. جی. پائس است. سومین کتاب، نمایشنامه «میراس» است که آخرین نمایشنامه دورنمات است. هر سه کتاب فوق تا یک ماه دیگر به بازار می‌آید. کتاب «کمدی دلارنه» و «کمدی» کتاب‌های تئوریک در زمینه ناآثار هستند.

### نفیسه معتکف: مترجم

یک کتاب از هیلاری کلیتون را ترجمه کرده بودم که الان در دست انتشار است و به نام «تاریخ زنده» به بازار می‌آید. قبلاً این کتاب را یک‌نفر ترجمه و منتشر کرده به نام «زندگی من» که اسم درست کتاب این نیست. اسم واقعی کتاب همان تاریخ زنده است. بعد یک رمان به اسم «فرشته نگهبان» هست که نیکولس اسپرکس آن را نوشته و قبلاً هم چند کتاب از این نویسنده ترجمه کرده بودم که چاپ شده است. داستان این رمان راجع به زنی است که شوهرش فوت شده و در جریان یک مسافرت با مرید آشنا می‌شود. شوهر این زن در زمان حیات و قبل از مرگ سگی را به دوستی می‌سپارد که بافت جشن تولدش به همسرش هدیه بدهد. این سگ بزرگ می‌شود و در یک ماجرای قتل، سگ کشته می‌شود. کتاب دیگری هم از این نویسنده در دست چاپ دارم به نام «عشق

### امیر اسماعیلی: نویسنده



بعد از چاپ و انتشار کتاب تازه «از خودیگانه‌ام» که به‌یچو پیرامون زبان پارسی و مجموعه‌ای از گفت‌وگوهای من با خبرنگاران فرهنگ و ادب پارسی، و «نگاهی تازه به کلبه و دمنه» که بازیگری و بازیخوانی از این من کهن فارسی با هدف آشنایی و مطالعه جوانان ونوجوانان بود و هر دو از سوی نشر هرتیث به بازار کتاب عرضه شد. به تازگی نوشتن یک رمان با نام «پیشوا» در حال و هوای ادبیات جنگ و دفاع مقدس و نیز ترجمه یک رمان پارسی سیاسی با نام «سلطه شیطان» را به پایان بردم. «سلطه شیطان» بل کارآفرین پیرامون زندگی و تلاش یک تروویست حرفه‌ای بازنشسته است که در آخرین روزهای حیات خود مأمور ترورش شدن از شخصیت‌های برجسته سیاسی آمریکا می‌باشد. فرماندار گرفته تا معاونت رئیس جمهوری می‌شود و در مدت زمان کوتاهی علیرغم میل باطنی این مأموریت را به انجام می‌رساند. ضمناً برای چاپ کتاب «شیر در زنجیر» زندگی و مرگ دکتر حسین فاطمی روزنامه‌نویس و وزیر خارجه دولت دکتر مصدق یا نشر مروارید و برای چاپ کتاب اسکندر یا نشر دیردر حال مذاکره و بررسی هشتم.



مردان روزگار، عنوان کتابی به قلم جشدید صدفات‌نژاد است. مؤلف کتاب بر آن است تا در این اثر به ورزش جانبازان و معمران بپردازد و یکی از نقش‌آفرینان این عرصه را که جانباز جنگ تحمیلی است نیز معرفی می‌کند. انتشارات نشر هفت رود اقدام به چاپ این کتاب نموده است.

### مدیه حال

«مدیه حال» عاشقانه عنوان کتابی است تألیف اسپنسر جانسون ترجمه سیدعلی‌مهری. این کتاب موفقیت در زندگی و کار را در قالب داستان بیان می‌کند تا فرد بتواند به راحتی به اهداف خود برسد.

### زهرچمن گل

«زهرچمن گل» عنوان کتابی تألیف سید معصوم علوی است. این کتاب مجموعه‌ای است تحلیلی تألیفی از معارف ناب و اصیل اسلامی و نیز برگزیده‌ای از ادبیات، تاریخ، فلسفه، علوم قرآنی و... که انتشارات بحر العلوم قزوین اقدام به چاپ و انتشار آن نموده است.

### ملاقات‌های عاشقانه

«ملاقات‌های عاشقانه» عنوان کتابی است به قلم گریگوری گویدک ترجمه مهرداد انظاری. اثر حاضر مجموعه‌ای از سخنان، جملات و نقلات عاشقانه در خصوص برقراری ارتباط با همسر و بهبودی از این ارتباط است که انتشارات بدرقه جاویدان آن را در دست انتشار دارد.

### شغفه‌های عرفانی

«شغفه‌های عرفانی» عنوان کتابی است به قلم محمد غریبان دیوشک‌بند. این کتاب شامل شعرهای اخلاقی و عرفانی و... است که انتشارات بحر العلوم قزوین اقدام به چاپ و انتشار آن کرده است.

### چه کسی پتیر مرا جابجا کرد

«چه کسی پتیر مرا جابجا کرده» عنوان کتابی تألیف اسپنسر جانسون با ترجمه مریم جوادی است که موضوع معرفی آن سازگاری با تغییر است. اسپنسر جانسون نویسنده مشهور آمریکایی است و کتاب‌های مختصر، کارزار و راهگشای بسیاری را تألیف کرده است. وی در این کتاب به معرفی کتاب آدمز با جراح حاصل از ظهور تغییر در زندگی می‌پردازد که انتشارات منور اقدام به چاپ آن نموده است.

### ملاصدرا زندگی، شخصیت و مکتب صدرالمتألهین

این کتاب تألیف استاد سید محمد خلیفه‌ای است که علاوه بر این در زندگی و مکتب ملاصدرا (حکمت معلیّه) را در می‌گیرد و بهجت آشنایی فلاسفه سایر کشورها به زبان انگلیسی ترجمه شده است. انتشارات بنیاد حکمت اسلامی صدرا اقدام به چاپ این کتاب نموده است.

### جاشوا کریستین

«جاشوا کریستین» رمانی است تألیف کالین مک کالو که به قلم مهدی علوی ترجمه شده است. موضوع این رمان پیرامون زندگی دکتر جاشوا کریستین است. روایتی که معقده است فقدان معنویت و گرایش و اعتقاد به خدا از مشکلات جامع بزرگ بشری امروز محسوب می‌شود. انتشارات شلت اقدام به چاپ این کتاب نموده است.

### گزیده ادب فارسی

«گزیده ادب فارسی» عنوان کتابی است به قلم عباسعلی مقصدولو. این کتاب برگزیده‌ای از شعر و نثر فارسی است که براساس سیر تاریخ تنظیم شده است و انتشارات فردوس اقدام به چاپ آن نموده است.

### عرفان و رهجویان کمال

«عرفان و رهجویان کمال» عنوان کتابی است به قلم سیدمهدی محمدی که در آن به بحث درباره عرفان و تقیّ آن در زندگی پرداخته است. مطالب این کتاب در قالب پرسش و پاسخ تنظیم شده است. انتشارات ناس آن را در دست انتشار دارد.



**نشر آبی**

تهران - خیابان کریمخان زند  
شماره ۱۰۰۶ مقابل خیابان ماسخه‌ها  
تلفن: ۸۴۴۲۵۵۵



اولین های مطبوعات ایران  
میدار بد قلمسی



خاطرات مطبوعاتی  
میدار بد قلمسی



خاطرات و روزنامه نگاران زندانی  
میدار بد قلمسی